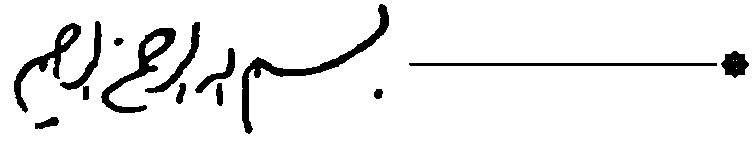
بسم الله الرحمن الرحيم

دعا

از منظر رهبر معظّم انقلاب اسلامی
حضرت آیةاللّه خامنه‌ای(مدّظلّه العالی)

تدوین:
علی‌رضا برازش

از منظر حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظلـــه العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش: علیرضا برازش
ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
(وابسته به مؤسّسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع میباشد.

شابک: ۷-۳۰-۲۹۵۱-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره‌ی ۷
تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ ـ ۶۶۴۱۰۶۴۹ ـ ـ تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ ـ ۶۶۴۸۳۹۷۵
سامانه پیامکی: ۱۲۰ ۲۰ ۱۰۰۰ ـ صندوق پستی: ۶۱۳ـ۱۳۱۸۵
پست الکترونیکی: http://Book-Khamenei.ir ـ Info@book-khamenei.ir

فهرست

مقدّمه ۱۵
فصل اوّل: معانی دعا، إجابت و ذکر ۲۱
دعا چیست؟ ۲۳
رابطه‌ی قلبی انسان با خدا ۲۳
ارتباط با خدا ۲۳
ارتباط و اتّکال انسان با خدا ۲۳
رابطه‌ی انسان با منبع فیّاض ۲۴
تقرُّب و أُنس ۲۴
خدا را نزدیک خود احساس کردن ۲۴
خدا را حاضر و ناظر دانستن ، خدا را در مقابل خود احساس کردن ۲۴
تقرُّب إلی اللّه ۲۵
انس با خدا ۲۵
حرف زدن با پروردگار ۲۵
با خدای متعال سخن گفتن، حرف دل را با او در میان گذاشتن ۲۵
خدا را خواندن ۲۶
بیان خواستهای فطری انسان ۲۶
خواستن ۲۶
عبودیت، خشوع و خاکساری و تضرُّع ۲۷
روح عبادت ۲۷
بهترین عبادت ۲۷
خشوع و خاکساری نزد پروردگار ۲۸

تضرُّع ۲۸
وسیله‌ای برای رسیدن به حوائج و مقصودها ۲۹
وسیله‌ای در کنار وسائل دیگر ، یکی از دهها وسیله و سبب و علّت ۳۰
وسیله‌ای بین خدا و بندگان ۳۰
دعا وسیله‌ای در طول ابزارهای مادّی و نه رقیب آنها ۳۰
وسیله‌ای برای فهمیدن معارف الهی ۳۱
أقسام دعا و أنواع سخن گفتن با خدا ۳۱
درخواست، تمجید و تحمید، و یا اظهار محبّت و ارادت ۳۱
دعا، ضرورتاً همیشه با حاجت‌خواستن همراه نیست ۳۱
نمونه‌ای از مصادیق دعا و ذکر ۳۱
نماز ۳۱
نماز جمعه ۳۲
اجابت چیست؟ ۳۲
پاسخ و توجّه و التفات خداوند ۳۲
نورانیتی که در دل پدید می‌آید ۳۳
جاری شدنِ طلب، از سرتاپای دعا کننده ، همان پاسخ الهی است ۳۳
جور شدنِ أسباب و وسائط ۳۳
برآورده شدن خواسته در چهارچوب قوانین طبیعی ۳۳
جورشدن ابزارهای مادّی و عادی و معمولی ۳۴
دعا جورکننده‌ی روال عادی ۳۵
استجابت به معنای برآورده شدنِ صددرصد خواسته نیست ۳۶
معانی ذکر ۳۷
خود را در برابر خدا یافتن و به او دل دادن ۳۷
ذکر یعنی همنشینی با محبوب ۳۸
ذکر یعنی یاد، در مقابل غفلت و نسیان ۳۸
ذکر، یعنی به یاد بودن، به یاد آوردن، به هوش بودن و توجّه کردن ۳۹
ذکر به معنای یاد تکلیف و یاد نعمت الهی است، نه فقط ورد و اوراد ۳۹
ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن ۳۹
ذکر یعنی دوری از غفلت ۴۰

ذکر یعنی بیدارباش ۴۰
ذکر، مانعِ رفتن به سمتِ معصیت ۴۰
فصل دوّم: اهمیّت دعا و ذکر ۴۳
اهمیّت دعا ۴۵
توفیق دعا، علامت لطف پروردگار ۴۵
دعا، بیمه‌کننده‌ی انسان در مقابل جلوه‌های مادّی ۴۵
دعا، مظهر بندگیِ در مقابل خداوند ۴۵
دعا، بهترین مضامین سرشار از معارف الهی ۴۶
دعا، دارای تأثیرات معجزآسا بر روی دل انسان ۴۶
دعا، معنادهنده‌ی حیات انسان ۴۶
دعا، اسلحه‌ای مایه‌ی نجات ۴۶
دعا، کلید همه‌ی خزائن الهی ۴۷
دعا، آشکارکننده‌ی محتوای ذهن دعاکننده ۴۸
دعا، دارای نقش مؤثّر در سازندگی ۴۸
دعا و فرصت دعا کردن، یک نعمت ۴۸
هفت مرتبه ضمیر متکلّم برای خدا، فقط در آیه‌ی دعا ۴۹
تکرار اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ در شبانه‌روز ۵۰
پیش بردنِ راه، در گروِ دعا ۵۰
اهمیّت ذکر ۵۰
درخواستِ ذکر کثیر ۵۰
راه تقوا، ذکر خداست ۵۱
قرآن، وسیله‌ی ذکر ۵۱
موضوع ذکر، مسأله‌ی اصلی و اساسی ۵۱
ذکر، عرفان واقعی ۵۱
ذکرِ نامحدود ۵۱
ذاکر بودن در همه‌ی حالات، از مهم‌ترین تکالیف مؤمنین ۵۲
اهمیّت صحیفه‌ی سجّادیه ۵۳
کتابی بسیار عظیم ۵۳
یکی از بهترین ذخایر معنوی ما ۵۳

امر به دعا و نهی از ترک آن ۵۳
امر ۵۳
لزوم ۵۴
غنیمت دانستن دعا ۵۴
وظیفه ۵۴
مذمّت ترک دعا ۵۵
سلب توفیق دعا، نگران‌کننده‌تر از سلب توفیق اجابت ۵۵
گرفته شدنِ حال دعا از انسان، علامتی بد ۵۵
بی‌پشتوانگی، پی‌آمد بی‌نیاز دانستنِ خود از دعا ۵۵
مقایسه‌ی دعا و ذکر با سایر فضائل ۵۵
دعا، یکی از مهم‌ترین کارهای بنده‌ی مؤمن ۵۵
دعا، مغز عبادت ۵۶
دعا، مهم‌ترین علاج ۵۶
دعا، تنها راه رسیدن به خواسته‌های عظیم ۵۶
ذکر، بزرگتر و مهم‌تر از نهی از فحشا و منکر ۵۷
مقامِ دعاکنندگان، بیانگر اهمیّت دعا ۵۷
پیامبر صلی الله علیه و آله ۵۷
انبیاء علیهم السلام ۵۸
اصحاب و حواریّون پیامبران ۵۹
امام خمینی(ره) ۵۹
فصل سوّم: شرائط دعا ، شروط اجابت ۶۱
پیش شرط دعا ۶۳
از جانبِ خدا ۶۳
اراده‌ی خدا ۶۳
اجازه‌ی پروردگار ۶۴
لطف و توفیق إلهی ۶۵
از ناحیه‌ی دعاکننده ۶۵
امید ۶۵
التماس و درخواستِ حالِ دعا ۶۵

شکر ۶۵
قطعیتِ إجابت ۶۵
دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر ۶۵
اگر خدا درِ دعا را باز کند، درِ اجابت را نمی‌بندد ۶۶
کراهتِ انتظارِ سرعتِ غیرمعمول، برای دریافت حاجت ۶۷
بی‌قید و شرط بودن اجابت ۶۷
وجود شرائط و آداب برای دعا، برای بالا بردنِ امکانِ إجابت ۶۸
اگر دعا به معنای حقیقی کلمه انجام بگیرد، اجابت قطعی و بدون شرط است ۶۹
اگر دعا، درست به‌کار برده شود، اجابت قطعی و بدون شرط است ۶۹
موانعِ إجابت ۶۹
تصادم با یک قانون الهیِ دیگر ۶۹
درخواستهای غیرممکن ۷۱
گناه ۷۲
قلب غافل ۷۳
شروط حقیقی بودنِ دعا و قطعی بودنِ إجابت در پیِ آن ۷۳
اگر شرایط دعا وجود نداشته باشد، دعا مستجاب نمی‌شود ۷۳
مؤثّر بودن زمان و مکان و خصوصیات ۷۴
شروط مرتبط با اعتقادات و حالات دعا کننده نسبت به خداوند ۷۴
معرفتِ پروردگار و باور به قدرت او ۷۴
انس ۷۴
خشوع ۷۵
تضرّع ۷۵
شروط مرتبط با اعتقادات دعا کننده نسبت به دعا ۷۶
امید به اجابت ۷۶
اصرار بر درخواست، دست برنداشتن از دعا ۷۶
بزرگ نشمردن حاجات ۷۷
ابا نداشتن از طرح خواسته‌های کوچک ۷۸
تدبّر در معنای دعاها ۷۸
فهم معانی ۷۸

توجّه ۷۹
حضور قلب ۸۱
مطالبه‌ی حقیقی ۸۱
شروط مرتبط با قلب و دل دعا کننده ۸۲
با همه‌ی دل ۸۲
حرف زدن از دل ۸۲
دل پاک و زبان صادق ۸۳
معطّر و مزیّن کردنِ دل ۸۳
رقّت قلب ۸۳
سوز دل ۸۳
طراوت دل ۸۳
توبه و اجتناب از گناه ۸۴
توبه ۸۴
ترک گناهان ۸۵
خروج از مظالم ۸۵
عمل ۸۵
زمان‌ها و موقعیت‌های برتر ۸۸
رجب ۸۸
شعبان ۸۸
رمضان ۸۹
عید فطر ۸۹
ایّام معلومات ۸۹
پیروزی ۸۹
نماز ۹۰
اضطرار و سختی ۹۰
فصل چهارم: فواید و دستاوردهای دعا ۹۱
سه دستاورد عمده‌ی دعا: رشد روحیه‌ی خاکساری، کسب معارف، دریافتِ حاجات ۹۳
رشد روحیّه‌ی ذلّت و خاکساری ۹۳
توجّه پیدا کردن به عجز و حقارت و تهی‌دستیِ خودمان ۹۳

سرکوبیِ خودبینی و خودخواهی ۹۴
شکستنِ نفسانیتها ۹۶
مهار نفس ۹۷
کسبِ معارف ۹۷
ماندگار و مؤثّر کردنِ معارف در دل انسان ۱۰۱
اجابت، رفع حاجات، دفع بلا، جلبِ روزی ۱۰۱
دفع بلاء ۱۰۹
جلب رزق و نجات از دست دشمن ۱۰۹
دستاوردهای دیگر دعا ۱۱۰
دفع انگیزه‌های مادّه‌گرایانه ۱۱۰
برداشتن موانع درونی ۱۱۱
زدودنِ غفلت ۱۱۱
روشن شدنِ راه، معنا پیداکردنِ حیات ۱۱۱
دفعِ سرگشتگی و درماندگی ۱۱۱
روشن شدن راه و نجات از سردرگمی و حیرت ۱۱۲
سلوک در صراط مستقیم ۱۱۳
جان‌گرفتنِ دوباره‌ی قلب و روح ۱۱۳
معنا پیدا کردن حیات انسان ۱۱۴
تقویت روحِ عبودیت و عشق به خدا ۱۱۴
ارتباط با خدا، تقویت روح عبودیت ۱۱۴
آشنایی با خدا و پرشدن دل از عشقِ او ۱۱۴
نزدیک شدن انسان به خدا و زنده نگهداشتن یاد خدا در دل ۱۱۵
تقویت و استقرار ایمان در دل ۱۱۵
عشق به خدا ۱۱۶
زنده و نورانی‌شدن دل انسان ۱۱۶
احیاء و زنده کردنِ قلوب ۱۱۶
نورانیت، صفا و معنویت ۱۱۶
نورانی نگاه داشتن دل انسان ۱۱۷
تهذیب نفس و تطهیر روح ۱۱۸

تطهیر روح ۱۱۸
تزکیه ۱۱۸
تهذیب نفس، پیراستن روح و پالایش ذهن از وسوسه‌ها ۱۱۹
رشد فضایل اخلاقی در انسان ۱۱۹
درس اخلاق ۱۲۰
دمیدن روح اخلاص در انسان ۱۲۱
دفع آفت فسادپذیریِ انسان، دفع گناهان ۱۲۱
دفع آفت فسادپذیریِ انسان ۱۲۱
دفع گناه ۱۲۱
دفعِ غفلت ۱۲۳
تعالی و فلاح ۱۲۴
علوّ مقام و مرتبه، عروج ۱۲۴
فلاح ۱۲۴
کسب قدرت قلبی، استواری و ثبات قدم در مقابل دشمن ۱۲۴
کسب قدرت قلبی و روحی ۱۲۴
واهمه نداشتن از قدرتها ۱۲۶
استواری در مقابل دشمن ۱۲۶
ثبات قدم ۱۲۷
امید و نشاط ۱۲۷
فصل پنجم: در دعا از خدا چه بخواهیم؟ نمونه‌هایی از کتابها و دعاهای برجسته ۱۲۹
در دعاها از خدا چه بخواهیم؟ ۱۳۱
همه چیز را ۱۳۱
پیشوایان دین به ما یاد می‌دهند چه بخواهیم - چیزهای اصلی ۱۳۱
درخواستهای بزرگ ۱۳۲
حتّی چیزهای کوچک ۱۳۲
حاجات همه‌ی انسانهایی که روی کره‌ی خاک هستند ۱۳۳
برای همه‌ی مسلمین ۱۳۴
اول دیگران، بعد خودِ ما ۱۳۴
کتاب نمونه ۱۳۵

صحیفه‌ی سجّادیه ۱۳۵
نمونه‌هایی از بهترین دعاها ۱۳۵
دعای هشتم صحیفه‌ی سجّادیه ۱۳۵
دعاهای مأثور از جمله دعای ابی‌حمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه ۱۳۶
درخواستهای نمونه ۱۳۷
هدایت به صراط مستقیم ۱۳۷
درخواست مغفرت ۱۳۸
نمونه‌ای از درخواستهای ذکرشده در دعای ابی‌حمزه ۱۳۸
زندگی گوارا ۱۳۸
بروز و ظهور جوانمردی ۱۳۹
اصلاح همه‌ی کارها ۱۳۹
دفع نقطه‌های ضربه‌پذیر معنوی ۱۴۰
نمونه‌ای از درخواستهای ذکرشده در دعای ماه رمضان ۱۴۱
أَللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ ۱۴۱
أَللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ ۱۴۱
أَللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ ۱۴۲
ارجاعات ۱۴۳
نمایه ۱۴۷

اوّلین موضوعی که علاقمند شدم درباره‌ی آن تحقیق کنم، «دعا» بود[1]، و این امر به اوایل دهه‌ی شصت برمیگردد. از همان ایّام تقریباً عمده‌ی آثار مکتوب پیرامون این موضوع را مطالعه کردم، ولی نکته‌ی بکر و کلیدیِ این مبحث را در نماز جمعه و از زبان خطیب جمعه‌ی تهران دریافتَ کردم.

رئیس‌جمهور وقت و خطیب جمعه‌ی تهران، حضرت آیة‌الله‌العظمی خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه‌های رمضان؛ علیرغم وجود موضوع‌های متعدد عقیدتی و سیاسی و اجتماعی، حداقلّ یک خطبه را به این موضوع اختصاص می‌دادند و بعضاً در مقدّمه‌ی بحث، دلیل کنار زدن مباحث دیگر و پرداختن چندباره به دعا را جایگاه ویژه و تقریباً استثنائی دعا در منظومه‌ی عقاید الهی، بیان می‌فرمودند.

سه فایده؛ سه دستاورد؛ سه جهت و سه نکته درباره‌ی دعا؛ بارها و بارها از زبان ایشان شنیده شد و الحقّ که دو نکته‌ی آن در میان مردم و حتّی متدیّنین و افراد مأنوس با دعا و نیایش، غریب و مغفول بود و

---

(۱) این تحقیق تحت عنوان «قرآن صاعد» توسّط مؤسّسه‌ی انتشارات امیرکبیر به‌چاپ رسیده است.

هست. و حتّی در کتب تألیف شده دربارهٔ دعا و نیایش نیز به‌نحو شایسته بدان پرداخته نشده است.

استخراج و کسب معارف از دعا؛ مگر دعا کلام معصوم نیست؟ پس چرا محقّقین و مؤلّفین کتابهای عقیدتی آن‌چنان‌که از گنجینه‌ی قرآن و روایات و سخنان اندیشمندان دینی بهره‌برداری می‌کنند، از این خزانه‌ی گرانبها بهره نمی‌برند؟

این غفلت و نقص فراگیر، بارها و بارها توسط معظّم‌له هشدار داده شد و برای فتح باب؛ بعضاً نکات بِکر و نابی از معارف پنهان در لابه‌لای ادعیه را ـ البته با توجه به محدودیت زمانیِ خطبه‌ی نماز یا مجلس سخنرانی ـ بیان می‌فرمودند.

اجابت و دریافت حاجت؛ اصل نیست؛ مهمّ خودِ دعاست. رشد و ارتقاء حالت تضرّع؛ انکسار؛ ذلّت و در یک کلام، عبودیّت، خیلی مهم‌تر از دریافت حاجت ـ حتّی حاجتهای معنوی ـ است.

توفیقِ هم‌کلام‌شدن با پروردگار؛ مناجات و صحبت خودمانی با حضرت حق، خیلی با ارزش‌تر از پاداشهای دنیوی و حتّی اخروی است.

ایشان این فایده را مهم‌ترین، و درک این اهمیّت را کلیدی‌ترین نکته‌ی مبحث دعا می‌دانستند و می‌دانند.

امروز با گذشت نزدیک به سه دهه؛ دگربار توفیق یار شد و اولیای موسسه‌ی فرهنگی، پژوهشی حفظ و نشر آثار حضرت آیة‌الله‌العظمی خامنه‌ای گردآوری و تدوین مباحث معظّم‌له پیرامون مساله‌ی دعا را به حقیر پیشنهاد کردند، و این اوراق ثمره‌ی این پیشنهاد است.

ای کاش فرصتی پدید می‌آمد تا صاحب این اندیشه و کلام، خود دست به قلم می‌بردند و آنچه درباره‌ی این موضوع بس مهمّ؛ در پسِ اندیشه دارند بر صفحه‌ی کاغذ جاری میکردند.

ای کاش صاحب قلمی توانا و صاحب فهمی با ذکاوت مأمور تـألیف و تدوین این موضوع می‌شد تا امثال من با ولع آن را مطالعه، بر معلوماتمان افزوده و عقایدمان را اصلاح می‌کردیم.

ولی تا تحقّق یکی از دو آرمان فوق، بر شما خواننده‌ی عزیز اسـت بـه همین اوراق بسنده کنی. نقاط ضعف را به تدوین‌کننده منتـسب بـدانی و یقین داشته باشی مطلب بسیار مهم‌تر از آنـست کـه مـن برایـت ترسـیم کرده‌ام. و عمق و ظرافتِ درک و فهمِ صـاحبِ بیانـات از ایـن مـسأله‌ی مهمّ، بسیار فراتر از آن بوده که با تدوین و چیدمانِ برگرفته از ذهن من؛ به تو منتقل می‌شود. فاصله را بـا شـناختی کـه از عمـقِ اسـلام‌شناسـی و برداشتهای دقیق و ظریف معظّم‌له داری؛ طی کن.

منبع من برای تدوین این کتاب، نرم‌افزار جدیدالانتشار «حدیث ولایـت» از منشورات مشترک «مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسـلامی» و «موسـسه‌ی حفظ و نشر آثار حضرت آیةالله‌العظمی خامنه‌ای» بوده است.

از لطفی که حضرت ذوالجلال نصیبم کرد تا فرصتی را با بیانات رهبـر فرزانه در موضوع بسیار مهمّ دعا محشور باشم شاکر؛ و از اعتمـادی کـه اولیاء موسسه‌ی حفظ و نشر آثار حضرت آیـةالله‌العظمـی خامنـه‌ای بـه بنده نمودند؛ سپاسگزارم.

رَبِّ أَوْزِعْنِی أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتِی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ

علیرضا برازش

تیرماه یکهزاروسیصدونود

فصل اوّل:
معانی دعا، إجابت و ذکر

دعا چیست؟

رابطه‌ی قلبی انسان با خدا

۞ رابطه‌ی دعا، *رابطه‌ی قلبی* شما با خداست.[۱]

ارتباط با خدا

۞ روح دعا و نماز عبارت است از *ارتباط با خدا*، آشنا شدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح، و پالایش کردن ذهن از وسوسه‌ها.[۲]

ارتباط و اتّکال انسان با خدا

۞ دعا یعنی *ارتباط و اتّکال انسان با خدا*، آن‌وقتی هم که انسان در اوج قدرت و پیروزی است باز هم محتاج دعا است؛ باید با خدا حرف بزند، باید از خدا بخواهد. قرآن به پیغمبر ما دستور داد که «**إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ**» وقتی یاری خدا رسید و پیروزی نصیب شد «**وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْواجا**» و دیدی که مردم دسته‌دسته و فوج‌فوج به اسلام وارد می‌شوند، تازه «**فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ**»[(۱)] تازه اوّل

---

(۱) سوره‌ی نصر، آیات ۳-۱

انابه‌ی تو است، اوّل عرض نیاز تو به درگاه قادر متعال است. ملت ما از وقتی پیروزی را به دست آورد آستانه‌ی دعا را رها نکرد. ببینید امروز در جامعه‌ی ما چقدر دعا و توجّه به خدا زیاد است؛ راز پیروزی ما هم همینهاست.[۳]

رابطه‌ی انسان با منبع فیّاض

۞ دعا، وسیله‌ی مؤمن و ملجأ مضطر و رابطه‌ی انسان ضعیف و جاهل با منبع *فیّاض* علم و قدرت است، و بشر بی‌رابطه‌ی روحی با خدا و بدون عرض نیاز به غنی بالذات، در عرصه‌ی زندگی سرگشته و درمانده و هدر رفته است؛ «**قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکُم**»[۱] [۴]

تقرُّب و اُنس

خدا را نزدیک خود احساس کردن

۞ دعا یعنی چه؟ در واقع *خدا را نزدیک خود احساس کردن* و حرف دل را با او در میان گذاشتن.[۵]

خدا را حاضر و ناظر دانستن ، خدا را در مقابل خود احساس کردن

۞ همان‌طور که عرض کردیم، معنای دعا این است که شما با خدا حرف بزنید؛ *خدا را در مقابل خود احساس کنید و حاضر و ناظر بدانید*. اینکه انسان همین‌طور طبق عادت چیزی را بر زبان بیاورد و مطالبه‌ای را ذکر کند- خدایا ما را بیامرز، خدایا پدر و مادر ما را بیامرز- بدون اینکه در دل خود حقیقتاً حالت طلبی را احساس کند، این دعا نیست؛ لقلقه‌ی لسان است. «**لَا یَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دُعَاءَ قَلْب لَاه**»[۲]؛ دل غافل و بی‌توجّه و سربه‌هوا اگر دعا کند، خدای متعال دعایش را قبول نمی‌کند. دلهای آلوده و غرق در

---

(۱) سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۷

(۲) الکافی ج:۲ ص:۴۷۳ ؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام

تمنّیات و شهوات نفسانی- که اصلاً غافلند- چگونه دعا خواهند کرد؟ چه توقّعی است که اگر انسان این‌طور دعا کرد، مستجاب شود؟[۶]

تقرُّب إلی اللّه

۞ نفس دعا کردن، *تقرُّب إلی اللّه* است.[۷]

انس با خدا

۞ گاهی هم دعا حاجت خواستن نیست، فقط *انس با خدا*ست.[۸]

حرف زدن با پروردگار

با خدای متعال سخن گفتن، حرف دل را با او در میان گذاشتن

۞ دعا یعنی چه؟ یعنی *با خدای متعال سخن گفتن*؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن.[۹]

۞ خود حرف زدن با پروردگار، خود تضرّع کردن، *با خدای متعال سخن گفتن*، نزد خدای متعال عذرخواهی و توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفهاست. این، بالاترین جنبه‌هایی است که در دعا وجود دارد.[۱۰]

۞ هرچه که می‌خواهید *با خدا* حرف *بزنید*؛ این، دعاست. هرچه می‌خواهید با او در میان بگذارید،حالا می‌تواند به زبان فارسی یا به زبان خودتان باشد.[۱۱]

۞ این دعاها را در اختیار ما گذاشته‌اند. کیفیت حرف *زدن و مناجات کردن با خدا* را به ما یاد داده‌اند. معین کرده‌اند که چه حرفهایی را می‌شود با خدا زد. بعضی از این جملاتِ ادعیه‌ی مأثوره از أئمّه علیهم‌السلام هست که اگر این‌ها نبود، آدم نمی‌توانست خودش تشخیص بدهد که می‌شود با خدا با این زبان حرف زد و این‌طور از خدا خواست و التماس کرد.[۱۲]

۞ *با خدای متعال* حرف *بزنید*؛ مناجات کنید.[۱۳]

خدا را خواندن

❁ *دعا، خواندنِ خداست*؛ حالا می‌تواند به زبان فارسی یا به زبان خودتان باشد؛ هرچه که می‌خواهید با خدا حرف بزنید؛ این، دعاست. هرچه می‌خواهید با او در میان بگذارید.[۱۴]

❁ *دعا، یعنی خواستن و خدا را خواندن.*[۱۵]

بیان خواستهای فطری انسان

❁ اگر کسی معنای دعا، مثلاً دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی، یا دعای امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه را بفهمد و توجّه کند امکان ندارد از این دعای به این بلندی خسته شود. یعنی این گفتگویی که در این دعا انجام گرفته، بین آن بنده‌ی برگزیده و شایسته و بامعرفت و خدا، این‌قدر پُرجاذبه و نافذ و حقیقی است یعنی بیان‌کننده‌ی آن *خواستهای فطری انسان* است که امکان ندارد کسی هیچ‌وقت از آن خسته شود.[۱۶]

خواستن

❁ دعا، یعنی خواستن و خدا را خواندن. *خواستن*، یعنی امیدواری. تا امید نداشته باشید، از خدا چیزی را درخواست نمی‌کنید. انسان ناامید که چیزی طلب نمی‌کند. پس، دعا یعنی امید، که ملازمِ با امید به اجابت است.[۱۷]

❁ دعا یعنی *خواستن* و گرفتن از خداوند متعال.[۱۸]

❁ دعا رقیب ابزارهای مادّی نیست. این طور نیست که وقتی انسان می‌خواهد به مسافرت برود، یا با خودرو و قطار و هواپیما عازم شود و یا با دعا برود! همچنین این طور نیست که اگر انسان بخواهد وسیله‌ای به دست آورد، یا پول خرج کند و یا اگر پول نداشت به دعا متوسّل شود و آن وسیله را به دست آورد! معنای دعا این است که شما *از خدا بخواهید* تا او این وسایل را جور بیاورد. آن‌وقت علل مادّی، هرکدام در جای خودشان قرار می‌گیرند. دعای مستجاب این‌گونه است.[۱۹]

عبودیت، خشوع و خاکساری و تضرُّع

روح عبادت

۞ در روایت وارد شده‌است که «**أَلدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ**»[۱]؛ مغز عبادت، یا به تعبیر رایج ماها، *روح عبادت*، دعاست. دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن.[۲۰]

بهترین عبادت

۞ در حدیثی آمده‌است: «**أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءِ**»[۲] [۲۱]

۞ «**أَلدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ**»[۳]؛ مغز هر عبادتی، دعاست. عبادات برای همین است که بتواند انسان را در مقابل خدای متعال خاشع و دلش را نیز مطیع و تسلیم کند. این اطاعت و خشوع در مقابل خداوند هم از نوع تواضع و خشوع و خضوع انسانها در مقابل یکدیگر نیست؛ بلکه به معنای خشوع و خضوع در مقابل خیر مطلق، جمال مطلق، حُسن مطلق و فضل مطلق اوست. لذا دعا، یک نعمت است و فرصت دعا کردن، یک نعمت است.[۲۲]

۞ در باب دعا، خلاصه‌ی عرض ما این است که دعا، مظهر بندگیِ در مقابل خداوند و برای تقویت روح عبودیت در انسان است، و این روح عبودیت و احساس بندگی در مقابل خداوند، همان چیزی است که انبیای الهی از اوّل تا آخر، تربیت و تلاششان متوجّه این نقطه بوده‌است که روح عبودیت را در انسان زنده کنند.[۲۳]

---

(۱) وسائل‌الشیعة ج:۷ ص:۲۷ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

(۲) الکافی ج:۲ ص:۴۶۶ ؛ أَلْبَاقِرُ علیه السلام.

(۳) وسائل‌الشیعة ج:۷ ص:۲۷ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

خشوع و خاکساری نزد پروردگار

مطلب اصلی دعا چیست؟ *خشوع در مقابل پروردگار*. اصل دعا، این است. اینکه می‌بینید از قول پیغمبرﷺ نقل شده‌است که فرمود: «**أَلدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَة**»[۱]؛ مغز عبادت دعاست« به خاطر آن است که در دعا حالتی وجود دارد که عبارت است از وابستگی مطلق به پروردگار و خشوع در مقابل او. اصل عبادت هم این است. لذاست که در ادامه‌ی آیه‌ی شریفه‌ی «**وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُم**» می‌فرماید: «**إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِین**.»[۲] اصل دعا این است که انسان در مقابل خدای متعال، خود را از انانیّت دروغین بشری بیندازد. اصل دعا، خاکساری پیش پروردگار است. عزیزان من! هرجا که شما نگاه کردید- چه در محیط خودتان، چه در کشور خودتان و چه در سرتاسر دنیا- و بدی و فسادی را از ناحیه‌ی کسی، مشخّصاً دیدید، اگر دقّت کنید مشاهده خواهید کرد که اساس و منشأ آن بدی و فساد، انانیّت، استکبار، استعلا و غرور انسانی است. دعا باید این را بشکند.[۲۴]

تضرُّع

خودِ حرف زدن با پروردگار، خود *تضرّع* کردن، با خدای متعال سخن گفتن، نزد خدای متعال عذرخواهی و توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفهاست. این، بالاترین جنبه‌هایی است که در دعا وجود دارد. نفس اینکه انسان در مقابل پروردگار بایستد و اشک بریزد و اظهار کوچکی و حقارت کند، برای انسان یک علوّ مقام و

---

(۱) وسائل‌الشیعة ج:۷ ص:۲۷ ؛ ألرسولﷺ.

(۲) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

مرتبه است. بشر با تضرّع در پیش خدای متعال است که عروج می‌کند و اوج می‌گیرد. بدبختی انسان وقتی است که از خدای متعال غافل شود. سیه‌رویی انسان وقتی است که خود را به خدا محتاج نداند.[۲۵]

وسیله‌ای برای رسیدن به حوائج و مقصودها

❁ *دعا وسیله است برای رسیدن به حوائج و مقصودها* و هرآنچه که انسان می‌خواهد و آرزو می‌کند.[۲۶]

❁ مسأله‌ی بسیار مهمّی است. خداوند متعال، وسیله‌ای به انسان داده‌است که انسان می‌تواند *حوائج* خود را - مگر در موارد استثنایی که به آن اشاره می‌کنم - با آن برآورده کند. آن وسیله چیست؟ خواستن از خدای متعال است.[۲۷]

❁ وقتی ما به درگاه حقِّ متعال دعا می‌کنیم، در حقیقت وسیله‌ای برای رسیدن به *حوائج* خودمان می‌جوئیم و راهی به سوی این حوائج می‌پیمائیم و از آن استفاده می‌کنیم. این، یک‌گونه دعا کردن است: دعا برای گرفتن مقصود. این‌طور نیست که کسی گمان کند همه‌ی مقاصد، به وسیله‌ی ابزارها یا وسایل مادّی برای انسانها قابل دسترسی است. بلکه چیزهایی را انسان با دعا باید به دست آورد. البتّه نه دعای تنها و دعای بدون عمل. هیچ فایده‌ای ندارد که انسان در عمل را ببندد و به دعا اکتفا کند. اما در کنار عمل، در کنار اقدام، در کَنار به کار انداختن همّت و تلاش، خواستن از خدا را نیز باید قرار بدهیم. این دعا، حاجات را برای انسان برآورده می‌سازد. لذا ملاحظه می‌کنید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، در میدان جنگ، بعد از آن‌که همه‌ی کارها را انجام داده‌است، دعا هم می‌کند. بنابراین، یکی از وظایف ماست که دعا کنیم، تا از این راه به حاجات و اهداف و مقاصد خودمان نائل شویم.[۲۸]

وسیله‌ای در کنار وسائل دیگر ، یکی از دهها وسیله و سبب و علّت

۞ *دعا، وسیله‌ای در کنار وسایل دیگر است*. به قول بزرگان از محققین و متفکّرین ما، همچنان که در عالم وجود، خدای متعال دهها وسیله و سبب و علّت قرار داده‌است، دعا هم یکی از سببهاست.

وسیله‌ای بین خدا و بندگان

۞ در امید به دعا را به روی خودتان نبندید و این راه و *وسیله‌ای را که خدای متعال بین خود و بندگانش قرار داده‌است*، بر روی خودتان مسدود نکنید.[۲۹]

دعا وسیله‌ای در طول ابزارهای مادّی و نه رقیب آنها

۞ در اینجا، چند سؤال مطرح می‌شود: یکی اینکه، اگر دعا، چنین نقش معجزآسایی دارد، پس این وسایل دنیوی و این ابزارها و علم و صنعت و نظایر آن چیست؟ جواب این است که *دعا رقیب ابزارهای مادّی نیست*. این طور نیست که وقتی انسان می‌خواهد به مسافرت برود، یا با خودرو و قطار و هواپیما عازم شود و یا با دعا برود! همچنین این طور نیست که اگر انسان بخواهد وسیله‌ای به دست آورد، یا پول خرج کند و یا اگر پول نداشت به دعا متوسّل شود و آن وسیله را به دست آورد! معنای دعا این است که شما از خدا بخواهید تا او این وسایل را جور بیاورد. آن‌وقتْ علل مادّی، هرکدام در جای خودشان قرار می‌گیرند. دعای مستجاب این‌گونه است.[۳۰]

۞ بنابراین، دعا موجب نشود کسی تنبلی کند. دعا موجب نشود که کسی از دانش و علم و ابزار مادّی و علّت و معلول طبیعی، دست بشوید؛ نه. *دعا رقیب آن‌ها نیست*، بلکه در طول آن‌هاست. دعا، جورآورنده‌ی آن‌هاست.[۳۱]

۞ در این طور جاها، آدم‌های یک‌بُعدی می‌گویند، دعا و عبادت ما همین است دیگر. ما در راه خدا کار می‌کنیم و کارمان برای خداست. اما امیرالمؤمنین این طور نمی‌فرماید. آن کارها را دارد، عبادت هم دارد.[۳۲]

وسیله‌ای برای فهمیدن معارف الهی

۞ *دعا وسیله است برای فهمیدن معارف الهی.*[۳۳]

أقسام دعا و أنواع سخن گفتن با خدا

درخواست، تمجید و تحمید، و یا اظهار محبّت و ارادت

۞ دعا یا درخواست است، یا *تمجید و تحمید* است، یا اظهار محبّت و ارادت است؛ همه‌ی این‌ها دعاست.[۳۴]

دعا، ضرورتاً همیشه با حاجت‌خواستن همراه نیست

۞ گاهی هم *دعا حاجت خواستن نیست*، فقط انس با خداست.[۳۵]

نمونه‌ای از مصادیق دعا و ذکر

نماز

۞ بهترین اعمال در شب قدر، دعاست. احیاء هم برای دعا و توسّل و ذکر است. *نماز* هم- که در شب‌های قدر یکی از مستحبات است- در واقع مظهر دعا و ذکر است.[۳۶]

۞ دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن *نماز* است. فراموش کردن خدا و معنویت؛ حساب معنویت را از زندگی جدا کردن و توجّه و ذکر و دعا و توسّل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن.[۳۷]

انسان در زندگی شخصی‌اش، گاه بر اثر محنتها و شدّتها و مصیبتها، و در زندگی جمعی‌اش گاه با حوادث تحول آفرین مانند حرکت عمومی به سوی جهاد یا انفاق یا کمک به نیازمندان، به عامل ذکر نزدیک می‌شود، و گاه با سرگرمی‌های هوس‌آلود و غرق شدن در سرخوشی و اشرافیگری و عیش‌بارگی، از آن دور می‌افتد. عنصری که می‌تواند در همه‌ی این احوال او را به بهشت «ذکر» نزدیک یا نزدیک‌تر کند، نماز است...و *نماز* با ترکیب هماهنگ دل و زبان و حرکت، نابترین و کامل‌ترین نمونه و وسیله‌ی ذکر است.[۳۸]

نماز جمعه

همین *نماز* جمعه‌ی شما مصداق ذکر الهی است. «**فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ**».(۱) در اینجا آنچه بر دل شما، بر زبان شما، بر حرکات شما باید غالب باشد، یاد خداست. دل به یاد خدا، زبان متذکر به نام مقدّس پروردگار، حرکات دست و پا و جسم هم حرکاتی در جهت یاد پروردگار و اطاعت اوامر الهی. این چیزی که مورد نیاز یکایک ماست، همین است.[۳۹]

اجابت چیست؟

پاسخ و توجّه و التفات خداوند

استجابت الهی، *پاسخ و توجّه و التفات خداست*؛ و لو آن خواسته‌ای که من و شما داریم که ای‌بسا خیال می‌کنیم این خواسته به نفع ماست، اما به زیان ماست تحقّق هم پیدا نکند؛ اما «یا الله» شما بی‌گمان لبّیکی به دنبال خود دارد.[۴۰]

---

(۱) سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۹.

نورانیتی که در دل پدید می‌آید

اگر انس پیدا کنید، خواهید دید که خیلی از پاسخها همانی است که در همان لحظه به شما داده می‌شود؛ یعنی آدم نباید خیال کند که پاسخ دعا حتماً همان پولی است که از خدا خواسته‌است و باید برسد! گاهی اوقات پاسخ، همانی است که در آن لحظه به شما می‌دهند. *آن‌چنان نورانیّتی در دل شما به وجود می‌آید* که می‌بینید اصلاً پاسختان را همان ساعت گرفته‌اید. آن حالتی را که انسان در دعا پیدا می‌کند، گاهی احساس می‌کند که دیگر غیر از آن، هیچ‌چیز نمی‌خواهد.[۴۱]

جاری شدنِ طلب، از سرتاپای دعا کننده ، همان پاسخ الهی است

وقتی دیدید *طلب*، با همه‌ی وجود از سرتاپای شما *جاری* شد، بدانید این همان *پاسخ الهی* است؛ این همان جواب خداست و جواب بعدی هم اجابت است.[۴۲]

جور شدنِ أسباب و وسائط

برآورده شدن خواسته در چهارچوب قوانین طبیعی

لازم نیست دعا همیشه *قوانین طبیعی* را به هم بزند و برخلاف قوانین طبیعی عمل کند؛ نه. دعا در چارچوب قوانین طبیعی مستجاب می‌شود و خواسته‌ی شما برآورده می‌گردد. این قدرت خداست که قوانین را جور می‌آورد، کنار هم می‌گذارد و مقصود شما برآورده می‌شود. البتّه آنجایی که دعای شما با یک قانون الهیِ دیگری تصادم پیدا کند، مستجاب نمی‌شود. وعده‌ی الهی حقّ است؛ اما آن وعده هم درست است. آدم‌هایی که بی‌کار باشند و در راه اهداف خودشان تلاش نکنند، تضمینی نیست که به هدف و مقصد برسند. حالا شما دعا کن، معلوم است که

این دعا خیلی اقبال استجابت ندارد. البتّه یک‌وقت هم دیدید مستجاب شد؛ اما تضمینی نیست. در جایی برخلاف یک قانون طبیعیِ مسلّم، شما دعا کنید؛ معلوم نیست تضمینی داشته باشد. اگرچه در مواردی بلاشک دعا قوانین را هم خرق می‌کند؛ اما این‌طور نیست که وقتی می‌گوئیم دعا مستجاب می‌شود، یعنی دعای شما اگر با قوانین دیگر الهی منافات داشته باشد و عملی همراهش نباشد و یا حتّی خود دعا از روی توجّه هم نباشد، باز مستجاب می‌شود؛ نه. در دعا، طلب کردن و خواستن از خدای متعال و حقیقتاً مطالبه کردن لازم است. این دعا مستجاب می‌شود. اگر عمل و تلاش در راه اهداف بزرگ، همراه این دعا باشد، اقبال استجابت این دعا واقعاً بیشتر است.[۴۳]

جورشدن ابزارهای مادّی و عادی و معمولی

۞ خدای متعال در اینجا[۱] دو وعده به این مادر داد: اوّل اینکه این بچه را به تو برمی‌گردانیم، دوّم اینکه او را از مرسَلین قرار می‌دهیم. بعد که این بچه را در میان رود خروشان انداخت، به خواهر موسی گفت: «**قالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ**»؛ برو دنبالش ببین چه می‌شود و سرنوشت این بچه به کجا خواهد انجامید؟ تا اینکه این بچه از طریق رود نیل به نزدیک خانه‌ی فرعون رسید. «**فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ**»؛ خانواده‌ی فرعون او را گرفتند و خدا در دلشان انداخت که او را نگهدارند. زن فرعون گفت که این بچه را برای خودمان نگهداریم: «**قُرَّةَ عَيْنٍ لِي وَ لَكَ**». «**حَرَّمْنا عَلَيْهِ الْمَراضِعَ**»؛ پستانها را نگرفت. هرچه دایه آوردند که به این بچه شیر بدهند، پستان آن‌ها را نگرفت. گرسنه است و شیر می‌خواهد. در این بین، خواهر موسی آمد و

(۱). اشاره به داستان به آب انداختن صندوق حامل حضرت موسی‌علیه‌السلام توسط مادر.

گفت: «**هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُم**»[۱]؛ می‌خواهید من یک مرضعه پیدا کنم؟ ببینید وقتی خدای متعال می‌خواهد دعا را مستجاب کند و وعده را محقّق نماید، این‌گونه *شرایط را جور می‌آورد*.[۴۴]

❁ وقتی دعا می‌کنید که حاجتی از شما برآورده شود، اگر خدای متعال آن دعا را مستجاب کند، استجابتش این است که ابزارهای مادّی و عادی و معمولیِ این خواسته، جور می‌شود. یعنی خدا جور می‌آورد. فرضاً شما از کسی‌طلبی دارید که آن کس طلب شما را نمی‌دهد. اما یک‌وقت به دلش می‌افتد و می‌آید طلبتان را می‌دهد. این، یک وسیله است. چه مانعی دارد که دعا این *وسیله را برای انسان جور کند*؟[۴۵]

دعا جورکننده‌ی روال عادی

❁ ضمناً بعضی مواقع، خدای متعال معجزه هم نشان می‌دهد که آن بحث دیگری است. معجزه در موارد استثنایی رخ می‌دهد و در غیرِ مواردِ استثنایی، *دعا جورکننده‌ی روال عادی است*. وقتی شما از خدا می‌خواهید حادثه‌ای اتفاق بیفتد که به آن نیاز دارید، در کنار دعا، باید نیرویتان را هم به کار ببندید. مثلاً اگر احساس تنبلی به شما دست می‌دهد و دعا می‌کنید که خدای متعال این احساس را از شما بگیرد، در کنار دعا، باید اراده و همّت نیز به خرج دهید. یعنی در این‌جا هم، باز وسیله‌ی مادّی و وسیله‌ی طبیعیِ دیگری هست که همان همّت کردن است. باید همّت و اراده کنید. هیچ کس خیال نکند که اگر در خانه بنشینیم و به تلاش و اقدام نپردازیم، حتّی اراده هم نکنیم و فقط به دعا مشغول باشیم، خدا حاجاتمان را برآورده می‌کند؛ نه. چنین چیزی امکان ندارد. پس، دعا در کنار تلاش و با تلاش است. بعضاً خیلی از تلاشها به نتیجه نمی‌رسد؛ اما همین که دعا کردید، به نتیجه خواهد رسید.[۴۶]

---

(۱) سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۱۱-۱۲.

استجابت به معنای برآورده شدن صددرصد خواسته نیست

خدای متعال در چند آیه از آیاتِ قرآن وعده کرده‌است که دعا را مستجاب خواهد کرد. یکی از آیات، همین آیه‌ی مبارکه‌ی «**قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُم**»[۱] است؛ یعنی پروردگار شما فرموده‌است که مرا دعا کنید، تا استجابت کنم. ممکن است *استجابت به معنای برآورده شدن صددرصد آن خواسته هم نباشد*. گاهی ممکن است قوانین خلقت، اقتضای این را نکند که خدا آن حاجت را حتماً برآورده کند. در مواردی قوانینی وجود دارد که آن خواسته برآورده شدنی نیست، یا به‌زودی برآورده شدنی نیست. در غیر این موارد، قاعدتاً خدای متعال پاسخش این است که خواسته‌ی شما را برآورده می‌کند؛ همچنان که در دعای شریف ابی‌حمزه‌ی ثمالی که در سحرهای ماه رمضان خوانده می‌شود به همین معنا اشاره می‌کند. در قرآن فرموده‌است: «**وَ سْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ کانَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیما**»[۲]؛ اگرچه خدا عالم است و نیازهای شما را می‌داند، اما شما از خدا بخواهید و به خدا عرض کنید. این آیه را در دعا ذکر می‌کند. البتّه در دعای شریف[۳]: «**إِنَّ اللَّهَ کانَ بِکُمْ رَحِیماً**» دارد؛ اما در قرآن «**کانَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیماً**» است. بعد می‌فرماید: «**وَ لَیْسَ مِنْ صِفَاتِکَ یَا سَیِّدِی أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَ تَمْنَعَ الْعَطِیَّة**».[۴] امام سجّاد علیه‌السلام عرض می‌کند: پروردگارا! عادت تو این نیست که مردم را به خواستن امر کنی؛ اما آنچه که آن‌ها خواستند به آن‌ها ندهی. یعنی معنای کرم الهی و رحمت الهی و قدرت محیطه‌ی الهی این است که اگر می‌گوید بخواهید، اراده فرموده‌است که آن خواسته را اجابت کند. این

---

(۱) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰

(۲) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲

(۳) دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی.

(۴) بحارالأنوار ج:۹۵ ص:۸۲؛ اَلسَّجّاد علیه‌السلام.

همان وعده‌ی الهی است که در همین آیه‌ای که در اوّل خطبه تلاوت کـردم، صریح این معنا را بیان می‌کند: «**وَ إذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَـإِنِّی قَرِیـبٌ أُجِیـبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إذا دَعَـانِ**»[۱]؛ هرگاه بندگان من درباره‌ی من از تو سؤال کننـد کـه کجاست، بگو ای پیامبر، من نزدیکم و پاسخ می‌گویم و دعـوت و خواسـته‌ی آن کسی را که از من می‌خواهد و مرا می‌خواند، اجابـت مـی‌کـنم. هـر کس خدا را بخواند، پاسخی در مقابلش هست: «**لِکُلِّ مَسْأَلَة مِنْـکَ سَـمْعٌ حَاضِـرٌ وَ جَوَابٌ عَتِید**»[۲]؛ هر سؤالی از خدا، هر خواسته‌ای از خدا، یـک پاسـخ قطعـی در مقابل دارد. این خیلی مهمّ است و باید بنـدگان مـؤمن خـدا آن را خیلـی قدر بدانند. حالا کسی که ایمان ندارد، طبیعی است که از این موقعیـت مثـل خیلی از موقعیتهای دیگر استفاده نمی‌کند. این وعده‌ی قطعی الهی است؛ یعنـی خدای متعال هر خواسته‌ای را جواب خواهـد داد. ایـن یـک وعـده اسـت و البتّه هر وعده‌ای هم شرایطی دارد.[۴۷]

۞ «**أُدْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ**».[۳] هیچ دعایی بی‌استجابت نیست. *اسـتجابت بـه معنای این نیست که خواسته‌ی انسان حتماً برآورده خواهد شد* ممکن است برآورده بشود، ممکن است به علل و مصالح و موجباتی برآورده هم نـشود اما استجابت الهی هست.

معانی ذکر

خود را در برابر خدا یافتن و به او دل دادن

۞ ذِکر یعنی خود *را در برابر خدا یافتن، به او گوش سپردن و به او دل دادن.*[۴۸]

---

(۱) سوره‌ی بقرة، آیه‌ی ۱۸۶.

(۲) بحارالأنوار ج:۸۳ ص:۵۸ ؛ أَلرِّضَا علیه‌السلام.

(۳) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

ذکر یعنی همنشینی با محبوب

حالا این ذکر و یاد الهی، مراحلی دارد. ما، آدم‌ها همه در یک حدّ و در یک مرحله که نیستیم؛ رتبه‌ی ماها مختلف است. بعضیها از لحاظ روحی در درجات بالا هستند؛ مثل اولیاء و انبیاء و صالحین و اهل دل و اهل معنا. بعضی هم هستند مثل امثال بنده و ماها که به آن سطوح دسترسی ندارند؛ بعضی‌مان خبر هم نداریم از آنچه که در آن سطوح هست. برای همه‌ی ما ذکر هست- هم برای آن‌ها هست، هم برای ما هست- ذکر برای آن‌ها، همانی است که در روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود: «**أَلذِّكْرُ مُجَالَسَةُ الْمَحْبُوب**»[۱]؛ ذکر، *همنشینی با محبوب* است. این، برای اولیاست. لذّت ذکر برای آن‌ها لذّت همنشینی است. امیرالمؤمنین علیه السلام در یک روایت دیگر می‌فرماید؛ «**أَلذِّكْرُ لَذَّةُ الْمُحِبِّينَ**»[۲]؛ ذکر لذّت عاشقان و محبّان است.[۴۹]

ذکر یعنی یاد، در مقابل غفلت و نسیان

ذکر *یعنی یاد*. یاد در مقابل غفلت است؛ غفلت از خدا، غفلت از وظیفه و مسئولیت، غفلت از هنگام حسّاس مواجهه با مأموران الهی در عالم ملکوت- عالم بعد از عبور از جسمانیّت- و محاسبه‌ی بزرگ انسان در مقابل خدا در قیامت. این یادها تعیین‌کننده است.[۵۰]

قرآن به مسلمانها خطاب می‌کند که: «**أُذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثِيراً**»[۳]؛ خدا را ذکر کثیر کنید. *ذکر یعنی یاد*. ذکر و یاد در مقابل غفلت و نسیان است. غرق در عوارض و حوادث و پیشامدهای گوناگون شدن و از

---

(۱) غررالحکم ص:۱۸۹.

(۲) غررالحکم ص:۱۸۹.

(۳) سوره‌ی أحزاب، آیه‌ی ۴۱.

مطلب اصلی غفلت کردن؛ این، گرفتاری بزرگ ما بنی‌آدم است. می‌خواهند این نباشد. آن‌وقت این یاد هم صِرف یاد کردن و متذکر شدن نیست، ذکر کثیر را از ما خواسته‌اند.[۵۱]

ذکر، یعنی به یاد بودن، به یاد آوردن، به هوش بودن و توجّه کردن

❁ *«ذکر»، یعنی به یاد بودن، به هوش بودن و متوجّه بودن.* آیه شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: «**لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ كِتاباً فِيهِ ذِكْرُكُم**.»(۱) یعنی قرآن را وسیله‌ی ذکر و به هوش بودن و متوجّه بودنِ آحاد مسلمانان معرفی فرموده‌است؛ زیرا بسیاری از مردم، در طول زمان دچار غفلت از حقایق عالم و در رأس همه، غفلت از ذات مقدّس پروردگار بوده‌اند.[۵۲]

ذکر به معنای یاد تکلیف و یاد نعمت الهی است، نه فقط ورد و اوراد

❁ *ذکر، فقط ورد و اوراد و امثال این‌ها نیست.* اورادی که وجود دارد، یکی از وسایل ذکر است؛ اما ذکر به معنای یاد خدا و یاد تکلیف و یاد نعمت الهی است؛ «**وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوانا**».(۲) اگر در قرآن ملاحظه کنید، در موارد متعدّدی به «یاد نعمت خدا» اشاره شده‌است.[۵۳]

ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن

❁ برای پیشگیری و نیز درمان این آفت بزرگ، دین خدا «ذِکر» را به انسان آموخته‌است. *ذِکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن.*[۵۴]

---

(۱) سوره‌ی أنبیاء، آیه‌ی ۱۰.

(۲) سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۰۳.

ذکر یعنی دوری از غفلت

موضوع ذکر و هدایت را به عنوان مسأله‌ی اصلی و اساسی خودمان مورد توجّه قرار دهیم. پس ملت ما، امروز از جمله‌ی موضوعهایی که احتیاج دارد به درستی به آن توجّه کند، *موضوع ذکر و دوری از غفلت است*.[۵۵]

ذکر یعنی بیدارباش

«**إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعالَمِينَ**».[۱] این ذکر است، یاد است، تذکّر است، هشدار است، *بیدارباش* برای همه‌ی بشر است.[۵۶]

ذکر، مانعِ رفتن به سمتِ معصیت

خوب، حالا ذکر چیست؟ حضرت باقر در همین روایت، «**ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَال**» را معنا کرده‌اند: «**وَ هُوَ أَنْ يَذْكُرَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ يَهُمُّ بِهَا**»؛ وقتی‌که می‌رود به سمت معصیت، ذکر خدا او را مانع بشود. ذکر؛ یاد کند خدا را و این معصیت را انجام ندهد؛ انواع معاصی را؛ خلاف واقع گفتن، دروغ گفتن، غیبت کردن، حق را پوشاندن، بی‌انصافی کردن، اهانت کردن، مال مردم را، مال بیت‌المال را، مال ضعفا را تصرف کردن یا درباره‌ی آن‌ها بی‌اهتمامی به خرج‌دادن. این‌ها گناهان گوناگون است. در همه‌ی این‌ها، انسان توجّه کند به خدا؛ *ذکر خدا مانع بشود از اینکه انسان به سمت این گناه برود*. «**فَيَحُولُ ذِكْرُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ**»[۲]؛ **و هو قول اللّه عزّوجلّ** «**إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّيْطانِ تَذَكَّرُوا**».[۳] بعد حضرت می‌فرمایند که این، تفسیر آن آیه است که فرمود:

---

(۱) سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۰۴.

(۲) بحارالأنوار ج:۶۶ ص:۳۷۹. اَلْبَاقِرُ علیه‌السلام

(۳) سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۰۱.

«**إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّيْطانِ**»؛ وقتی شیطان به اینها تنه می‌زند، گذرنده‌ی شیطان اینها را مس می‌کند؛ یعنی هنوز درست به جانش هم نیفتاده، «**تَذَكَّرُوا**»؛ فوراً اینها متذکّر می‌شوند. «**فَإِذا هُمْ مُبْصِرُونَ**»؛ این ذکر موجب می‌شود که چشم اینها، بصیرت اینها باز بشود. معنای «**ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ**» این است.

در صدر روایت بعدی که مورد توجّهِ من است، تقریباً عباراتش شبیه همین روایتی است که خواندم و همان سه چیز را ذکر می‌کند. در آن روایت، «**وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ**» را داشت، در اینجا و در روایتی که حضرت ابی‌عبداللّه علیه‌السلام می‌فرماید، آمده‌است: «**وَ ذِكْرُ اللَّهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ**»؛ انسان در همه جا ذکر خدا کند. اما آن نکته‌ی مورد توجّه این است که می‌فرماید: «**أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ**»؛ اینکه می‌گویم در همه حال ذکر خدا را بگوئید، مقصودم این نیست که بگوئید سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله الّا اللّه و اللّه اکبر. این، ذکر لفظی است. «**وَ إِنْ كَانَ هَذَا مِنْ ذَاكَ**»؛ اگرچه این هم ذکر است، این هم مطلوب است، این هم شریف است و خیلی باارزش است؛ اما مقصود من فقط این نیست، بلکه «**وَ لَكِنْ ذِكْرُ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ إِذَا هَجَمْتَ عَلَى طَاعَةٍ أَوْ عَلَى مَعْصِيَةٍ**»[1] - هَجَمْتَ یا هَمَمْتَ. نسخه‌ای که من دیدم، هَجَمْتَ است. احتمال می‌دهم هَمَمْتَ باشد- وقتی به سمت طاعت خدا می‌روی، یا به سمت معصیت خدا می‌روی، یاد خدا باشی. این «یاد خدا بودن» مورد نظر است؛ این ذکر «اللّه». البتّه این اذکاری که در روایات ما، در این دعاها، در این اوراد گوناگون، تسبیحات حضرت زهرا و بقیه‌ی اذکاری که هست- اینها همه وسائل ذکرند، اینها

(۱) الکافی ج:۲ ص:۱۴۵ ؛ اَلصّادِقُ علیه‌السلام.

کپسولهای ذکرند- ذکر شده‌است، انسان باید این‌ها را با توجّه به معـانی و حقایقشان بر زبان جاری کند؛ توجّـه پیـدا کنـد. البتّـه ایـن‌هـا خیلـی باارزش است.[۵۷]

فصل دوّم:
اهمیّت دعا و ذکر

اهمیّت دعا

توفیق دعا، علامت لطف پروردگار

❁اگر کسی *توفیق دعا* پیدا کند دعای با توجّه و با حال باید بداند مورد لطف پروردگار قرار گرفته‌است و اجابت در مرحله‌ی بعد است.[۵۸]

❁همین که انسان با خدای متعال انس پیدا می‌کند، با خدا حرف می‌زند، این لطف الهی است و *توفیقی است* که خدا به انسان داده است. خود این «یا اللّه» متضمن اجابت پروردگار است.[۵۹]

دعا، بیمه‌کننده‌ی انسان در مقابل جلوه‌های مادّی

❁اگر می‌خواهید در مقابل دشمن، استوار باشید، باید باب دعا را به روی خودتان باز کنید. اگر می‌خواهید از کسی و چیزی نترسید، باید رابطه‌ی خود را با خدا قوی کنید. اگر می‌خواهید در مقابل جلوه‌های مادّی تکان نخورید و نلغزید، *باید خود را با دعا و تضرّع بیمه کنید.*[۶۰]

دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند

❁در باب دعا، خلاصه‌ی عرض ما این است که *دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند و برای تقویت روح عبودیت در انسان است*، و این روح عبودیت و احساس بندگی در مقابل خداوند، همان چیزی است که

انبیای الهی از اوّل تا آخر، تربیت و تلاششان متوجّه این نقطه بوده است که روح عبودیت را در انسان زنده کنند.[۶۱]

دعا، بهترین مضامین سرشار از معارف الهی

دعا، خواندنِ خداست؛ حالا می‌تواند به زبان فارسی یا به زبان خودتان باشد؛ هرچه که می‌خواهید با خدا حرف بزنید؛ این، دعاست. هرچه می‌خواهید با او در میان بگذارید... البتّه دعاهای مأثور از أئمّه علیهم‌السلام *بهترین مضامین در زیباترین الفاظ* و سرشار از معارف الهی است که قدر آن‌ها را باید دانست و بایستی به آن‌ها متوسّل شد.[۶۲]

دعا، دارای تأثیرات معجزآسا بر روی دل انسان

این انس با خدای متعال و ذکر خدای متعال و استغفار و *دعا خیلی تأثیرات معجزآسایی بر روی دل انسان دارد*؛ دلهای مرده را زنده می‌کند.[۶۳]

دعا، معنادهنده‌ی حیات انسان

می‌گوید که باید به در خانه‌ی خدا بروید: «**قُلْ مَا يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لا دُعاؤُكُم.**»(۱) باید دعا کنید. «**وَ قَالَ رَبُّكُمُ أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ.**»(۲) باید دعا کنید تا از خدا جواب بشنوید. *حیات انسان، جز در رابطه با خدا، معنا ندارد.*[۶۴]

دعا، اسلحه‌ای مایه‌ی نجات

دعا به انسان توانایی و قدرت می‌دهد و انسان را در مقابل حوادث مستحکم می‌کند؛ لذا در روایت از «دعا» تعبیر شده‌است به سلاح. از نبی مکرّم نقل شده‌است که فرمود: « **أَ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنْجِيكُمْ مِنْ**

---

(۱) سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۷.

(۲) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

أَعْدَائِكُمْ»؛ *اسلحه‌ای را به شما معرفی کنم که مایه‌ی نجات شماست*؛ «**تدعون ربّكم باللّيل و النّهار فإنّ سلاح المؤمن الدّعاء**».[۱] در مواجهه‌ی با حوادث، توجّه به خدای متعال، مثل سلاح بُرنده‌ای در دست انسان مؤمن است. لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرّم اسلام همه‌ی کارهای لازم را انجام می‌داد؛ سپاه را می‌آراست، سربازان را به صف می‌کرد، امکانات لازم را به آن‌ها می‌داد، توصیه‌های لازم را به آن‌ها می‌کرد، اشراف فرماندهیِ خودش را اعمال می‌کرد؛ اما در همان‌وقت هم وسط میدان زانو می‌زد، دست به دعا بلند می‌کرد، تضرّع می‌کرد، با خدای متعال حرف می‌زد و از او می‌خواست. این ارتباط با خدا، دل انسان را مستحکم می‌کند.[۶۵]

دعا، کلید همه‌ی خزائن الهی

کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده‌است که ایشان - بنا بر نقل - فرموده‌اند: «**ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدِكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَذِنَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ**.»؛ «خدای متعال، به این‌که به تو اذن داد از او بخواهی، *کلید همه‌ی گنجینه‌های* خود را در دست تو قرار داد.» پس، اذنی که خداوند متعال داد تا هر چه می‌خواهی از او بخواهی، کلید همه‌ی خزائن الهی است. اگر انسان این کلید را به شکل درست به کار ببرد - از خدا بخواهد - مسلّماً آن را در اختیار انسان می‌گذارد. «**فَمَتَى شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالدُّعَاءِ أَبْوَابَ خَزَائِنِهِ**.»[۲] هروقت بخواهی، به وسیله‌ی دعا، درِ خزائن الهی را باز می‌کنی. ببینید! این، مسأله‌ی بسیار مهمّی است. چرا انسان خود را از این وسیله‌ی مهمّ محروم کند؟![۶۶]

---

(۱) الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸، الرسول صلی الله علیه و آله.

(۲) بحارالأنوار ج:۷۴ ص:۲۰۵ ؛ امیرالمؤمنین علیه السلام

دعا، آشکارکننده‌ی محتوای ذهن دعاکننده

۞ علاوه بر اینها *دعا محتوای ذهن دعاکننده را برای مستمع و مخاطب واضح و آشکار می‌کند*. وقتی شما دعای کسی را گوش می‌دهید که با خدا حرف می‌زند می‌توانید از دعای او، از خواهش او کشف کنید که این چگونه انسانی است، حقیر است یا عظیم است، کوتاه‌بین است یا بلندنظر و بلندهمّت است، مؤمن است یا مردد است، دعا چیز عجیبی است.[۶۷]

دعا، دارای نقش مؤثّر در سازندگی

۞ کسی خیال نکند در زندگی ملتی که در حال *سازندگی* است، دعا و تضرّع نقش زیادی ندارد. به‌عکس، ملتی که راه دشواری را در پیش روی خود دارد و می‌خواهد کار بزرگی را انجام دهد، در کنار کار و تلاش و مجاهدت، لازم است که باب گشاده‌ای برای دعا و توجّه به پروردگار و استمداد از خداوند قرار دهد. شما در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنید که معصومین علیهم‌السلام، از جمله خودِ نبیّ اکرم و امیرالمؤمنین علیهما‌السلام، در میدانهای جنگ، در صحنه‌های پرخطر و در هنگام کارهای بزرگ، دست توسّل و دعا باز می‌کردند. کسی نمی‌تواند بگوید که پیغمبر و مسلمانان صدر اسلام، تلاش و کار نمی‌کردند. بالاتر از تلاش آن‌ها دیگر تلاش وجود ندارد. در آن ده سال که پیغمبر حاکمیت جامعه‌ی اسلامی آن روز را در اختیار داشت، سالهایی یکسره توأم با کار و تلاش بود. اما درعین‌حال، با وجود آن کار و تلاش و در کنار آن، دعا و تضرّع و انابه و استغفار و طلب و مسئلت از پروردگار عالم هم جای خود را داشت.[۶۸]

دعا و فرصت دعا کردن، یک نعمت

۞ لذا *دعا، یک نعمت است و فرصت دعا کردن، یک نعمت است*. در وصیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به امام حسن مجتبی علیه‌السلام این معنا وارد شده‌است:

«**إِعْلَمْ أَنَّ الَّذِی بِیَدِهِ خَزَائِنُ مَلَکُوتِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ قَدْ أَذِنَ لِدُعَائِکَ وَ تَکَفَّلَ لِإِجَابَتِک**»؛ خدای متعال که همه‌ی قدرت آسمان و زمین در قبضه‌ی توانایی اوست، به تو اجازه داده که با او دعا کنی و حرف بزنی و از او بخواهی. «**وَ أَمَرَکَ أَنْ تَسْأَلَهُ لِیُعْطِیَکَ**»؛ از او مطالبه کنی تا او هم به تو عطا کند. این رابطه‌ی درخواست کردن و گرفتن از خدا، مایه‌ی تعالی روح انسان است و همان تقویت‌کننده‌ی روح عبودیت است. «**وَ هُوَ رَحِیمٌ کَرِیمٌ لَمْ یَجْعَلْ بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ مَنْ یَحْجُبُکَ عَنْه**»[1]؛ خدای متعال بین خودش و تو، واسطه‌ای، فاصله‌ای و حجابی قرار نداده است. هروقت با خدا شروع کنید به سخن گفتن و عرض نیاز کردن، خدای متعال صدا و درخواست شما را می‌شنود. با خدا همیشه می‌شود هم‌زبان شد، می‌شود گفتگو کرد، می‌شود مأنوس شد و می‌شود از او درخواست کرد. این برای بشر، فرصت و نعمت خیلی بزرگی است.[۶۹]

هفت مرتبه ضمیر متکلّم برای خدا، فقط در آیه‌ی دعا

❁ در دنبال همین آیات که سه آیه درباره‌ی روزه است، بلافاصله می‌فرماید: «**وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیب**» ای پیغمبر هنگامی که بندگان من درباره‌ی من از تو بپرسند من نزدیکم، نمی‌گوید به آنها بگو من نزدیکم، خودش با آنها هم‌صحبت می‌شود می‌گوید: «**فَإِنِّی قَرِیبٌ**» من نزدیکم «**أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعَانِ**» دعوت دعوت‌کننده را اجابت می‌کنم. دعای خواستار از خودم را برآورده می‌کنم «**فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی**» به من پاسخ بگویند «**وَ لْیُؤْمِنُوا بِی**» به من ایمان بیاورند. مرحوم علامه‌ی بزرگوار، علامه‌ی طباطبایی رضوان اللّه تعالی علیه در این آیه‌ی شریفه متوجّه یک نکته‌ای شده. ایشان

---

(۱) بحارالأنوار ج:۷۴ ص:۲۰۵ ؛ امیرالمؤمنین علیه السلام

می‌فرماید که پروردگار عالم در آیه‌ی «**وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی**» هفت مرتبه ضمیر متکلّم وحده به‌کار برده، «من» «**وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَ لْیُؤْمِنُوا بِی**»[۱] در هیچ آیه‌ی دیگری از آیات قرآن این همه خدای متعال از خود حرف نزده، در یک متن به این کوتاهی هفت مرتبه گفته من. این برای اثبات نزدیکی خدا به بندگانی است که دل به سوی خدا می‌گشایند و زبان باز می‌کنند به ستایش الهی.[۷۰]

تکرار إِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ در شبانه‌روز

۞ و در هر نمازی هم اقلّاً در دو رکعتش می‌گوئیم: «**إِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ**»... شما هفده رکعت نماز واجب می‌خوانید. از این هفده رکعت باید در ده رکعتش «**إِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ**» بگوئید.[۷۱]

پیش بردن راه، در گرو دعا

۞ «**قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ**».[۲] *بدون دعا و توجّه و توسّل به پروردگار نمی‌شود راه را پیش برد* و من اعتقاد دارم که یکی از علل موفقیت امام(ره)، همین تضرّع و توجّه به پروردگار متعال بود.[۷۲]

اهمیّت ذکر

درخواستِ ذکر کثیر

۞ قرآن به مسلمانها خطاب می‌کند که: «**أُذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْراً کَثِیرا**»[۳]؛ خدا را ذکرِ کثیر کنید. ذکر یعنی یاد. ذکر و یاد در مقابل غفلت و نسیان

---

(۱) سوره‌ی بقرة، آیه‌ی ۱۸۶.

(۲) سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۷.

(۳) سوره‌ی أحزاب، آیه‌ی ۴۱.

است. غرق در عوارض و حوادث و پیشامدهای گوناگون شدن و از مطلب اصلی غفلت کردن؛ این، گرفتاری بزرگ ما بنی‌آدم است. می‌خواهند این نباشد. آن‌وقت این یاد هم صِرف یاد کردن و متذکر شدن نیست، ذکر کثیر را از ما خواسته‌اند.[۷۳]

راه تقوا، ذکر خداست

❁ *راه تقوا* هم ذکر خداست.[۷۴]

قرآن، وسیله‌ی ذکر

❁ آیه شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: «**لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ كِتاباً فِيهِ ذِكْرُكُم**.»(۱) یعنی *قرآن را وسیله‌ی ذکر و به هوش بودن و متوجّه بودن آحاد مسلمانان معرفی فرموده‌است*؛ زیرا بسیاری از مردم، در طول زمان دچار غفلت از حقایق عالم و در رأس همه، غفلت از ذات مقدّس پروردگار بوده‌اند.[۷۵]

موضوع ذکر، مسأله‌ی اصلی و اساسی

❁ و *موضوع ذکر و هدایت را به عنوان مسأله‌ی اصلی و اساسی خودمان مورد توجّه قرار دهیم*. پس ملت ما، امروز از جمله‌ی موضوعهایی که احتیاج دارد به درستی به آن توجّه کند، موضوع ذکر و دوری از غفلت است.[۷۶]

ذکر، عرفان واقعی

❁ *عرفان واقعی* یعنی این؛ یعنی آن ذکر و یاد الهی را در انسان به وجود بیاورد و بصیرت لازم را برای حضور در مقابل خدا ایجاد کند.[۷۷]

ذکرِ نامحدود

❁ همه‌ی این فرائض و احکام الهی حدّی دارند؛ اندازه‌ای دارند، که وقتی به آن حدّ و مرز رسیدند، تمام می‌شود؛ تکلیف تمام می‌شود؛ «**إِلَّا**

---

(۱) سوره‌ی أنبیاء، آیه‌ی ۱۰.

الذِّكْر»؛ مگر ذکر. «**فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْه**»؛ ذکر حدّ *ندارد*؛ اندازه‌ای ندارد، که وقتی این اندازه ذکر و یاد حاصل شد، بگوئیم دیگر بس است؛ دیگر لازم نیست. بعد خود حضرت توضیح می‌دهد و می‌فرماید: «**فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْفَرَائِضَ فَمَنْ أَدَّاهُنَّ فَهُوَ حَدُّهُن**»؛ هرکس فرائض را ادا کرد، آن‌ها را به حدّ و مرز خود رساند. «**وَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَمَنْ صَامَهُ فَهُوَ حَدُّهُ**»؛ مثلاً ماه رمضان که تمام شد، شما این فریضه را به مرز خودش رساندید؛ تمام شد و دیگر چیزی بر شما واجب نیست. «**وَ الْحَجَّ فَمَنْ حَجَّ فَهُوَ حَدُّهُ**»؛ هرکس حج را به جا آورد- به اعمال پایان حج که رسید- آن را به مرز رساند. این در صورتی است که در هر دو جا «**فَهُوَ حَدُّهُ**» بخوانیم. البتّه می‌شود «**فَهُوَ حَدُّهُ**» هم با یک تعبیر دیگری خواند؛ اما «**إِلَّا الذِّكْر**»؛ فقط ذکر مثل بقیه‌ی فرائض نیست. دیگر بقیه‌ی فرائض را ذکر نفرمودند؛ زکات را وقتی دادید، دیگر واجب نیست، به همان اندازه‌ای که مقرّر شده‌است. خمس را همین‌جور، صله‌ی رحم را همین‌جور. بقیه‌ی فرائض و واجباتی که هست، همه از همین قبیل است، مگر ذکر؛ «**إِلَّا الذِّكْرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَرْضَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ حَدّاً يَنْتَهِي إِلَيْهِ**»[1]؛ خدا به ذکر قلیل راضی نشده‌است؛ حدّی برای آن قرار نداده است که بشود به آن حدّ رسید. «**ثمّ تلا**»؛ بعد، حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثِيراً**».[2] اهمیّت ذکر این است.[۷۸]

ذاکر بودن در همه‌ی حالات، از مهم‌ترین تکالیف مؤمنین

حضرت باقر علیه‌السلام فرمود: «**ثَلَاثٌ مِنْ أَشَدِّ مَا عَمِلَ الْعِبَاد**»؛ سه چیز هست که جزو تکالیف بسیار مهمّ و دشوار مؤمنین است؛ کارهای سخت... سوّم، «**وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ**»؛ در همه حال ذاکر خدای متعال باشد.[۷۹]

---

(۱) الکافی ج:۲ ص:۴۹۸ ؛ اَلصَّادِقُ علیه‌السلام.

(۲) سوره‌ی أحزاب، آیه‌ی ۴۱.

اهمیّت صحیفه‌ی سجّادیه

کتابی بسیار عظیم

۞ با صحیفه‌ی سجّادیه مأنوس شوید. *کتاب بسیار عظیمی است*. اینکه گفته‌اند زبور آل محمّد، واقعاً همین‌طور است؛ پُر از نغمه‌های معنوی است، دعا و درس است.[۸۰]

یکی از بهترین ذخایر معنوی ما

۞ به نظر من صحیفه‌ی سجّادیه‌ی مبارکه یکی از *بهترین ذخایر معنوی* ماست، اگر بتوانیم از این استفاده کنیم.[۸۱]

امر به دعا و نهی از ترک آن

امر

۞ من توصیه می‌کنم که ارتباطات بچه‌ها با خدا، ارتباطاتِ با توجّه و باحالی باشد؛ بخصوص نمازها را با حال بخوانند. دعا که می‌خوانند، با حال و با توجّه بخوانند و بدانند با چه وجودی حرف می‌زنند و چه می‌خواهند و بدانند این خواست، پاسخ دارد. در قرآن، به ما گفته شده‌است: «**ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ**»(۱)؛ مرا بخوانید تا به شما پاسخ دهم. یکجا دارد: «**وَ سْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ**»(۲)؛ از فضل خدا طلب کنید و بخواهید. این‌ها وعده‌های الهی است و وعده‌های الهی، صادقترین وعده‌هاست.[۸۲]

۞ ذکر «الله» را در فضای جامعه زیاد کنید.[۸۳]

---

(۱) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

(۲) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

۞ ماه رمضان، وقت این‌گونه دعا کردن است. منافاتی هم ندارد. همان دعایی که در آن، حاجت خود را می‌خواهید، آن دعا را با توجّه، با تضرّع و با حضور قلب بخوانید و دلتان را به خدا نزدیک کنید. من و شما به این احتیاج داریم. برادر و خواهر من! از دعا غفلت نکنید.[۸۴]

لزوم

۞ ملتی که راه دشواری را در پیش روی خود دارد و می‌خواهد کار بزرگی را انجام دهد، در کنار کار و تلاش و مجاهدت، لازم است که باب گشاده‌ای برای دعا و توجّه به پروردگار و استمداد از خداوند قرار دهد.[۸۵]

۞ طلبه باید با دعا، با ذکر و با مناجات انس پیدا کند.[۸۶]

۞ جامعه‌ی اسلامی باید جامعه‌ی دعا و تضرّع و انابه‌ی إلی اللّه باشد.[۸۷]

غنیمت دانستن دعا

۞ *ذکر الهی را خیلی باید مغتنم بشمرید.* همین نماز جمعه‌ی شما مصداق ذکر الهی است.«**فَاسْعَوْا إِلى ذِكْرِ اللَّهِ**».(۱) در اینجا آنچه بر دل شما، بر زبان شما، بر حرکات شما باید غالب باشد، یاد خداست. دل به یاد خدا، زبان متذکر به نام مقدّس پروردگار، حرکات دست و پا و جسم هم حرکاتی در جهت یاد پروردگار و اطاعت اوامر الهی. این چیزی که مورد نیاز یکایک ماست، همین است.[۸۸]

وظیفه

۞ *یکی از وظایف ما در ماه رمضان، دعا کردن است.*[۸۹]

---

(۱) سوره‌ی جمعة، آیه‌ی ۹.

مذمّت ترک دعا

سلب توفیق دعا، نگران‌کننده‌تر از سلب توفیق اجابت

در این خصوص عبارتی را از بزرگی نقل کرده‌اند. نمی‌دانم روایت از معصوم علیه السلام است یا عبارتی از غیر معصوم. هرچه هست، عبارت حکمت‌آمیزی است. می‌گوید: «**أَنَا مِنْ أَنْ أُسْلَبَ الدُّعَاءَ أَخْوَفُ مِنْ أَنْ أُسْلَبَ الْإِجَابَةَ**»؛ «از اینکه دعا از من گرفته شود بیشتر می‌ترسم تا اینکه اجابت از من گرفته شود.»[۹۰]

گرفته شدن حال دعا از انسان، علامتی بد

گاهی حال دعا از انسان گرفته می‌شود. این، علامتِ بدی است. اگر دیدیم در وقت دعا، *در وقت تضرّع و در وقت توجّه و تقرّب، هیچ نشاط و حوصله‌ی دعا نداریم، علامتِ خوبی نیست.* البتّه درستش هم می‌شود کرد. انسان می‌تواند با توجّه، با التماس و با خواستن، حال دعا را به طور جدّی از خدا بگیرد.[۹۱]

بی‌پشتوانگی، پی‌آمد بی‌نیاز دانستنِ خود از دعا

مسئولان قضائی کشور، خودشان را بی‌نیاز از دعا و نافله و ذکر و توجّه و توسّل و گریه و انابه به پروردگار ندانند؛ نگویند حالا ما که مشغول خدمت به مردم هستیم؛ *دعا را کسی بخواند که خیلی کار ندارد! نه، اصل کار این است. اگر این نباشد، آنجا بی‌پشتوانه‌ایم.*[۹۲]

مقایسه‌ی دعا و ذکر با سایر فضائل

دعا، یکی از مهمّ‌ترین کارهای بنده‌ی مؤمن

در روایت وارد شده‌است که «**اَلدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ**»[(۱)]؛ مغز عبادت، یا به

---

(۱) وسائل‌الشیعة ج:۷ ص:۲۷ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

تعبیر رایج ماها، روح عبادت، دعاست. دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن. دعا یا درخواست است، یا تمجید و تحمید است، یا اظهار محبّت و ارادت است؛ همه‌ی این‌ها دعاست. دعا یکی از مهم‌ترین کارهای یک بنده‌ی مؤمن و یک انسان طالب صَلاح و نجات و نجاح است.[۹۳]

دعا، مغز عبادت

❁ «**أَلدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَة**»[(۱)]؛ مغز هر عبادتی، دعاست. عبادات برای همین است که بتواند انسان را در مقابل خدای متعال خاشع و دلش را نیز مطیع و تسلیم کند. این اطاعت و خشوع در مقابل خداوند هم از نوع تواضع و خشوع و خضوع انسانها در مقابل یکدیگر نیست؛ بلکه به معنای خشوع و خضوع در مقابل خیر مطلق، جمال مطلق، حُسن مطلق و فضل مطلق اوست.[۹۴]

دعا، مهم‌ترین علاج

❁ باید ما از امیرالمؤمنین این را درس بگیریم؛ یاد خدا و توجّه به ذکر و *مناجات الهی، مهم‌ترین علاجی است که امیرالمؤمنین برای این کار دارد.*[۹۵]

دعا، تنها راه رسیدن به خواسته‌های عظیم

❁ در دعای سحر روز جمعه - که مستحبّ است - دعایی کوتاه، اما بسیار خوب است. اگر توفیق پیدا کردید، حتماً این دعا را بخوانید. اوّل درخواستهایی از خدا می‌شود و بعد این عبارت می‌آید: «**إِلَهِی طُمُوحُ الْآمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَیْکَ وَ مَعَاکِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَیْکَ**»[(۲)]؛ «*خدایا! آرزوهای سرکش و بزرگ و خواسته‌های عظیم، محکوم به نومیدی*

---

(۱) وسائل‌الشیعة ج:۷ ص:۲۷ ؛ أَلرسول صلی الله علیه و آله.

(۲) بحارالأنوار ج:۸۶ ص:۳۰۶ ؛ أَلصَّادِقُ علیه السلام.

هستند؛ مگر وقتی که با تو مطرح شوند.» کاروان طلبهای ما، از راه رفتن، محکوم به باز ماندنند؛ مگر وقتی که در خانه تو بیایند.[۹۶]

ذکر، بزرگتر و مهمتر از نهی از فحشا و منکر

اما ارتباط بین صبر و صلاة. البتّه صلاة را به مفهوم عام صلاة بگیرید؛ یعنی توجّه، ذکر، خشوع؛ و الّا صورت نماز در حالی که خالی از ذکر باشد، مورد نظر نیست. لذا در آن آیهی شریفه هم که راجع به صلاة فرموده، بعد میفرماید: «**وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ**». «**إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ**».(۱) این، یک خاصیّت صلاة است؛ اما بزرگتر از نهی از فحشا و منکر، نفس ذکر خداست که در صلاة وجود دارد. این صلاة یعنی آن ذکر، توجّه، خشوع، ارتباط قلبی با خدا، در استحکام صبر تأثیر دارد.[۹۷]

مقامِ دعاکنندگان، بیانگر اهمیّت دعا

پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر با آن مقام و با آن شأن و عظمت، از عبادت خود غافل نمیشد؛ نیمهی شب میگریست و دعا و استغفار میکرد. اُمّسَلَمَه یک شب دید پیامبر نیست؛ رفت دید مشغول دعا کردن است و اشک میریزد و استغفار میکند و عرض میکند: «**أَللَّهُمَّ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ**».(۲) [۹۸]

کسی خیال نکند در زندگی ملتی که در حال سازندگی است، دعا و تضرّع نقش زیادی ندارد. بهعکس، ملتی که راه دشواری را در پیش روی خود دارد و میخواهد کار بزرگی را انجام دهد، در کنار کار و تلاش و مجاهدت، لازم است که باب گشادهای برای دعا و توجّه به پروردگار و

---

(۱) سورهی عنکبوت، آیهی ۴۵.

(۲) بحارالأنوار ج:۱۶ ص:۲۱۷ ؛ اَلصّادِقُ علیه السلام.

استمداد از خداوند قرار دهد. شما در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنید که معصومین علیهم‌السلام، از جمله خودِ *نبیّ اکرم* و امیرالمؤمنین علیهما‌السلام، در میدانهای جنگ، در صحنه‌های پرخطر و در هنگام کارهای بزرگ، دست توسّل و دعا باز می‌کردند. کسی نمی‌تواند بگوید که پیغمبر و مسلمانان صدر اسلام، تلاش و کار نمی‌کردند. بالاتر از تلاش آن‌ها دیگر تلاش وجود ندارد. در آن ده سال که پیغمبر حاکمیت جامعه‌ی اسلامی آن روز را در اختیار داشت، سالهایی یکسره توأم با کار و تلاش بود. اما درعین‌حال، با وجود آن کار و تلاش و در کنار آن، دعا و تضرّع و انابه و استغفار و طلب و مسئلت از پروردگار عالم هم جای خود را داشت.[۹۹]

انبیاء علیهم‌السلام

در قرآن کریم، بارها در باب دعا و دعایی که بندگان صالح خدا کرده‌اند، سخن گفته شده‌است. همه این‌ها برای آن است که به ما درس داده شود. *انبیای الهی* در مواقع سختی دعا می‌کردند و از خدای متعال کمک می‌خواستند: «**فَدَعا رَبَّهُ أَنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِر**»(۱) که از قول حضرت نوح علیه‌السلام نقل شده‌است. یا از قول حضرت موسی علیه‌السلام نقل شده‌است: «**فَدَعا رَبَّهُ أَنَّ هؤُلاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُون**».(۲) موسی به خدا شکایت کرد و به او پناه برد.[۱۰۰]

در باب دعا، خلاصه‌ی عرض ما این است که دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند و برای تقویت روح عبودیت در انسان است، و این روح عبودیت و احساس بندگی در مقابل خداوند، همان چیزی است که *انبیای الهی* از اوّل تا آخر، تربیت و تلاششان متوجّه این نقطه بوده است که روح عبودیت را در انسان زنده کنند.[۱۰۱]

---

(۱) سوره‌ی قمر، آیه‌ی ۱۰.

(۲) سوره‌ی دخان، آیه‌ی ۲۲.

اصحاب و حواریّون پیامبران

وقتی *اصحاب و حوارّیون پیامبران*، در جنگها و حوادث گوناگون، دچار مصیبتی می‌شدند، روی دعا به جانب پروردگار می‌نمودند و عرض می‌کردند: «**رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ إِسْرافَنا فِی أَمْرِنا**»[۱]؛ خدایا! گناهان و زیاده‌روی‌ها و بی‌توجّهی‌هایی را که در کار خودمان کردیم، بیامرز.[۱۰۲]

امام خمینی(ره)

خدای متعال یقیناً از بندگانی که در راه او حرکت می‌کنند و با اخلاص گام برمی‌دارند، حمایت خواهد کرد؛ من در این موضوع هیچ تردیدی ندارم. البتّه تضرّع و ابتهال به پروردگار را هم نباید فراموش کنیم؛ «**قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ**».[۲] بدون دعا و توجّه و توسّل به پروردگار نمی‌شود راه را پیش برد و من اعتقاد دارم که یکی از علل موفقیت *امام(ره)*، همین تضرّع و توجّه به پروردگار متعال بود.[۱۰۳]

---

(۱) سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۴۷.

(۲) سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۷.

فصل سوّم:
شرائط دعا ، شروط اجابت

پیش شرط دعا

از جانبِ خدا

اراده‌ی خدا

۞ می‌فرماید: « **وَ لَيْسَ مِنْ صِفَاتِکَ يَا سَيِّدِی أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَ تَمْنَعَ الْعَطِيَّة**».[1] امام سجّاد علیه‌السلام عرض می‌کند: پروردگارا! عادت تو این نیست که مردم را به خواستن امر کنی؛ اما آنچه که آن‌ها خواستند به آن‌ها ندهی. یعنی معنای کرم الهی رحمت الهی و قدرت محیطه‌ی الهی این است که اگر می‌گوید بخواهید، *اراده* فرموده‌است که آن خواسته را اجابت کند. این همان وعده‌ی الهی است که در همین آیه‌ای که در اوّل خطبه تلاوت کردم، صریح این معنا را بیان می‌کند: «**وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعَان**»[2]؛ هرگاه بندگان من درباره‌ی من از تو سؤال کنند که کجاست، بگو ای پیامبر، من نزدیکم و پاسخ می‌گویم و دعوت و خواسته‌ی آن کسی را که از من می‌خواهد و مرا می‌خواند، اجابت می‌کنم. هرکس خدا را بخواند، پاسخی در مقابلش هست: «**لِكُلِّ مَسْأَلَة**

---

(۱) بحارالانوار، ج: ۹۵؛ ص: ۸۲، السّجاد علیه‌السلام

(۲) سوره‌ی بقرة، آیه‌ی ۱۸۶.

مِنْکَ سَمْعُ حَاضِرٌ وَ جَوَابٌ عَتِیدٌ»[۱]؛ هر سؤالی از خدا، هر خواسته‌ای از خدا، یک پاسخ قطعی در مقابل دارد. این خیلی مهمّ است و باید بندگان مؤمن خدا آن را خیلی قدر بدانند.[۱۰۴]

اجازه‌ی پروردگار

در وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام این معنا وارد شده‌است: «**إِعْلَمْ أَنَّ الَّذِی بِیَدِهِ خَزَائِنُ مَلَکُوتِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ قَدْ أَذِنَ لِدُعَائِکَ وَ تَکَفَّلَ لِإِجَابَتِکَ**»؛ خدای متعال که همه‌ی قدرت آسمان و زمین در قبضه‌ی توانایی اوست، به تو *اجازه* داده که با او دعا کنی و حرف بزنی و از او بخواهی. «**وَ أَمَرَکَ أَنْ تَسْأَلَهُ لِیُعْطِیَکَ**»[۲]؛ از او مطالبه کنی تا او هم به تو عطا کند.[۱۰۵]

کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده‌است که ایشان - بنا بر نقل - فرموده‌اند: «**ثُمَّ جَعَلَ فِی یَدِکَ مَفَاتِیحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَذِنَ فِیهِ مِنْ مَسْأَلَتِه**.»؛ «خدای متعال، به این‌که به تو اذن داد از او بخواهی، کلید همه‌ی گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داد.» پس، *اذنی که خداوند متعال داد* تا هر چه می‌خواهی از او بخواهی، کلید همه‌ی خزائن الهی است. اگر انسان این کلید را به شکل درست به کار ببرد - از خدا بخواهد - مسلّماً آن را در اختیار انسان می‌گذارد. «**فَمَتَی شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالدُّعَاءِ أَبْوَابَ خَزَائِنِهِ**».[۳] هر وقت بخواهی، به وسیله‌ی دعا، در خزائن الهی را باز می‌کنی. ببینید! این، مسأله‌ی بسیار مهمّی است. چرا انسان خود را از این وسیله‌ی مهمّ محروم کند؟![۱۰۶]

---

(۱) بحارالأنوار ج:۸۳ ص:۵۸ ؛ ألرِّضَا علیه السلام.

(۲) بحارالأنوار ج:۷۴ ص:۲۰۵ ؛ امیرالمؤمنین علیه السلام.

(۳) همان.

لطف و توفیق إلهی

همین که انسان با خدای متعال انس پیدا می‌کند، با خدا حرف می‌زند، این *لطف الهی* است و توفیقی است که خدا به انسان داده است. خود این «یا اللّه» متضمن اجابت پروردگار است.[۱۰۷]

اگر کسی *توفیق دعا* پیدا کند دعای با توجّه و با حال، باید بداند مورد لطف پروردگار قرار گرفته‌است و اجابت در مرحله‌ی بعد است.[۱۰۸]

از ناحیه‌ی دعاکننده

امید

دعا، یعنی خواستن و خدا را خواندن. خواستن، یعنی امیدواری. تا *امید* نداشته باشید، از خدا چیزی را درخواست نمی‌کنید. انسان ناامید که چیزی طلب نمی‌کند. پس، دعا یعنی امید، که ملازمِ با امید به اجابت است. این امید به اجابت، دلها را مُشعل می‌کند و منوّر نگه می‌دارد.[۱۰۹]

التماس و درخواستِ حال دعا

اگر دیدیم در وقت دعاَ، در وقت تضرّع و در وقت توجّه و تقرّب، هیچ نشاط و حوصله‌ی دعا نداریم، علامتِ خوبی نیست. البتّه درستش هم می‌شود کرد. انسان می‌تواند با توجّه، با التماس و با خواستن، حال دعا را به طور جدّی از خدا بگیرد.[۱۱۰]

شکر

اوّلاً، وقتی شکر کردید، این شکر موجب ذکر می‌شود؛ متوجّه خدا می‌شوید؛ خودِ شکر انسان را ذاکر می‌کند.[۱۱۱]

قطعیتِ إجابت

دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر

آنجا که توجّهِ لازم را در حال دعا داشته باشیم، *دعا مستجاب*

خواهد شد؛ یا زود و یا دیر.[۱۱۲]

اگر خدا در دعا را باز کند، در اجابت را نمی‌بندد

۞ امکان ندارد خدا به بندگان خود دستور بدهد دعا کنند، اما بنا بر *اجابت* آن نداشته باشد.[۱۱۳]

۞ فرمود: «**وَ سْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ**»(۱)؛ از خدای متعال بخواهید و نیازهای خودتان را از او بطلبید. در دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی از قول امام سجّاد علیه‌السلام این‌طور عرض می‌شود: «**وَ لَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَ تَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطَايَا عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ**»(۲)؛ تو به بندگان خودت دستور بدهی که از تو بخواهند، اما بنا داشته باشی که خواسته‌ی آن‌ها را عملی نکنی؛ این امکان ندارد. وقتی خدای متعال به من و شما امر می‌کند که از او بخواهیم و طلب کنیم، معنایش این است که خدای متعال تصمیم دارد که آنچه را می‌خواهیم، به ما بدهد لذا در روایت است که: «**مَا كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ... عَلَى عَبْدٍ بَابَ الدُّعَاءِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الْإِجَابَةِ**»(۳) و اللّه اکرم من ذلک؛ خدای متعال کریم‌تر از آن است که باب دعا را باز کند، اما باب *اجابت* را ببندد.[۱۱۴]

۞ اگر دل توانست با یاد خدا خود را معطّر و مزیّن کند، بدون تردید *اجابت* الهی برای او میسّر خواهد شد؛ «**أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ**».(۴) هیچ دعایی بی‌استجابت نیست. استجابت به معنای این نیست که خواسته‌ی انسان حتماً برآورده خواهد شد ممکن است برآورده بشود، ممکن است به علل و

---

(۱) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

(۲) بحارالأنوار ج:۹۵ ص:۸۲ ؛ اَلسَّجّاد علیه‌السلام.

(۳) نهج‌البلاغة ؛ قصار ۴۳۵.

(۴) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

مصالح و موجباتی برآورده هم نشود اما استجابت الهی هست. استجابت الهی، پاسخ و توجّه و التفات خداست؛ و لو آن خواسته‌ای که من و شما داریم که ای‌بسا خیال می‌کنیم این خواسته به نفع ماست، اما به زیان ماست تحقّق هم پیدا نکند؛ اما «یا الله» شما بی‌گمان لبّیکی به دنبال خود دارد.[۱۱۵]

کراهتِ انتظار سرعتِ غیرمعمول، برای دریافت حاجت

۞ در أبواب کتب روایی دارد: «**کَرَاهَةُ الْعَجَلَةِ فِی الدُّعَاءِ وَ تَعْجِیلِ الِانْصِرَافِ مِنْهُ وَ اسْتِعْجَالِ الْإِجَابَةِ**»[۱] یعنی در دعا عجله نکنید. اگر چیزی را خواستید و در زمانی که شما خواستید برآورده نشد، نگوئید که خدای متعال دعای مرا مستجاب نکرد؛ نه. «**أَلْأُمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا**».[۲] در روایت دارد: بنی اسرائیل بعد از آنکه خدای متعال وعده داد آنان را نجات خواهد داد، چهل سال دعا کردند و بالاخره شد. کار بزرگی هم انجام شد. غرق فرعون و پیروزی موسی بر فرعون، امری نیست که چهل سال تلاش، برای آن زیاد باشد. عجله نکنید! با توجّه، خدا را بخوانید و هرچه می‌خواهید از خدا بخواهید که در بعضی از دعاها، این معنا را دارد. در دعایی این‌گونه وارد است که «**إِلَهِی طُمُوحُ الْآمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَیْکَ وَ مَعَاکِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَیْکَ**»[۳] یعنی آرزوهای زیاد در هر دری و نزد هرکسی که مطرح گردد، مردود می‌شود، مگر در پیشگاه تو. در پیشگاه تو، خواسته‌های زیاد هم برآورده می‌شود.[۱۱۶]

بی‌قید و شرط بودن اجابت

۞ البتّه اجابت الهی از طرف پروردگار، هیچ قید و شرطی ندارد؛ این ما

---

(۱) وسائل‌الشیعة؛کتاب الصّلاة؛ أبواب الدّعاء ؛باب ۱۷.

(۲) بحارالأنوار ج:۷۴ ص:۱۶۶ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

(۳) بحارالأنوار ج:۸۶ ص:۳۰۶ ؛ ألصّادِقُ علیه السلام.

هستیم که با اعمال خودمان مانع *اجابت* می‌شویم؛ ما هستیم که موجب می‌شویم دعای ما مورد اعتنا قرار نگیرد، که خود همین، یکی از معارفی است که می‌توان از دعا استفاده کرد و یکی از خصوصیات دعا، همین است.[۱۱۷]

۞ یعنی معنای کرم الهی و رحمت الهی و قدرت محیطه‌ی الهی این است که اگر می‌گوید بخواهید، اراده فرموده‌است که آن خواسته را *اجابت* کند. این همان وعده‌ی الهی است که در همین آیه‌ای که در اوّل خطبه تلاوت کردم، صریح این معنا را بیان می‌کند: «**وَ إذا سَأَلَکَ عِبادی عَنِّی فَإِنِّی قَریبٌ أُجیبُ دَعْوَةَ الدّاعِ إذا دَعان**»(۱)؛ هرگاه بندگان من درباره‌ی من از تو سؤال کنند که کجاست، بگو ای پیامبر، من نزدیکم و پاسخ می‌گویم و دعوت و خواسته‌ی آن کسی را که از من می‌خواهد و مرا می‌خواند، اجابت می‌کنم. هرکس خدا را بخواند، پاسخی در مقابلش هست: «**لِکُلِّ مَسْأَلَة مِنْکَ سَمْعُ حَاضِرٌ وَ جَوَابٌ عَتِیدٌ**»(۲)؛ هر سؤالی از خدا، هر خواسته‌ای از خدا، یک پاسخ قطعی در مقابل دارد. این خیلی مهمّ است و باید بندگان مؤمن خدا آن را خیلی قدر بدانند.[۱۱۸]

وجود شرائط و آداب برای دعا، برای بالا بردن امکان إجابت

۞ دعا، وسیله‌ای در کنار وسایل دیگر است... در روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام، نقل شده‌است که فرمود: «**إِدْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْکُمْ بِالدُّعَاءِ قَبْلَ وُرُودِ الْبَلَاءِ**»(۳) پیش از آن‌که بلا بر شما وارد شود، با دعا، بلا را دفع کنید. اینها واقعیّت است. این، البتّه بدان معنا نیست که هرچه شما خواستید و هر طور آن را با خدای متعال در میان گذاشتید، برآورده خواهد شد؛ نه.

---

(۱) سوره‌ی بقرة، آیه‌ی ۱۸۶.

(۲) بحارالأنوار ج:۸۳ ص:۵۸؛ أَلرِّضَا علیه‌السلام.

(۳) بحارالأنوار ج: ۹۰ ص:۲۸۹ ؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

شرایطی دارد، آدابی دارد؛ مثل همه‌ی اسباب عادی و مثل همه‌ی خواستنها. اگر شما از دوستتان هم چیزی بخواهید، آداب و تشریفاتی دارد. ادب مخصوص دعا را باید به کار گرفت و عمده‌ترین آداب، این است که انسان به خدای متعال توجّه کند و با همه‌ی دل، از خدا بخواهد.[۱۱۹]

اگر دعا به معنای حقیقی کلمه انجام بگیرد، اجابت قطعی و بدون شرط است

۞*شرط مهمّ اجابت دعا این است که دعا به معنای حقیقی کلمه و با شرایط خود انجام بگیرد.*[۱۲۰]

اگر دعا، درست به‌کار برده شود، اجابت قطعی و بدون شرط است

۞ کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده‌است که ایشان - بنا بر نقل - فرموده‌اند: «**ثُمَّ جَعَلَ فِی یَدِکَ مَفَاتِیحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَذِنَ فِیهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ.**»؛ «خدای متعال، به این‌که به تو اذن داد از او بخواهی، کلید همه‌ی گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داد.» پس، اذنی که خداوند متعال داد تا هر چه می‌خواهی از او بخواهی، کلید همه‌ی خزائن الهی است. اگر انسان این کلید را به شکل *درست به کار ببرد* - از خدا بخواهد - مسلّماً آن را در اختیار انسان می‌گذارد. «**فَمَتَی شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالدُّعَاءِ أَبْوَابَ خَزَائِنِهِ**».[۱] هر وقت بخواهی، به وسیله‌ی دعا، در خزائن الهی را باز می‌کنی. ببینید! این، مسأله‌ی بسیار مهمّی است. چرا انسان خود را از این وسیله‌ی مهمّ محروم کند؟![۱۲۱]

موانعِ إجابت

تصادم با یک قانون الهی دیگر

۞ لازم نیست دعا همیشه قوانین طبیعی را به هم بزند و برخلاف قوانین

---

(۱) بحارالأنوار ج:۷۴ ص:۲۰۵ ؛ امیرالمؤمنین علیه السلام

طبیعی عمل کند؛ نه. دعا در چارچوب قوانین طبیعی مستجاب می‌شود و خواسته‌ی شما برآورده می‌گردد. این قدرت خداست که قوانین را جور می‌آورد، کنار هم می‌گذارد و مقصود شما برآورده می‌شود. البتّه آنجایی که دعای شما با یک *قانون الهی* دیگری تصادم پیدا کند، مستجاب نمی‌شود. وعده‌ی الهی حقّ است؛ اما آن وعده هم درست است. آدم‌هایی که بی‌کار باشند و در راه اهداف خودشان تلاش نکنند، تضمینی نیست که به هدف و مقصد برسند. حالا شما دعا کن، معلوم است که این دعا خیلی اقبال استجابت ندارد. البتّه یک‌وقت هم دیدید مستجاب شد؛ اما تضمینی نیست. در جایی برخلاف یک قانون طبیعیِ مسلّم، شما دعا کنید؛ معلوم نیست تضمینی داشته باشد. اگرچه در مواردی بلاشک دعا قوانین را هم خرق می‌کند؛ اما این‌طور نیست که وقتی می‌گوئیم دعا مستجاب می‌شود، یعنی دعای شما اگر با قوانین دیگر الهی منافات داشته باشد و عملی همراهش نباشد و یا حتّی خود دعا از روی توجّه هم نباشد، باز مستجاب می‌شود؛ نه. در دعا، طلب کردن و خواستن از خدای متعال و حقیقتاً مطالبه کردن لازم است. این دعا مستجاب می‌شود. اگر عمل و تلاش در راه اهداف بزرگ، همراه این دعا باشد، اقبال استجابت این دعا واقعاً بیشتر است. آن‌وقتی که دعا استمرار پیدا کند، حتماً اقبال استجابت در این دعا بیشتر است. اگر دیده شد که یک دعا چند بار تکرار گردید و مستجاب نشد، نباید مأیوس شد؛ بخصوص در مسائل بزرگ، بخصوص در مسائل مربوط به سرنوشت انسان و سرنوشت کشور و سرنوشت ملتها؛ چون گاهی طبیعت کارهای بزرگ چنین است که تحقّقش زمان می‌طلبد.[۱۲۲]

❁ هنگامی که قلب انسان رقیق می‌گردد و توجّهی پیدا می‌شود، وقت دعاست. آن‌وقت اگر از خدا بخواهید، غالب این است که مقصود برآورده می‌شود. مگر مواردی که در علم الهی، مصالحی وجود دارد که

آن مصالح را ما نمی‌دانیم و خدای متعال، به خاطر دعای من و شما مصالح عمومی آفرینش، یا مصالح یک ملت را به هم نمی‌ریزد. آن‌جا که سر راه خواسته‌ی ما، مصلحت بزرگی مانع نباشد و آن‌جا کـه توجّـه لازم را در حال دعا داشته باشیم، دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر.[۱۲۳]

۞ خدای متعال در چند آیه از آیات قرآن وعده کرده‌است که دعـا را مستجاب خواهد کرد. یکی از آیات، همین آیه‌ی مبارکه‌ی «**و قال ربّکم ادعونی أستجب لکم**» است؛ یعنی پروردگار شما فرموده‌است که مرا دعـا کنید، تا استجابت کنم. ممکن است استجابت بـه معنـای بـرآورده شـدنِ صددرصد آن خواسته هم نباشد. گاهی ممکن است قوانین خلقت، اقتضایِ این را نکند کـه خـدا آن حاجـت را حتمـاً بـرآورده کنـد. در مـواردی قوانینی وجود دارد که آن خواسته بـرآورده شـدنی نیـست، یـا بـه‌زودی برآورده شدنی نیست. در غیر این موارد، قاعدتاً خدای متعال پاسخش این است که خواسته‌ی شما را برآورده می‌کند.[۱۲۴]

درخواستهای غیرممکن

۞ مطلب دیگر این است که گاهی هرچه انسان دعا می‌کند، مستجاب نمی‌شود. علّت چیست؟ روایات دینی، این مشکل را برای ما حل کرده‌اند. مثلاً در روایات آمده‌است که اگر شرایط دعا وجود نداشـته باشـد، دعـا مستجاب نمی‌شود. بالاخره دعا هم شرایطی دارد. بزرگان دین فرموده‌انـد: «*کارهای نشدنی را از خدای متعال نخواهید.*» در روایتی آمده‌اسـت کـه روزی یکی از اصحاب نبیّ اکرمﷺ در حضور پیغمبر دعا کرد و گفـت: «**أَللَّهُمَّ لَا تُحْوِجْنِی إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِک**»؛ «خدایا، مرا محتاج هیچ آفریده‌ای نکن.» «**فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص یَا عَلِیُّ لَا تَقُولَنَّ هَکَذَا**.» «پیغمبرﷺ فرمود: ایـن طور نگو.» «**فَلَیْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ هُوَ مُحْتَاجٌ إِلَی النَّاسِ**». مگر می‌شـود کـه

یک انسان، محتاج دیگران نباشد؟ «نگو که خدایا مرا محتاج هیچ‌کس نکن. این، خلافِ طبیعت بشری، خلافِ سنّت الهی و خلافِ طبعِ نهاده‌ی پروردگار در وجودِ انسان است». چرا می‌گویی «خدایا، مرا محتاج هیچ‌کس نکن»؟ این دعا، مستجاب نمی‌شود. آن فرد، عرض کرد: «یا رسول اللّه! پس چگونه دعا کنم؟» فرمود: «**قُلِ اللَّهُمَّ لَا تُحْوِجْنِی إِلَی شِرَارِ خَلْقِکَ**».(۱) «بگو: خدایا! مرا محتاج اشرار از بندگان خود مکن. مرا نیازمند مردمان شریر مکن. مرا محتاج انسانهای لئیم مکن. این درست است. این می‌شود. این را از خدا بخواه.» پس، اگر چیزی را از خدای متعال طلب کردیم که نشدنی و به خلاف سنّتهایِ معمولیِ عالم است، برآورده نمی‌شود.[۱۲۵]

گناه

❁ *گناه* نمی‌گذارد که انسان، حتّی خود را به لبه‌ی دریای عظیم مغفرت الهی برساند و از آن استفاده کند. گناه نمی‌گذارد که ما حال دعا و توجّه پیدا کنیم.[۱۲۶]

❁ یعنی خدایا! آن گناهانی که دعای مرا حبس خواهد کرد، آن‌ها را بیامرز. *گناهان*، مانع از اجابت دعا می‌شود.[۱۲۷]

❁ *گناهانی* وجود دارد که نقمت الهی را بر انسان نازل می‌کند. گناهانی وجود دارد که نعمتها را از انسان می‌گیرد. «**أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تَحْبِسُ الدُّعَاءَ**».(۲) گناهانی هم وجود دارد که دعا را حبس می‌کند.

پناه‌برخدا! ممکن است انسان مرتکب *گناهی* شود که هرچه دعا کند،

---

(۱) بحارالأنوار ج: ۹۰ ص:۳۲۵ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

(۲) البلدالأمین ص:۱۸۸ ؛ امیرالمؤمنین علیه السلام .

آن دعا بی‌اثر و بی‌فایده گردد. بی‌اثر شدنِ دعا چگونه فهمیده می‌شود؟ به این‌گونه که حال دعا از انسان گرفته می‌شود.[۱۲۸]

۞ «**أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ**». یعنی خدایا! آن *گناهانی* که دعای مرا حبس خواهد کرد، آن‌ها را بیامرز. گناهان، مانع از اجابت دعا می‌شود.[۱۲۹]

۞ یعنی معنایش این است که ما افراد بشر، گاهی خطاها و *گناهانی* می‌کنیم که این گناهان مانع از این می‌شود که دعای ما مورد اجابت قرار بگیرد و قبول بشود.[۱۳۰]

قلب غافل

۞ یکی از شرایط استجابت دعا این است که آن را با توجّه مطرح کنیم. گاهی لقلقه‌ی زبان، جملاتی چون «خدایا ما را بیامرز»، «خدایا به ما سعه‌ی رزق بده» و «خدایا قرض ما را ادا کن» است. ده سال انسان این گونه دعا می‌کند، اصلاً مستجاب نمی‌شود. این فایده‌ای ندارد. یکی از شرایط دعا این است که فرمود: «**وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ دُعَاءً مِنْ قَلْبٍ غَافِلٍ**»[(۱)] خداوند متعال، از صاحب دلِ غافل – دلی که متوجّه نیست چه خواسته‌ای را مطرح می‌کند و با که دارد حرف می‌زند – دعایی را قبول نمی‌کند. معلوم است که دعای دارای این ویژگیها، مستجاب نمی‌شود. باید تضرّع کنید و جدّی بخواهید. باید از خدای متعال با الحاح بخواهید. باز بخواهید و باز بخواهید. در این صورت البتّه خدای متعال دعاها را مستجاب خواهد کرد.[۱۳۱]

شروط حقیقی بودنِ دعا و قطعی بودنِ إجابت در پیِ آن

اگر شرایط دعا وجود نداشته باشد، دعا مستجاب نمی‌شود

۞ در روایات آمده‌است که اگر *شرایط دعا* وجود نداشته باشد، دعا

---

(۱) بحارالأنوار ج:۷۴ ص:۱۷۵ ؛ ألرسول ﷺ.

مستجاب نمی‌شود. بالاخره دعا هم شرایطی دارد.[۱۳۲]

مؤثّر بودن زمان و مکان و خصوصیات

البتّه *اقتضائات زمان و مکان* و خصوصیات و نظایر آن هم، در خواستنِ از خدا مؤثّر است.[۱۳۳]

شروط مرتبط با اعتقادات و حالات دعا کننده نسبت به خداوند

معرفتِ پروردگار و باور به قدرت او

یکی دیگر از شرایط دعای مستجاب این است که انسان دعا را با معرفت انجام دهد؛ یعنی بداند که این دعا و این درخواست از کسی است که قدرت دارد همه‌ی آنچه را که انسان می‌خواهد، برای او انجام دهد؛ یعنی به اثر دعا باور داشته باشد. به امام صادق علیه‌السلام عرض شد که: «**نَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا**»؛ دعا می‌کنیم، اما اثر اجابت را نمی‌بینیم؛ فرمود: «**لِأَنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ**»[۱]؛ بی‌معرفت دعا می‌کنید. در روایتی درباره‌ی معرفت در دعا نقل شده‌است که: «**يَعْلَمُونَ أَنِّي أَقْدِرُ عَلَى أَنْ أُعْطِيَهُمْ مَا سَأَلُونِي**»؛ به قدرت اجابت پروردگار باور داشته باشند.[۱۳۴]

انس

وعده‌های الهی، صادقترین وعده‌هاست و حتماً چنانچه از خدا بخواهید، خدا به شما پاسخ خواهد داد. اگر *انس* پیدا کنید، خواهید دید که خیلی از پاسخها همانی است که در همان لحظه به شما داده می‌شود؛ یعنی آدم نباید خیال کند که پاسخ دعا حتماً همان پولی است که از خدا

---

(۱) مستدرک‌الوسائل ج:۵ ص:۱۹۱ ؛ اَلْکَاظِمُ علیه‌السلام.

خواسته‌است و باید برسد! گاهی اوقات پاسخ، همانی است که در آن لحظه به شما می‌دهند. آن‌چنان نورانیّتی در دل شما به وجود می‌آید که می‌بینید اصلاً پاسخ‌تان را همان ساعت گرفته‌اید. آن حالتی را که انسان در دعا پیدا می‌کند، گاهی احساس می‌کند که دیگر غیر از آن، هیچ‌چیز نمی‌خواهد.[۱۳۵]

خشوع

مطلب اصلی دعا چیست؟ خشوع در مقابل پروردگار. اصل دعا، این است. اینکه می‌بینید از قول پیغمبرﷺ نقل شده‌است که فرمود: «**أَلدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ**[۱]؛ مغز عبادت دعاست» به خاطر آن است که در دعا حالتی وجود دارد که عبارت است از وابستگی مطلق به پروردگار و خشوع در مقابل او. اصل عبادت هم این است. لذاست که در ادامه‌ی آیه‌ی شریفه‌ی «**وَ قالَ رَبُّكُمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَكُم**» می‌فرماید: «**إِنَّ الَّذينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرين**».[۲] اصل دعا این است که انسان در مقابل خدای متعال، خود را از انانیّت دروغین بشری بیندازد. اصل دعا، خاکساری پیش پروردگار است. عزیزان من! هرجا که شما نگاه کردید- چه در محیط خودتان، چه در کشور خودتان و چه در سرتاسر دنیا- و بدی و فسادی را از ناحیه‌ی کسی، مشخّصاً دیدید، اگر دقّت کنید مشاهده خواهید کرد که اساس و منشأ آن بدی و فساد، انانیّت، استکبار، استعلا و غرور انسانی است. دعا باید این را بشکند.[۱۳۶]

تضرّع

دیدگاه سوّم برای دعا این است که انسان با دعا و تضرّع و عرض

---

(۱) وسائل‌الشیعة ج:۷ ص:۲۷ ؛ ألرسولﷺ.

(۲) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

حاجت، خود را به خدای متعال نزدیک کند. نفس دعا کردن، تقرّب إلی اللّه است. خود حرف زدن با پروردگار، خود تضرّع کردن، با خدای متعال سخن گفتن، نزد خدای متعال عذرخواهی و توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفهاست. این، بالاترین جنبه‌هایی است که در دعا وجود دارد. نفس اینکه انسان در مقابل پروردگار بایستد و اشک بریزد و اظهار کوچکی و حقارت کند، برای انسان یک علوّ مقام و مرتبه است. بشر با تضرّع در پیش خدای متعال است که عروج می‌کند و اوج می‌گیرد. بدبختی انسان وقتی است که از خدای متعال غافل شود. سیه‌رویی انسان وقتی است که خود را به خدا محتاج نداند.[۱۳۷]

۞ همان دعایی که در آن، حاجت خود را می‌خواهید، آن دعا را با توجّه، با *تضرّع* و با حضور قلب بخوانید و دلتان را به خدا نزدیک کنید.[۱۳۸]

شروط مرتبط با اعتقادات دعا کننده نسبت به دعا

امید به اجابت

۞ تا امید نداشته باشید، از خدا چیزی را درخواست نمی‌کنید. انسان ناامید که چیزی طلب نمی‌کند. پس، دعا یعنی امید، که ملازم با *امید به اجابت* است. این امید به اجابت، دلها را مُشعل می‌کند و منوّر نگه می‌دارد.[۱۳۹]

اصرار بر درخواست، دست برنداشتن از دعا

۞ در روایات دارد، وقتی برای حاجاتی دعا می‌کنید، دعا و خواسته‌ی خود را زیاد ندانید. یعنی هرچه مایل هستید و می‌خواهید، از خدا طلب کنید. نگوئید «این زیاد است. کمتر بخواهم تا بشود.» ما از استکثار دعا منع شده‌ایم. یعنی دعا و مطلوب را، در مقابل پروردگار، زیاد نشمارید. از خدا، خواسته‌های بزرگ بخواهید و خدای متعال برآورده می‌کند. در امید به دعا را به روی خودتان نبندید و این راه و وسیله‌ای را که خدای

متعال بین خود و بندگانش قرار داده است، بر روی خودتان مسدود نکنید. البتّه باز در أبواب کتب روایی دارد: «**کَرَاهَةَ الْعَجَلَةِ فِی الدُّعَاءِ وَ تَعْجِیلِ الِانْصِرَافِ مِنْهُ وَ اسْتِعْجَالِ الْإِجَابَةِ**»[۱]؛ یعنی در دعا عجله نکنید. اگر چیزی را خواستید و در زمانی که شما خواستید برآورده نشد، نگوئید که خدای متعال دعای مرا مستجاب نکرد؛ نه. «**الْأُمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا**».[۲] در روایت دارد: بنی اسرائیل بعد از آنکه خدای متعال وعده داد آنان را نجات خواهد داد، چهل سال دعا کردند و بالاخره شد. کار بزرگی هم انجام شد. غرق فرعون و پیروزی موسی بر فرعون، امری نیست که چهل سال تلاش، برای آن زیاد باشد. عجله نکنید! با توجّه، خدا را بخوانید و هرچه می‌خواهید از خدا بخواهید که در بعضی از دعاها، این معنا را دارد. در دعایی این‌گونه وارد است که «**إِلَهِی طُمُوحُ الْآمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَیْکَ وَ مَعَاکِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَیْکَ**»[۳] یعنی آرزوهای زیاد در هر دری و نزد هرکسی که مطرح گردد، مردود می‌شود، مگر در پیشگاه تو. در پیشگاه تو، خواسته‌های زیاد هم برآورده می‌شود.[۱۴۰]

بزرگ نشمردن حاجات

یک مطلب دیگر در باب دعا این است که برای برآمدن حاجات، هیچ حاجتی را آن قدر بزرگ نشماریم که بگوئیم: «این *حاجت* را دیگر نمی‌شود از خدا خواست، چون خیلی بزرگ است». نه. اگر حاجت، به خلاف طبیعت و سنن آفرینش نیست، اگر محال نیست، هرچه هم بزرگ باشد، مسأله‌ای نیست و از خدا بخواهید.[۱۴۱]

---

(۱) وسائل‌الشیعة؛کتاب الصّلاة؛ أبواب الدّعاء؛ باب ۱۷.

(۲) بحارالأنوار ج:۷۴ ص:۱۶۶ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

(۳) بحارالأنوار ج:۸۶ ص:۳۰۶ ؛ ألصّادِقُ علیه السلام

ابا نداشتن از طرح خواسته‌های کوچک

ضمناً، از کوچک بودن خواسته هم ابا نداشته باشید. *خواسته‌های کوچکِ* کوچک را هم از خدا بخواهید. در روایت است که حتّی بندِ کفش خود را - که چیز خیلی حقیری است - از خدا بخواهید. روایتی است از امام باقر علیه‌السلام که می‌فرماید: «**وَ لَا تُحَقِّرُوا صَغِيراً مِنْ حَوَائِجِكُمْ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَسْأَلُهُم**»[1]؛ «حاجتهای کوچک را حقیر نشمارید و از خدا بخواهید».[۱۴۲]

تدبّر در معنای دعاها

دعا را باید شناخت. دعا در عین اینکه دل انسان را با خدا متّصل و جان آدمی را سرشار از صفا و معنویت می‌کند، فکر و ذهن او را هم هدایت می‌نماید. این دعاها درس است. اگر در معانی این دعاها *تدبّر* کنیم، بزرگترین هدیه‌های معنوی الهی را در این‌ها خواهیم یافت.[۱۴۳]

فهم معانی

خیلی اهمیّت دارد که در قرائت دعاها، قطع و وصل جملات، صحیح و بجا باشد؛ تا آن‌کس که *معنای دعا* را می‌فهمد، حالش خراب نشود! مثلاً خوانده می‌شود: «**بأبی انتم و امّی طبتم، و طابت الأرض الّذی فیها دفنتم**»؛ در صورتی که باید گفته شود: «**بِأَبِی أَنْتُمْ وَ أُمِّی طِبْتُمْ وَ طَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِی فِيهَا دُفِنْتُمْ**».[2] این دعاها عبارات زیبایی است که اگر در قطع و وصل آن دقّت نشود، واقعاً به زیبایی آن لطمه می‌خورد.[۱۴۴]

اگر کسی معنای دعا، مثلاً دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی، یا دعای امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه را *بفهمد و توجّه کند* که هر دو خیلی طولانی

---

(۱) مستدرک‌الوسائل ج:۵ ص:۱۷۲ ؛ اَلْبَاقِرُ علیه‌السلام

(۲) بحارالأنوار ج:۹۸ ص:۲۰۰.

هستند و چون گاهی انسان معنا را هم می‌داند، اما توجّه نمی‌کند، ذهنش جاهای دیگر می‌رود امکان ندارد از این دعای به این بلندی خسته شود. یعنی این گفتگویی که در این دعا انجام گرفته، بین آن بنده‌ی برگزیده و شایسته و بامعرفت و خدا، این‌قدر پُرجاذبه و نافذ و حقیقی است یعنی بیان‌کننده‌ی آن خواستهای فطری انسان است که امکان ندارد کسی هیچ‌وقت از آن خسته شود.[۱۴۵]

❁ البتّه باید معنای *این دعاها را بفهمیم*. خوشبختانه الآن ترجمه‌های خوب وجود دارد و مفاتیح الجنان و دعاهای گوناگون ترجمه شده‌است. با توجّه به ترجمه‌ها، دقّت کنند و بخوانند. البتّه تا آنجایی که ما دیده‌ایم، هیچ ترجمه‌ای نتوانسته زیبایی‌های الفاظ این دعاها را منعکس کند؛ ولی بالاخره مضمون دعا معلوم است. با توجّه به این ترجمه‌ها دعاها را بخوانند. کسانی که می‌خوانند و با آن‌ها عدّه‌ای هم‌صدا می‌شوند، بعضی از فقرات دعا را لااقل ترجمه کنند. البتّه مرتبه‌ی پائین‌ترش هم این است که اگر انسان معنای دعا را نمی‌فهمد، همین‌قدر احساس کند که با یک زبانِ شیفته‌ی حاکی از سوز دل دارد با خدای متعال حرف می‌زند.[۱۴۶]

توجّه

❁ آنجا که *توجّهِ* لازم را در حال دعا داشته باشیم، دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر.[۱۴۷]

❁ یکی از شرایط استجابت دعا این است که آن را با *توجّه* مطرح کنیم. گاهی لقلقه‌ی زبان، جملاتی چون «خدایا ما را بیامرز»، «خدایا به ما سعه‌ی رزق بده» و «خدایا قرض ما را ادا کن» است. ده سال انسان این‌گونه دعا می‌کند، اصلاً مستجاب نمی‌شود. این فایده‌ای ندارد. یکی از شرایط دعا این است که فرمود: «**وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ دُعَاءً مِنْ قَلْبٍ**

غَافِلٍ»[۱] «خداوند متعال، از صاحب دلِ غافل- دلی که متوجّه نیست چه خواسته‌ای را مطرح می‌کند و با که دارد حرف می‌زند- دعایی را قبول نمی‌کند». معلوم است که دعایِ دارای این ویژگیها، مستجاب نمی‌شود. باید تضرّع کنید و جدّی بخواهید. باید از خدای متعال با الحاح بخواهید. باز بخواهید و باز بخواهید. در این صورت البتّه خدای متعال دعاها را مستجاب خواهد کرد.[۱۴۸]

۞ لذا من توصیه می‌کنم که ارتباطات بچه‌ها با خدا، ارتباطاتِ با *توجّه* و باحالی باشد؛ بخصوص نمازها را با حال بخوانند. دعا که می‌خوانند، با حال و با توجّه بخوانند و بدانند با چه وجودی حرف می‌زنند و چه می‌خواهند و بدانند این خواست، پاسخ دارد. در قرآن، به ما گفته شده‌است: «**ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَكُمْ**»[۲]؛ مرا بخوانید تا به شما پاسخ دهم.[۱۴۹]

۞ دعا، وسیله‌ای در کنار وسایل دیگر است...این، البتّه بدان معنا نیست که هرچه شما خواستید و هر طور آن را با خدای متعال در میان گذاشتید، برآورده خواهد شد؛ نه. شرایطی دارد، آدابی دارد؛ مثل همه‌ی اسباب عادی و مثل همه‌ی خواستنها. اگر شما از دوستتان هم چیزی بخواهید، آداب و تشریفاتی دارد. ادب مخصوص دعا را باید به کار گرفت و عمده‌ترین آداب، این است که انسان به خدای متعال *توجّه* کند و با همه‌ی دل، از خدا بخواهد. هنگامی که قلب انسان رقیق می‌گردد و توجّهی پیدا می‌شود، وقت دعاست. آن‌وقت اگر از خدا بخواهید، غالب این است که مقصود برآورده می‌شود. مگر مواردی که در علم الهی، مصالحی وجود دارد که آن مصالح را ما نمی‌دانیم و خدای متعال، به خاطر دعای من و شما مصالح عمومی

---

(۱) بحارالأنوار ج:۷۴ ص:۱۷۵ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

(۲) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

آفرینش، یا مصالح یک ملت را به هم نمی‌ریزد. آن‌جا که سر راه خواسته‌ی ما، مصلحت بزرگی مانع نباشد و آن‌جا که توجّه لازم را در حال دعا داشته باشیم، دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر.[۱۵۰]

حضور قلب

یکی دیگر از شرایط استجابت دعا، *حضور قلب* و خشوع است. همان‌طور که عرض کردیم، معنای دعا این است که شما با خدا حرف بزنید؛ خدا را در مقابل خود احساس کنید و حاضر و ناظر بدانید. اینکه انسان همین‌طور طبق عادت چیزی را بر زبان بیاورد و مطالبه‌ای را ذکر کند- خدایا ما را بیامرز، خدایا پدر و مادر ما را بیامرز- بدون اینکه در دل خود حقیقتاً حالت طلبی را احساس کند، این دعا نیست؛ لقلقه‌ی لسان است. «**لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ**»(۱)؛ دل غافل و بی‌توجّه و سربه‌هوا اگر دعا کند، خدای متعال دعایش را قبول نمی‌کند. دلهای آلوده و غرق در تمنّیات و شهوات نفسانی- که اصلاً غافلند- چگونه دعا خواهند کرد؟ چه توقّعی است که اگر انسان این‌طور دعا کرد، مستجاب شود؟[۱۵۱]

همان دعایی که در آن، حاجت خود را می‌خواهید، آن دعا را با توجّه، با تضرّع و با *حضور قلب* بخوانید و دلتان را به خدا نزدیک کنید.[۱۵۲]

مطالبه‌ی حقیقی

مهم‌ترین خاصیّت دعا- که من قبلاً هم درباره‌ی آن قدری صحبت کرده‌ام- همین ارتباط با خدا و احساس عبودیت در مقابل خداوند، بزرگترین اثر و خاصیّت خداست؛ از خدا *خواستن*، که آن‌وقت خدای متعال هم اجابت خواهد کرد.[۱۵۳]

در دعا، طلب کردن و خواستن از خدای متعال و *حقیقتاً مطالبه*

---

(۱) وسائل‌الشیعة ج:۷ ص:۵۴ ؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام

کردن لازم است. این دعا مستجاب می‌شود. اگر عمل و تلاش در راه اهداف بزرگ، همراه این دعا باشد، اقبال استجابت این دعا واقعاً بیشتر است. آن‌وقتی که دعا استمرار پیدا کند، حتماً اقبال استجابت در این دعا بیشتر است. اگر دیده شد که یک دعا چند بار تکرار گردید و مستجاب نشد، نباید مأیوس شد؛ بخصوص در مسائل بزرگ، بخصوص در مسائل مربوط به سرنوشت انسان و سرنوشت کشور و سرنوشت ملتها؛ چون گاهی طبیعت کارهای بزرگ چنین است که تحقّقش زمان می‌طلبد.[۱۵۴]

❁ عمده این است که شما به معنای حقیقی کلمه و با همین شرایط، *طلب کنید*؛ خدای متعال این طلب را اجابت خواهد کرد.[۱۵۵]

❁ بهترین دعا آن است که از سر معرفتی عاشقانه به خدا و بصیرتی عارفانه به نیازهای انسان انشا شده باشد، و این را فقط در مکتب پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت طاهرین او- که اوعیه‌ی علم پیامبر ﷺ و وراث حکمت و معرفت اویند - می‌توان جست.[۱۵۶]

شروط مرتبط با قلب و دل دعا کننده

با همه‌ی دل

❁ ادب مخصوص دعا را باید به کار گرفت و عمده‌ترین آداب، این است که انسان به خدای متعال توجّه کند و *با همه‌ی دل*، از خدا بخواهد.[۱۵۷]

حرف زدن از دل

❁ شاید در ماه شعبان، بتوانیم با ذخیره‌ای که از این ماه گرفته‌ایم، آن مناجات پرسوز و گداز و پرمضمون را با نفس حقیقی بخوانیم نه فقط الفاظ آن را مرور کنیم و حقیقتاً از دل، با زبان آن مناجات *با خدا حرف بزنیم*.[۱۵۸]

دل پاک و زبان صادق

در روایت دیگر دارد که خدای متعال بـه حـضرت موسـی خطـاب فرمود: «**يَا مُوسَى ادْعُنِي بِالْقَلْبِ النَّقِيِّ وَ اللِّسَانِ الصَّادِقِ**»[۱] بـا *دل پـاک و زبان راستگو* با خدای متعال حرف بزنید و دعا کنید؛ دعا قطعاً مستجاب خواهد شد.[۱۵۹]

معطّر و مزیّن کردن دل

اگر دل توانست *با یاد خدا خود را معطّر و مزیّن کند*، بدون تردیـد اجابت الهی برای او میسّر خواهد شد؛ «**أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ**»[۲] [۱۶۰]

رقّت قلب

هنگامی که *قلب انسان رقیق می‌گردد* و توجّهی پیدا می‌شـود، وقـت دعاست. آن‌وقت اگر از خـدا بخواهیـد، غالـب ایـن اسـت کـه مقـصود برآورده می‌شود.[۱۶۱]

سوز دل

اگر انسان معنای دعا را نمی‌فهمد، همین‌قدر احساس کند که با یک *زبانِ شیفته‌ی* حاکی از *سوز دل* دارد با خدای متعال حرف می‌زند.[۱۶۲]

طراوت دل

اوّلین شرط دعا این است که با *دل باطراوت و بی‌آلایش* درخواسـت شود؛ مثل دل جوانها؛ لذا دعای جوانان اقبال و احتمال اجابت را بـیش از همه دارد. گاهی بعضی‌ها به بنده می‌گویند برای جوانهـای مـا دعـا کـن. البتّه ما همیشه برای همه‌ی جوانها دعا می‌کنیم؛ اما در واقع ایـن جوانهـا

---

(۱) بحارالأنوار ج: ۹۰ ص: ۳۴۱ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

(۲) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

هستند که اگر قدر دل بی‌آلایش و باطراوت خود را بدانند، دعـای آن‌هـا از هر دعایی می‌تواند به استجابت نزدیک‌تر باشد.[۱۶۳]

توبه و اجتناب از گناه

توبه

۞ یکی دیگر از شرایط دعا، اجتناب از گناه و *توبه* است. این شب‌ها هم شب‌های توبه است. همه دچار گناه و تخلف هستیم. تخلف‌هـا کوچـک و بزرگ دارد. از خدای متعال باید عذرخواهی و استغفار و طلـب بخـشش و توبه کنیم و به سوی خدا برگردیم. عزم ما باید این باشد که از ما گناه سـر نزند. گاهی انسان عزم می‌کند و تصمیم می‌گیرد که گناه نکند؛ بعـد دچـار غفلت و اشتباه می‌شود و لغزش پیدا می‌کند؛ باز همـین گنـاه سـراغ انـسان می‌آید؛ بار دیگر باید توبه و اسـتغفار کنـد؛ منتهـا اسـتغفار بایـد جـدّی و حقیقی باشد. گناه نکردن باید یک قصد واقعی و جدّی باشد.[۱۶۴]

۞ بعضی‌ها دعا و عبادت و *توبه* را مـی‌گذارنـد بـرای دوران پیـری؛ ایـن اشتباه بزرگی است. اگر گفته شود توبه کنید، می‌گویند حالا وقـت داریـم. اوّلاً معلوم نیست وقت داشته باشیم؛ مرگ انسان را مطلع نمـی‌کنـد؛ بـرای همه‌ی سنین هم است. اگر فرض کردیم حقیقتاً وقت داریم- یعنی بناست به سنین پیری برسیم- چنانچه کسی خیال کند که می‌شود دوران جوانی را بـا غفلت و غرق شدن در شهوات گذراند، بعد با خیال راحت و بـا آسـانی بـه سراغ توبه رفت، اشتباه بزرگی مرتکب شده‌است. حالت دعا و انابه چیـزی نیست که انسان هر وقت اراده کرد، برای او پیش بیاید. گاهی می‌خـواهیم، نمی‌شود؛ دنبال حال و توجّه هـستیم، دسـت نمـی‌دهـد؛ «**ذلِکَ بِما قَدَّمَتْ یَداکَ**».[۱] انسانی که زمینه‌ی توجّه به خدا و رجوع إلی اللّه را در خـودش

---

(۱) سوره‌ی حج، آیه‌ی ۱۰.

به وجود نیاورده باشد، این‌طور نیست که هروقت اراده کرد، بتواند در خانه‌ی خدا برود. شما می‌بینید بعضی دلهای پاک- غالباً جوانها- خیلی راحت می‌توانند ارتباط برقرار کنند؛ اما بعضی هرچه تلاش می‌کنند، این ارتباط برقرار نمی‌شود. کسانی که فرصتی دارند و می‌توانند دل خودشان را نرم نگه دارند، قدر بدانند و رابطه‌ی خود را با خدا حفظ کنند؛ تا هروقت خواستند در خانه‌ی خدا بروند، بتوانند.[۱۶۵]

ترک گناهان

یکی دیگر از شرایط دعا، اجتناب از گناه و توبه است.[۱۶۶]

خروج از مظالم

درباره‌ی دعا و استجابت دعا در روایت دارد که: «**وَ لْيَخْرُجْ مِنْ مَظَالِمِ النَّاس**»[(۱)]؛ انسان باید از مظلمه‌ی مردم خارج شود تا دعایش قبول شود. در روایت دیگر دارد که خدای متعال به حضرت موسی خطاب فرمود: «**يَا مُوسَى ادْعُنِي بِالْقَلْبِ النَّقِيِّ وَ اللِّسَانِ الصَّادِقِ**».[(۲)] با دل پاک و زبان راستگو با خدای متعال حرف بزنید و دعا کنید؛ دعا قطعاً مستجاب خواهد شد.[۱۶۷]

عمل

البتّه نه دعای تنها و دعای بدون عمل. هیچ فایده‌ای ندارد که انسان در عمل را ببندد و به دعا اکتفا کند. اما در کنار عمل، در کنار اقدام، در کنار به کار انداختن همّت و تلاش، خواستن از خدا را نیز باید قرار بدهیم. این دعا، حاجات را برای انسان برآورده می‌سازد. لذا ملاحظه می‌کنید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، در میدان جنگ، بعد از آنکه همه‌ی کارها

---

(۱) بحارالأنوار ج: ۹۰ ص: ۳۲۱ ؛ ألصَّادِقُ علیه السلام.

(۲) بحارالأنوار ج: ۹۰ ص: ۳۴۱ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

را انجام داده است، دعا هم می‌کند. بنابراین، یکی از وظایف ماست که دعا کنیم، تا از این راه به حاجات و اهداف و مقاصد خودمان نائل شویم.[۱۶۸]

❁ کسی نمی‌تواند بگوید که پیغمبر و مسلمانان صدر اسلام، تلاش و کار نمی‌کردند. بالاتر از تلاش آن‌ها دیگر تلاش وجود ندارد. در آن ده سال که پیغمبر حاکمیت جامعه‌ی اسلامیِ آن روز را در اختیار داشت، سالهایی یکسره توأم با کار و تلاش بود. اما درعین‌حال، با وجود آن کار و تلاش و در کنار آن، دعا و تضرّع و انابه و *استغفار و طلب و مسئلت* از پروردگار عالم هم جای خود را داشت.[۱۶۹]

❁ در اینجا، چند سؤال مطرح می‌شود: یکی اینکه، اگر دعا، چنین نقش معجزآسایی دارد، پس این وسایل دنیوی و این ابزارها و علم و صنعت و نظایر آن چیست؟ جواب این است که دعا رقیب ابزارهای مادّی نیست. این طور نیست که وقتی انسان می‌خواهد به مسافرت برود، یا با خودرو و قطار و هواپیما عازم شود و یا با دعا برود! همچنین این طور نیست که اگر انسان بخواهد وسیله‌ای به دست آورد، یا پول خرج کند و یا اگر پول نداشت به دعا متوسّل شود و آن وسیله را به دست آورد! معنای دعا این است که شما از خدا بخواهید تا او این وسایل را جور بیاورد. آن‌وقتْ علل مادّی، هرکدام در جای خودشان قرار می‌گیرند. دعای مستجاب این‌گونه است.[۱۷۰]

❁ بنابراین، دعا موجب نشود کسی تنبلی کند. دعا موجب نشود که کسی از دانش و علم و ابزار مادّی و علّت و معلولِ طبیعی، دست بشوید؛ نه. دعا رقیب آن‌ها نیست، بلکه در طول آن‌هاست. دعا، جورآورنده‌ی آن‌هاست.[۱۷۱]

❁ معجزه در موارد استثنایی رخ می‌دهد و در غیرِ مواردِ استثنایی، دعا جورکننده‌ی روال عادی است. وقتی شما از خدا می‌خواهید حادثه‌ای اتفاق بیفتد که به آن نیاز دارید، در کنار دعا، باید نیرویتان را هم به کار

ببندید. مثلاً اگر احساس تنبلی به شما دست می‌دهد و دعا می‌کنید که خدای متعال این احساس را از شما بگیرد، در کنار دعا، باید اراده و همّت نیز به خرج دهید. یعنی در اینجا هم، باز وسیله‌ی مادّی و وسیله‌ی طبیعیِ دیگری هست که همان همّت کردن است. باید همّت و اراده کنید. هیچ‌کس خیال نکند که اگر در خانه بنشینیم و به تلاش و اقدام نپردازیم، حتّی اراده هم نکنیم و فقط به دعا مشغول باشیم، خدا حاجاتمان را برآورده می‌کند؛ نه. چنین چیزی امکان ندارد. پس، دعا در کنار تلاش و با تلاش است. بعضاً خیلی از تلاشها به نتیجه نمی‌رسد؛ اما همین که دعا کردید، به نتیجه خواهد رسید.[۱۷۲]

❁ چند نفر خدمت رسول اکرم آمدند و از شخصی تعریف کردند و گفتند: یا رسول اللّه! ما با این مرد هم‌سفر بودیم و او مرد بسیار خوب و پاک و با خدایی بود، دائماً عبادت می‌کرد، در هر منزلی که فرود می‌آمدیم، از لحظه‌ی فرود تا وقتی که مجدّداً سوار می‌شدیم، او مشغول نماز و ذکر و قرآن و این‌ها می‌شد. وقتی که این تعریفها را کردند، پیامبرﷺ با تعجب از آن‌ها سؤال کردند: پس چه کسی کارهایش را می‌کرد؟ کسی که وقتی از مرکب پیاده می‌شود، دائم مشغول نماز و قرآن است، چه کسی غذای او را می‌پخت؟ چه کسی وسایل او را فرود می‌آورد و سوار می‌کرد؟ چه کسی کارهایش را انجام می‌داد؟ این‌ها در جواب گفتند: یا رسول اللّه! ما با کمال میل، همه‌ی کارهای او را انجام می‌دادیم. پیامبر فرمود: «**كُلُّكُمْ خَيْرٌ مِنْهُ**».[۱]

❁ همه‌ی شما از او بهترید. اینکه او کار خودش را انجام نمی‌داد و به دوش شما می‌انداخت و خود مشغول عبادت می‌شد، موجب نمی‌شود که

---

(۱) بحارالأنوار ج:۷۳ ص:۲۷۴ ألرسولﷺ.

او مرد خوبی باشد.[۱۷۳]

البتّه غالباً این طور است. ضمناً بعضی مواقع، خدای متعال معجزه هم نشان می‌دهد که آن بحث دیگری است. معجزه در موارد استثنایی رخ می‌دهد و در غیرِ مواردِ استثنایی، *دعا جورکننده‌ی روال عادی است*. وقتی شما از خدا می‌خواهید حادثه‌ای اتفاق بیفتد که به آن نیاز دارید، در کنار دعا، باید نیرویتان را هم به کار ببندید. مثلاً اگر احساس تنبلی به شما دست می‌دهد و دعا می‌کنید که خدای متعال این احساس را از شما بگیرد، در کنار دعا، باید اراده و همّت نیز به خرج دهید. یعنی در این‌جا هم، باز وسیله‌ی مادّی و وسیله‌ی طبیعیِ دیگری هست که همان همّت کردن است. باید همّت و اراده کنید. هیچ کس خیال نکند که اگر در خانه بنشینیم و به تلاش و اقدام نپردازیم، حتّی اراده هم نکنیم و فقط به دعا مشغول باشیم، خدا حاجاتمان را برآورده می‌کند؛ نه. چنین چیزی امکان ندارد. پس، دعا در کنار تلاش و با تلاش است. بعضاً خیلی از تلاشها به نتیجه نمی‌رسد؛ اما همین که دعا کردید، به نتیجه خواهد رسید. این، یک نکته.[۱۷۴]

زمان‌ها و موقعیت‌های برتر

رجب

از این ایّام استفاده بردن و معنویت را تقویت کردن و با خدا ارتباط برقرار کردن و ذکر و دعا و توسّل را اهمیّت دادن از وظایف است.[۱۷۵]

شعبان

شاید در ماه *شعبان*، بتوانیم با ذخیره‌ای که از این ماه گرفته‌ایم، آن مناجات پرسوز و گداز و پرمضمون را با نفس حقیقی بخوانیم نه فقط الفاظ آن را مرور کنیم و حقیقتاً از دل، با زبان آن مناجات با خدا حرف بزنیم.[۱۷۶]

رمضان

۞این ماه، *ماه روزه* است؛ ماه نزول قرآن و انس با قرآن است؛ ماه عبادت و دعا و مناجات است که دعا مغز و روح عبادت است.[۱۷۷]

۞امسال اتفاقاً بهار طبیعت، با بهار دعا و قرآن، هم‌زمان شده‌است. چند روز دیگر، *ماه مبارک رمضان* شروع خواهد شد که بهار نوسازی و خودسازی انسان و بهار انس با خداست.[۱۷۸]

۞*ماه رمضان* را مغتنم بشمارید. این روزها را با روزه‌داری، و این شبها را با ذکر و دعا به سر ببرید. فصل دعا هم، همین ماه مبارک است. اگرچه همیشه انسان باید با رشته‌ی دعا به خدا متّصل باشد، اما آیه‌ی «**وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ**»[(۱)] در سوره‌ی بقره، در خلال همین آیات مبارکه‌ی مربوط به روزه و ماه رمضان است. در وسط آیات روزه و ماه رمضان، این آیه‌ی »و اذا سألک عبادی عنّی فانّی قریب« آمده، که همه‌ی انسانها و همه‌ی بندگان را به دعا و توجّه سوق می‌دهد و دعوت می‌کند.[۱۷۹]

عید فطر

۞در نماز *عید فطر* دعا، تضرُّع، گریه و توجّه به خدا هست.[۱۸۰]

ایّام معلومات

۞*ایّام* حج همراه با شوق و حنین دلهای شیفته است که ...ایّام معلومات را در سایه‌ی ذکر و نیایش بگذرانند.[۱۸۱]

پیروزی

۞دعا چیز عجیبی است. لذا در طول تاریخ صدرو اوّل اسلام همه جا دعا هست. پیغمبر در جنگ بدر هم دعا کرد، در جنگ احد هم دعا

---

(۱) سوره‌ی بقرة، آیه‌ی ۱۸۶.

کرد؛ یعنی دعا *پیروزی* و شکست نمی‌شناسد. دعا یعنی ارتباط و اتّکال انسان با خدا، آن‌وقتی هم که انسان در اوج قدرت و پیروزی است باز هم محتاج دعا است؛ باید با خدا حرف بزند، باید از خدا بخواهد. قرآن به پیغمبر ما دستور داد که «**إذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْح**» وقتی یاری خدا رسید و پیروزی نصیب شد «**وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْواجا**» و دیدی که مردم دسته‌دسته و فوج‌فوج به اسلام وارد می‌شوند، تازه «**فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْه**»[۱] تازه اوّل انابه‌ی تو است، اوّل عرض نیاز تو به درگاه قادر متعال است. ملت ما از وقتی پیروزی را به دست آورد آستانه‌ی دعا را رها نکرد. ببینید امروز در جامعه‌ی ما چقدر دعا و توجّه به خدا زیاد است؛ راز پیروزی ما هم همینهاست.[۱۸۲]

نماز

❁ *نماز* را با توجّه، با خضوع، با ذکر و با دعا بجا بیاورند.[۱۸۳]

اضطرار و سختی

❁ ببینید! انسان در آن حال که فرضاً فرزند یا عزیزی از عزیزانش دچار بیماری است و در خانه‌ی خدا رفته و حال دعا پیدا کرده‌است، چگونه از خدا طلب می‌کند؟[۱۸۴]

❁ انبیای الهی در *مواقع سختی* دعا می‌کردند و از خدای متعال کمک می‌خواستند: «**فَدَعا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِر**»[۲] که از قول حضرت نوح علیه‌السلام نقل شده‌است. یا از قول حضرت موسی علیه‌السلام نقل شده‌است: «**فَدَعا رَبَّهُ أَنَّ هؤُلاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُون**».[۳] موسی به خدا شکایت کرد و به او پناه برد.[۱۸۵]

---

(۱) سوره‌ی نصر، آیات ۱-۳.

(۲) سوره‌ی قمر، آیه‌ی ۱۰.

(۳) سوره‌ی دخان، آیه‌ی ۲۲.

فصل چهارم:
فواید و دستاوردهای دعا

سه دستاورد عمده‌ی دعا: رشد روحیه‌ی خاکساری، کسب معارف، دریافتِ حاجات

رشد روحیّه‌ی ذلّت و خاکساری

توجّه پیدا کردن به عجز و حقارت و تهی‌دستیِ خودمان

از کوچک بودن خواسته هم ابا نداشته باشید. خواسته‌های کوچکِ کوچک را هم از خدا بخواهید. در روایت است که حتّی بندِ کفش خود را - که چیز خیلی حقیری است - از خدا بخواهید. روایتی است از امام باقر علیه‌السلام که می‌فرماید: «**لَا تُحَقِّرُوا صَغِيراً مِنْ حَوَائِجِكُمْ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَسْأَلُهُم**»[1]؛ «حاجتهای کوچک را حقیر نشمارید و از خدا بخواهید». خوب؛ انسان به بند کفش احتیاج دارد؛ به در مغازه می‌رود و می‌خرد. این هم دعا لازم دارد؟! بله! تا احساس کردید که به بند کفش و یا هر چیز دیگر به این کوچکی نیاز دارید، دل را متوجّه خدا کنید و بگوئید: «پروردگارا! این را هم به من برسان.» رساندنش به چه ترتیب است؟ به این ترتیب است که پول در جیبم بگذارم، سر کوچه بروم، از مغازه بخرم و بعد هم آن را مورد استفاده قرار دهم. به‌هرحال، باید از

---

(۱) مستدرک‌الوسائل ج:۵ ص:۱۷۲ ؛ اَلْبَاقِرُ علیه‌السلام.

خدا بخواهید. اگرچه به در مغازه رفتید، پول دادید و بند کفش خریدید؛ اما بازهم آن را خدا به شما داد. از غیر طریق خدا که چیزی به دست انسان نمی‌رسد. هرچه به ما می‌رسد خدا به ما می‌دهد.

چیزی را که خدا می‌دهد، قبلاً باید از خدا بخواهیم. چرا بخواهیم؟ یکی از علل اینکه گفته‌اند حاجات کوچک را هم از خدا بخواهید، این است که به *حوائج و عجز و حقارت و تهی‌دستی* خودمان توجّه پیدا کنیم تا ببینیم که چقدر تهی‌دستیم. اگر خدای متعال کمک نکند، امکان ندهد، نیرو ندهد، فکر ندهد، ابتکار ندهد و وسایل را جور نیاورد، همان بندِ کفش هم به دست ما نخواهد رسید. اگر شما به قصد خریدنِ بند کفش از خانه بیرون آمدید، در راه، جیبتان را زدند یا پولتان گم شد و یا مغازه‌ی مورد نظر، بسته بود و یا در بین راه، حادثه‌ی مهمّی پیش آمد که مجبور شدید برگردید، بند کفش گیرتان نیامده‌است. بنابراین، هر چیز را از خدا بخواهید؛ حتّی بند کفش را، حتّی کوچک‌ترین اشیا را و حتّی قوت روزانه‌ی خود را. بگذارید این منِ دروغینِ عظمت یافته در سینه‌ی ما- که می‌گوئیم «من» و خیال می‌کنیم مجمع نیروها ما هستیم- بشکند. این «من» انسانها را بیچاره می‌کند. این هم مطلبی در باب دعا که انسان خواسته‌های خود را از طریق دعا به دست آورد.[۱۸۶]

سرکوبیِ خودبینی و خودخواهی

اگر این خودبینی و خودخواهی در مقابل خداوند متعال باشد- یعنی انسان خود را در مقابل پروردگار قرار بدهد- نتیجه‌ی آن در انسان، طغیان است: طاغوت. طاغوت هم فقط پادشاهان نیستند؛ هرکدامِ از ما انسانها ممکن است در درون خودمان- خدای نکرده- یک طاغوت و یک بت تربیت کنیم و پرورش بدهیم. در مقابل خدا سرکشی کردن و

خودبینی داشتن، نتیجه‌اش عبارت از رشد طغیان در انسان است. اگر این خودبینی در مقابل انسانهای دیگر باشد، نتیجه‌اش می‌شود نادیده گرفتن حقوق دیگران؛ تجاوز و دست‌درازی به حقوق این و آن. اگر این خودبینی در مقابل طبیعت واقع بشود، نتیجه‌اش می‌شود تضییع محیط طبیعی؛ یعنی آنچه که امروز به حق درباره‌ی مسئله‌ی محیط زیست در دنیا اهتمام هست. نادیده گرفتن محیط طبیعی زیست انسان هم، نتیجه‌ی طغیان، خودبینی و خودخواهی در مقابل طبیعت است.

دعا ضد همه‌ی این‌هاست. دعا که می‌کنیم، در واقع این حالت خشوع را در خود به وجود می‌آوریم و خودبینی و خودخواهی را در خود سرکوب می‌کنیم، و در نتیجه، جهان هستی و محیط زندگی انسانها از طغیان و تجاوز به حقوق و طبیعت محفوظ می‌ماند. لذا فرمود: «**أَلدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ**»[۱]؛ مغز هر عبادتی، دعاست. عبادات برای همین است که بتواند انسان را در مقابل خدای متعال خاشع و دلش را نیز مطیع و تسلیم کند. این اطاعت و خشوع در مقابل خداوند هم از نوع تواضع و خشوع و خضوع انسانها در مقابل یکدیگر نیست؛ بلکه به معنای خشوع و خضوع در مقابل خیر مطلق، جمال مطلق، حُسن مطلق و فضل مطلق اوست.[۱۸۷]

❁ مطلب اصلی دعا چیست؟ خشوع در مقابل پروردگار. اصل دعا، این است. این‌که می‌بینید از قول پیغمبرﷺ نقل شده‌است که فرمود: «**أَلدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ**»[۲]؛ «مغز عبادت دعاست» به خاطر آن است که در دعا حالتی وجود دارد که عبارت است از وابستگی مطلق به پروردگار و خشوع در مقابل او. اصل عبادت هم این است. لذاست که در ادامه‌ی آیه‌ی شریفه‌ی

---

(۱) وسائل‌الشیعة ج:۷ ص:۲۷ ؛ ألرسولﷺ.

(۲) وسائل‌الشیعة ج:۷ ص:۲۷ ؛ ألرسولﷺ.

«**وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ**» می‌فرماید: «**إِنَّ الَّذینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرین**»[۱] اصل دعا این است که انسان در مقابل خدای متعال، خود را از انانیّت دروغین بشری بیندازد. اصل دعا، خاکساری پیش پروردگار است.[۱۸۸]

شکستن نفسانیتها

خاصیّت دعا این است که *نفسانیتها را می‌شکند*. لذاست که گفته‌اند: حتّی چیزهای کوچکت را هم از خدا بخواه تا بفهمی که حقیری. بدانی که گاهی اوقات، یک پشه یا مگس، انسان را از کار می‌اندازد، و آسایش وی را می‌گیرد: «**وَ إِنْ یَسْلُبْهُمُ الذُّبابُ شَیْئاً لا یَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ**».[۲] این است که دعا برای تضرّع پیش خداست؛ برای عرض حاجتْ پیش خداست؛ برای تواضع و برای بیرون آمدن از پوسته‌ی دروغین استکبار و استعلاست. خدای متعال، گاهی برای من و شما مشکلاتی به وجود می‌آورد، تا وادار به تضرّع و توجّه و خشوعمان کند. همان‌طور که در آیات کریمه‌ی قرآن می‌فرماید: «**وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا إِلی أُمَمٍ مِنْ قَبْلِکَ فَأَخَذْناهُمْ بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ یَتَضَرَّعُونَ فَلَوْ لا إِذْ جاءَهُمْ بَأْسُنا تَضَرَّعُوا وَ لکِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطانُ ما کانُوا یَعْمَلُون**».[۳] این تضرّع، نه برای خاطر خدا، که به خاطرِ خودِ ماست. خدا احتیاجی به تضرّع من و شما ندارد:

تیشه زان بر هر رگ و بندم زنند تا که با مهر تو پیوندم زنند

---

(۱) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

(۲) سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷۳.

(۳) سوره‌ی أنعام، آیات ۴۲- ۴۳.

این حالت تضرّع است که دل را از عشق خدا پر می‌کند؛ انسان را با خدا آشنا می‌کند؛ انسان را از خودبینی و خودنگریِ فسادانگیز تهی می‌کند و او را از نورِ مقدّس پروردگار و لطفِ الهی، سرشار می‌سازد. قدرِ این را بدانید که از همه چیز بالاتر است.[۱۸۹]

مهار نفس

همه‌ی انسانها مبتلا به این پیل مست در درون وجود خودشان هستند که *باید این را مهار کنند*. این مهار با ذکر خداست؛ با یاد خداست؛ با پناه بردن به خداست؛ با احساس نیاز به پروردگار است؛ با احساس حقارت خود در مقابلِ عظمت الهی است؛ با احساس زشتی‌های خود در مقابل جمال مطلق حقِّ متعال است. این‌ها همه‌اش ناشی از ذکر است. انسانی که باتقواست، یعنی مراقب خودش هست و متذکر هست، منشأ شر و ظلم و فساد و طغیان و بدی به این و آن نمی‌شود. آن ذکر الهی مرتب دارد او را نهی می‌کند؛ مرتب دارد او را بازمی‌دارد.[۱۹۰]

کسبِ معارف

واقعاً این دعاها پُر از *معارف* است؛ که اگر این‌ها را از حالت دعا بیرون بیاورند، معارف اسلامیِ متین و اصیل و قوی‌یی را تشکیل می‌دهند که نظیرشان در روایات ما کم است.[۱۹۱]

و اما، دوّمین چیزی که در دعا وجود دارد، *معارف* است. و این مخصوص دعاهایی است که از معصوم به ما رسیده‌است. امام سجّاد علیه‌السلام، «صحیفه‌ی سجّادیه» را به صورت دعا تنظیم فرموده و اصلاً دعا خوانده‌است؛ اما این کتاب، پُر از معارف الهی و اسلامی است. توحید خالص در صحیفه‌ی سجّادیه است. نبوّت و عشق به مقام تقدّس نبیّ اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در صحیفه‌ی سجّادیه است. مثل بقیه‌ی دعاهای مأثور، معارف

آفرینش در این کتاب است. همین «دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی» که مخصوص سحرهاست- سعی کنید آن را بخوانید و در معنایش توجّه و تدبّر داشته باشید- و همین «دعای کمیل» که شبهای جمعه خوانده می‌شود، از جمله دعاهایی است که سرشار از معارف اسلامی است و در آن‌ها حقایقی به زبان دعا بیان شده‌است. نه اینکه آن بزرگوار- امام سجّاد علیه‌السلام - نمی‌خواسته دعا کند و دعا را پوشش قرار داده است؛ نه. دعا می‌کرده، مناجات می‌کرده و با خدا حرف می‌زده‌است. منتها انسانی که قلبش با خدا و با معارف الهی آشناست، حرف زدنش هم این‌گونه است. حکمت از او سرریز می‌شود و دعای او هم عین حکمت است.

دعاهایی که ما می‌خوانیم، پر از حکمت است. در دعاهای مأثور از ائمّه علیهم‌السلام که به ما می‌رسد، نکاتی عاید از *معارف* وجود دارد که حقیقتاً مورد احتیاج انسان است. آن بزرگواران با آوردن این نکات در دعاها به ما یاد می‌دهند که از خدا چه بخواهیم.[۱۹۲]

۞ این دعاها درس است. اگر در معانی این دعاها تدبّر کنیم، بزرگترین هدیه‌های معنوی الهی را در این‌ها خواهیم یافت.[۱۹۳]

۞ نکته‌ی آخر در باب دعا، دعاهای مأثور است. دعاهایی که از أئمّه رسیده‌است، بهترین دعاهاست. اوّلاً خواسته‌هایی در این دعاها گنجانده شده‌است که به ذهن امثال ماها اصلاً خطور نمی‌کند و انسان از زبان أئمّه علیهم‌السلام آن‌ها را از خدا طلب می‌کند. در دعای ابوحمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه بهترین مطالبات و خواسته‌ها برای انسان مطرح می‌شود؛ که اگر انسان این‌ها را از خدا بخواهد و بگیرد، می‌تواند برای او سرمایه باشد. ثانیاً در این دعاها مایه‌های خشوع و تضرّع وجود دارد. مطلب، با زبان و لحن و بیانی ادا شده‌است که دل را خاشع و نرم می‌کند. با عبارات

فصیح و بلیغ، عشق و شیفتگی و شوق در این دعاها موج می‌زند. انسان باید این دعاها را قدر بداند و از آن‌ها استفاده کند.

البتّه باید معنای این دعاها را بفهمیم. خوشبختانه الآن ترجمه‌های خوب وجود دارد و مفاتیح الجنان و دعاهای گوناگون ترجمه شده‌است. با توجّه به ترجمه‌ها، دقّت کنند و بخوانند. البتّه تا آنجایی که ما دیده‌ایم، هیچ ترجمه‌ای نتوانسته زیبایی‌های الفاظ این دعاها را منعکس کند؛ ولی بالاخره مضمون دعا معلوم است. با توجّه به این ترجمه‌ها دعاها را بخوانند. کسانی که می‌خوانند و با آن‌ها عدّه‌ای هم‌صدا می‌شوند، بعضی از فقرات دعا را لااقل ترجمه کنند. البتّه مرتبه‌ی پائین‌ترش هم این است که اگر انسان معنای دعا را نمی‌فهمد، همین‌قدر احساس کند که با یک زبانِ شیفته‌ی حاکی از سوز دل دارد با خدای متعال حرف می‌زند.[۱۹۴]

۞ اجابت الهی از طرف پروردگار، هیچ قید و شرطی ندارد؛ این ما هستیم که با اعمال خودمان مانع اجابت می‌شویم؛ ما هستیم که موجب می‌شویم دعای ما مورد اعتنا قرار نگیرد، که خود همین، یکی از *معارفی* است که می‌توان از دعا استفاده کرد و یکی از خصوصیات دعا، همین است.[۱۹۵]

۞ در دعاها و اذکار دیشب[(۱)] این جمله بود: «**أَللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ امیرالمؤمنین**»[(۲)]؛ خدایا! قاتلان امیرالمؤمنین را لعنت کن، از رحمت خودت دور کن. در مسجد کوفه، یک نفر که بیشتر بر فرق مبارک حضرت شمشیر نزد؛ اما می‌گوید قاتلان! ببینید، این هم یکی از همان درسهایی است که انسان از دعا می‌گیرد. لازم نیست که انسان، خودش

---

(۱) شب نوزدهم ماه مبارک رمضان.

(۲) بحارالأنوار ج:۹۷ ص:۲۷۳ ؛ أَلصَّادِقُ عليه السلام.

مباشرتاً در حادثه حضور داشته باشد تا حادثه به او منسوب شود.[۱۹۶]

۞ این‌ها فقط دعا نیست؛ درس است؛ این کلمات امام سجّاد- و همه‌ی ادعیه‌ای که از أئمّه علیهم‌السلام مأثور است و بدست ما رسیده‌است- پر است از *معارف*.[۱۹۷]

۞ در دعا فقط این نیست که انسان دل را به خدا نزدیک می‌کند؛ این هست، فراگیری هم هست. در دعا هم تعلیم است، هم تزکیه هست. این دعاهای مأثور از أئمّه علیهم‌السلام هم ذهن را روشن می‌کند، هم حقایق و *معارفی* را که در زندگی به آن‌ها نیاز داریم، به ما می‌آموزد و هم دل را متوجّه به خدا می‌کند. ذکر الهی را خیلی باید مغتنم بشمرید.[۱۹۸]

۞ جهت دیگری که در دعا هست، این است که در دعاهایی که از أئمّه علیهم‌السلام به ما رسیده‌است، درسهای بزرگی از *معارف* اسلام نهفته‌است. این صحیفه‌ی سجّادیه را اگر مطالعه کنید و جنبه‌ی دعایی کلمات را ندیده بگیرید، هر دعای آن یک درس عالی از معارف اسلامی و قرآنی است. اگر کسی خطبه‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در توحید را که خطبه‌ی اوّل نهج‌البلاغه است، جلو خودش بگذارد، یا دعای اوّل صحیفه‌ی سجّادیه را که در تحمید است - حمد الهی است - جلو خودش بگذارد، می‌بیند این دو مثل همند و فرقی با هم ندارند. خطبه‌اند و درسند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در مقابل جمعی از مردم ایستاده و معارف الهی را بیان کرده و امام سجّاد علیه‌السلام، دعا کرده و به زبان دعا، همان معارف را بیان فرموده‌است. یا دعای هشتم صحیفه - که من بعضی از فقراتش را یادداشت کرده‌ام - یک درس اخلاقی است. کأنّه خطبه‌ای است که کسی بخواند، یا یک سخنرانی برای مردم بکند و لغزشگاههای اخلاقی را برای آنان بیان نماید.[۱۹۹]

۞ پس، نقطه‌ی دوّم این است که در این دعاها، *معارف* زیادی نهفته‌است. مثلاً در فقرات اوّل دعای کمیل، همه می‌خوانیم: «**أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ**

لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تَهْتِکُ الْعِصَمَ. أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُنَزِّلُ النِّقَمَ. أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُغَیِّرُ النِّعَمَ». گناهانی وجود دارد که پرده‌ها را می‌درد. گناهانی وجود دارد که نقمت الهی را بر انسان نازل می‌کند. گناهانی وجود دارد که نعمتها را از انسان می‌گیرد. «**أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تَحْبِسُ الدُّعَاءَ**».[1] گناهانی هم وجود دارد که دعا را حبس می‌کند.[۲۰۰]

ماندگار و مؤثّر کردن معارف در دل انسان

۞ دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند؛ *معارف* را در دل انسان ماندگار و مؤثّر می‌کند؛ ایمان را قوی می‌کند.[۲۰۱]

اجابت، رفع حاجات، دفع بلا، جلب روزی

۞ *دعا وسیله است برای رسیدن به حوائج* و مقصودها و هرآنچه که انسان می‌خواهد و آرزو می‌کند.[۲۰۲]

۞ مقصودِ عمومی از دعا؛ یعنی خواستن و گرفتن از خداوند متعال. ما انسانها نیازهای زیادی داریم و وجودمان سرتاپا نیاز است. اگر در وجود خودتان دقّت کنید، می‌بینید از تنفّس کردن و غذا خوردن گرفته تا راه رفتن و گوش کردن و دیدن، همه و همه حاکی از نیاز ما انسان‌هاست. یعنی خدای متعال، مجموعه‌ای از امکانات و نیروها را در اختیار من و شما قرار داده است که با آن‌ها می‌توانیم زندگی کنیم و همه نیز تحتِ اراده‌ی پروردگار است. هرکدام از این نیروها و امکانات کمبود پیدا کند، انسان دچار مشکل اساسی در زندگی خود می‌شود. مثلاً یک رگ یا یک رشته عصب از کار بیفتد، یک عضله مشکل پیدا کند، تا برسد به مسائلِ بیرون از وجودِ انسان یا مسائل روحی یا مسائل اجتماعی. بشر،

---

(۱) البلدالأمین ص:۱۸۸ ؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

سرتاپا نیاز است. رفع این مشکلات و تأمین این نیازها را از چه کسی باید بخواهیم؟ از خدای متعال که او حاجات ما را می‌داند. «**وَ سْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً**»[۱] خدا می‌داند شما چه می‌خواهید، چه لازم دارید و چه چیز از او می‌طلبید و سؤال می‌کنید. پس، از خدا بخواهید. در جای دیگر، می‌فرماید: «**وَ قالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ**»[۲] پروردگار شما فرموده‌است: «دعا کنید مرا» یعنی «بخوانید مرا؛ من به شما جواب می‌دهم.» البتّه این جواب دادن، به معنای برآمدن حاجت نیست. می‌گوید: «جواب می‌دهم و لبّیک می‌گویم»؛ أستجب لکم. اما این استجابت الهی، در بسیاری از موارد با دادن حاجت و آن چیز مورد درخواست شما همراه است. پس، این مطلب اوّل که انسان نیازهایی دارد، و رفع این نیازها را، باید از خدا بخواهد. باید در خانه‌ی خدا رفت، تا از تضرّع پیش دیگران، بی‌نیاز شد.

چون روز جمعه و روز توجّه و روز معرفت به کلمات نبیّ اکرم و ائمّه علیهم‌السلام است، چند حدیث کوتاه و مختصر بخوانم. در حدیثی آمده‌است: «**أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ**»[۳] بهترین عبادتها، دعاست. حدیث دیگر، حدیث نبوی است. آن حضرت، به اصحاب خود فرمود: «**أَ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يُدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ؟**»[۴] «آیا می‌خواهید سلاحی را به شما نشان دهم که هم شما را از دشمن حفظ می‌کند و نجات می‌دهد و هم روزی‌تان را فراوان می‌کند؟» این، همان خواستن از خدا برای

---

(۱) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

(۲) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

(۳) الکافی ج:۲ ص:۴۶۶ ؛ أَلْبَاقِرُ علیه‌السلام.

(۴) الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸، الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله.

برآورده شدن حاجات است. «**قَالُوا بَلَى يا رسول اللّه**.» «عرض کردند: بلی؛ بفرمائید.» فرمود: «**قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُم**.» «خدا را دعا کنید؛ خدا را بخوانید.» «**باللَّيْلِ وَ النَّهَار**.» «شب و روز.» «**فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ**»[۱] «سلاح مؤمن، دعاست.» یعنی دنبال حاجات رفتن، با سلاح دعا. با دشمن، با حادثه و با بلیّه در افتادن، با سلاح دعا.[۲۰۳]

۞ انسان خواسته‌های خود را از طریق دعا به دست آورد.[۲۰۴]

۞ خدای متعال در چند آیه از آیات قرآن وعده کرده‌است که دعا را مستجاب خواهد کرد. یکی از آیات، همین آیه‌ی مبارکه‌ی «**وَ قالَ رَبُّكُمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَكُمْ**»[۲] است؛ یعنی پروردگار شما فرموده‌است که مرا دعا کنید، تا استجابت کنم. ممکن است استجابت به معنای برآورده شدن صددرصد آن خواسته هم نباشد. گاهی ممکن است قوانین خلقت، اقتضای این را نکند که خدا آن حاجت را حتماً برآورده کند. در مواردی قوانینی وجود دارد که آن خواسته برآورده شدنی نیست، یا به‌زودی برآورده شدنی نیست. در غیر این موارد، قاعدتاً خدای متعال پاسخش این است که خواسته‌ی شما را برآورده می‌کند؛ همچنان که در دعای شریف ابی‌حمزه‌ی ثمالی که در سحرهای ماه رمضان خوانده می‌شود به همین معنا اشاره می‌کند. در قرآن فرموده‌است: «**وَ سْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً**»[۳]؛ اگرچه خدا عالم است و نیازهای شما را می‌داند، اما شما از خدا بخواهید و به خدا عرض کنید. این آیه را در دعا ذکر می‌کند. البتّه در دعای شریف[۴]: «**إِنَّ اللَّهَ كانَ بِكُمْ رَحِيماً**» دارد؛ اما

---

(۱) الکافی ج:۲ ص:۴۶۸ ؛ ألرسول ﷺ.

(۲) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

(۳) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

(۴) دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی.

در قرآن «**كانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً**» است. بعد می‌فرماید: «**وَ لَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَ تَمْنَعَ الْعَطِيَّة**».[۱] امام سجّاد علیه‌السلام عرض می‌کند: پروردگارا! عادت تو این نیست که مردم را به خواستن امر کنی؛ اما آنچه که آن‌ها خواستند به آن‌ها ندهی. یعنی معنای کرم الهی و رحمت الهی و قدرت محیطه‌ی الهی این است که اگر می‌گوید بخواهید، اراده فرموده‌است که آن خواسته را اجابت کند. این همان وعده‌ی الهی است که در همین آیه‌ای که در اوّل خطبه تلاوت کردم، صریح این معنا را بیان می‌کند: «**وَ إِذا سَأَلَكَ عِبادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ**»[۲]؛ هرگاه بندگان من درباره‌ی من از تو سؤال کنند که کجاست، بگو ای پیامبر، من نزدیکم و پاسخ می‌گویم و دعوت و خواسته‌ی آن کسی را که از من می‌خواهد و مرا می‌خواند، اجابت می‌کنم. هرکس خدا را بخواند، پاسخی در مقابلش هست: «**لِكُلِّ مَسْأَلَة مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَ جَوَابٌ عَتِيدٌ**»[۳]؛ هر سؤالی از خدا، هر خواسته‌ای از خدا، یک پاسخ قطعی در مقابل دارد. این خیلی مهمّ است و باید بندگان مؤمن خدا آن را خیلی قدر بدانند. حالا کسی که ایمان ندارد، طبیعی است که از این موقعیت مثل خیلی از موقعیتهای دیگر استفاده نمی‌کند. این وعده‌ی قطعی الهی است؛ یعنی خدای متعال هر خواسته‌ای را جواب خواهد داد. این یک وعده است و البتّه هر وعده‌ای هم شرایطی دارد.[۲۰۵]

❁ دعا در چارچوب قوانین طبیعی مستجاب می‌شود و خواسته‌ی شما برآورده می‌گردد. این قدرت خداست که قوانین را جور می‌آورد، کنار هم می‌گذارد و مقصود شما برآورده می‌شود.... اگر عمل و تلاش در راه

---

(۱) بحارالأنوار ج:۹۵ ص:۸۲ ؛ اَلسَّجّاد علیه‌السلام

(۲) سوره‌ی بقرة، آیه‌ی ۱۸۶.

(۳) بحارالأنوار ج:۸۳ ص:۵۸ ؛ اَلرِّضا علیه‌السلام

اهداف بزرگ، همراه این دعا باشد، اقبال استجابت این دعا واقعاً بیشتر است. آن‌وقتی که دعا استمرار پیدا کند، حتماً اقبال استجابت در این دعا بیشتر است. اگر دیده شد که یک دعا چند بار تکرار گردید و مستجاب نشد، نباید مأیوس شد؛ بخصوص در مسائل بزرگ، بخصوص در مسائل مربوط به سرنوشت انسان و سرنوشت کشور و سرنوشت ملتها؛ چون گاهی طبیعت کارهای بزرگ چنین است که تحقّقش زمان می‌طلبد.[۲۰۶]

۞ دستاورد دیگر دعا، *برآمدن حاجات* است. یکی از دستاوردهای دعا این است که حاجاتی که انسان دارد، از خدای متعال می‌خواهد و خدا آن حاجات را برآورده می‌کند. البتّه همه‌ی خواص دعا این نیست؛ این هم یکی در کنار بقیه‌ی دستاوردهای دعاست. فرمود: «**وَ سْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ**»[۱]؛ از خدای متعال بخواهید و نیازهای خودتان را از او بطلبید. در دعای ابوحمزه‌ی ثمالی از قول امام سجّاد علیه‌السلام این‌طور عرض می‌شود: «**وَ لَيْسَ مِنْ صِفَاتِکَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَ تَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطَايَا عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِکَ**»[۲]؛ تو به بندگان خودت دستور بدهی که از تو بخواهند، اما بنا داشته باشی که خواسته‌ی آن‌ها را عملی نکنی؛ این امکان ندارد. وقتی خدای متعال به من و شما امر می‌کند که از او بخواهیم و طلب کنیم، معنایش این است که خدای متعال تصمیم دارد که آنچه را می‌خواهیم، به ما بدهد. لذا در روایت است که: «**ما كان الله ليفتح ...على عبد باب الدّعاء و يغلق عنه باب الإجابة**» و اللّه اکرم من ذلک[۳]؛ خدای متعال کریم‌تر از آن است که باب دعا را باز کند، اما باب اجابت را ببندد.[۲۰۷]

---

(۱) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

(۲) بحارالأنوار ج:۹۵ ص:۸۲ ؛ اَلسَّجّاد علیه‌السلام.

(۳) نهج‌البلاغة ؛ قصار ۴۳۵.

❁ در قرآن فرمود: «**وَ سْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ**»[۱] از خدا بخواهید. «**لَيْسَ مِنْ صِفَاتِکَ يَا سَيِّدِی أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَ تَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ.**»[۲] بگوئید، سؤال کنید، بخواهید و مگر می‌شود که بخواهید و ندهد؟! البتّه اقتضائات زمان و مکان و خصوصیات و نظایر آن هم، در خواستن از خدا مؤثّر است.[۲۰۸]

اگر دل توانست با یاد خدا خود را معطّر و مزیّن کند، بدون تردید اجابت الهی برای او میسّر خواهد شد؛ «**أُدْعُونی أَسْتَجِبْ لَكُمْ**».[۳] هیچ دعایی بی‌استجابت نیست. *استجابت* به معنای این نیست که خواسته‌ی انسان حتماً برآورده خواهد شد ممکن است برآورده بشود، ممکن است به علل و مصالح و موجباتی برآورده هم نشود اما استجابت الهی هست. استجابت الهی، پاسخ و توجّه و التفات خداست؛ و لو آن خواسته‌ای که من و شما داریم که ای‌بسا خیال می‌کنیم این خواسته به نفع ماست، اما به زیان ماست تحقّق هم پیدا نکند؛ اما «يَا أَللّه» شما بی‌گمان لبّیکی به دنبال خود دارد.[۲۰۹]

❁ وقتی ما به درگاه حقِّ متعال دعا می‌کنیم، در حقیقت وسیله‌ای برای رسیدن به حوائج خودمان می‌جوئیم و راهی به سوی این حوائج می‌پیمائیم و از آن استفاده می‌کنیم. این، یک‌گونه دعا کردن است: دعا برای گرفتن مقصود. این‌طور نیست که کسی گمان کند همه‌ی مقاصد، به وسیله‌ی ابزارها یا وسایل مادّی برای انسانها قابل دسترسی است. بلکه چیزهایی را انسان با دعا باید به دست آورد. البتّه نه دعای تنها و دعای بدون عمل. هیچ فایده‌ای ندارد که انسان در عمل را ببندد و به دعا اکتفا کند. اما در کنار عمل، در کنار اقدام، در کَنار به کار انداختن همّت و تلاش، خواستن از خدا را نیز باید قرار بدهیم. این دعا، حاجات را برای

---

(۱) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

(۲) بحارالأنوار ج:۹۵ ص:۸۲ ؛ أَلسَّجَّاد علیه‌السلام.

(۳) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

انسان برآورده می‌سازد. لذا ملاحظه می‌کنید که پیغمبر اکرمﷺ، در میدان جنگ، بعد از آن‌که همه‌ی کارها را انجام داده است، دعا هم می‌کند. بنابراین، یکی از وظایف ماست که دعا کنیم، تا از این راه به حاجات و اهداف و مقاصد خودمان نائل شویم.[۲۱۰]

❁ دعا، وسیله‌ای در کنار وسایل دیگر است. به قول بزرگان از محققین و متفکّرین ما، همچنان که در عالم وجود، خدای متعال دهها وسیله و سبب و علّت قرار داده است، دعا هم یکی از سببهاست. در بسیاری از دعاها، حاجت و مقصود خواستن مطرح می‌شود. مثلاً فرض بفرمائید در همین دعای سحر ماه مبارک رمضان که دعای بسیار عالی‌المضمونی هم هست، بعد از آن‌که خدای متعال را به اسماء و صفات سوگند می‌دهد، می‌گوید: دعا کن به آنچه که می‌خواهی و مقاصد خودت را از خدا بخواه. بعد از این همه قسم دادن خدای متعال، دعا مستجاب می‌شود. لذا در روایتی از امیرالمؤمنینؑ، نقل شده‌است که فرمود: «**إِدْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ بِالدُّعَاءِ قَبْلَ وُرُودِ الْبَلَاءِ**»[۱]؛ پیش از آن‌که بلا بر شما وارد شود، با دعا، بلا را دفع کنید. اینها واقعیّت است. این، البتّه بدان معنا نیست که هرچه شما خواستید و هر طور آن را با خدای متعال در میان گذاشتید، برآورده خواهد شد؛ نه. شرایطی دارد، آدابی دارد؛ مثل همه‌ی اسباب عادی و مثل همه‌ی خواستنها. اگر شما از دوستتان هم چیزی بخواهید، آداب و تشریفاتی دارد. ادب مخصوص دعا را باید به کار گرفت و عمده‌ترین آداب، این است که انسان به خدای متعال توجّه کند و با همه‌ی دل، از خدا بخواهد. هنگامی که قلب انسان رقیق می‌گردد و توجّهی پیدا می‌شود، وقت دعاست. آن وقت اگر از خدا بخواهید، غالب

---

(۱) بحارالأنوار ج: ۹۰ ص: ۲۸۹ ؛ امیرالمؤمنینؑ

این است که مقصود برآورده می‌شود. مگر مواردی که در علم الهی، مصالحی وجود دارد که آن مصالح را ما نمی‌دانیم و خدای متعال، به خاطر دعای من و شما مصالح عمومی آفرینش، یا مصالح یک ملت را به هم نمی‌ریزد. آن‌جا که سر راه خواسته‌ی ما، مصلحت بزرگی مانع نباشد و آن‌جا که توجّهِ لازم را در حال دعا داشته باشیم، دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر.[۲۱۱]

۞ و اما بعضی دعاها، سه چیز علاوه بر این دو چیز دارند که این سه چیز، خیلی مهمّ است. یکی از این سه چیز، عبارت است از آن مقصودِ عمومی از دعا؛ یعنی خواستن و گرفتن از خداوند متعال. ما انسانها نیازهای زیادی داریم و وجودمان سر تا پا نیاز است. اگر در وجود خودتان دقّت کنید، می‌بینید از تنفّس کردن و غذا خوردن گرفته تا راه رفتن و گوش کردن و دیدن، همه و همه حاکی از نیاز ما انسانهاست. یعنی خدای متعال، مجموعه‌ای از امکانات و نیروها را در اختیار من و شما قرار داده است که با آنها می‌توانیم زندگی کنیم و همه نیز تحتِ اراده‌ی پروردگار است. هر کدام از این نیروها و امکانات کمبود پیدا کند، انسان دچارِ مشکلِ اساسی در زندگی خود می‌شود. مثلاً یک رگ یا یک رشته عصب از کار بیفتد، یک عضله مشکل پیدا کند، تا برسد به مسائلِ بیرون از وجودِ انسان یا مسائل روحی یا مسائل اجتماعی.[۲۱۲]

۞ بشر، سر تا پا نیاز است. رفع این مشکلات و تأمین این نیازها را از چه کسی باید بخواهیم؟ از خدای متعال که او حاجات ما را می‌داند. «**وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً**»(۱) خدا می‌داند شما چه می‌خواهید، چه لازم دارید و چه چیز از او می‌طلبید و سؤال می‌کنید.

---

(۱) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

پس، از خدا بخواهید. در جای دیگر، می‌فرماید: «**وَ قَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ**»[۱] پروردگار شما فرموده‌است: «دعا کنید مرا» یعنی «بخوانید مرا؛ من به شما جواب می‌دهم.» البتّه این جواب دادن، به معنای برآمدنِ حاجت نیست. می‌گوید: «جواب می‌دهم و لبیّک می‌گویم»؛ استجبْ لکم. اما این استجابت الهی، در بسیاری از موارد با دادنِ حاجت و آن چیزِ مورد درخواست شما همراه است. پس، این مطلبِ اوّل که انسان نیازهایی دارد، و رفع این نیازها را، باید از خدا بخواهد. باید در خانه‌ی خدا رفت، تا از تضرّع پیش دیگران، بی‌نیاز شد.[۲۱۳]

❁ مسأله‌ی بسیار مهمّی است. خداوند متعال، وسیله‌ای به انسان داده است که انسان می‌تواند حوائج خود را - مگر در موارد استثنایی که به آن اشاره می‌کنم - با آن برآورده کند. آن وسیله چیست؟ خواستن از خدای متعال است.[۲۱۴]

دفع بلاء

❁ یک روایت از حضرت سجّاد علیه السلام است که می‌فرماید: «**أَلدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَ مَا لَمْ يَنْزِلْ.**»[۲] هم بلایی که به سوی شما آمده‌است *با دعا دفع می‌شود* و هم بلایی که نیامده‌است. یعنی اگر دعا نکنید، آن بلا متوجّه شما خواهد شد.[۲۱۵]

جلب رزق و نجات از دست دشمن

❁ حدیث دیگر، حدیث نبوی است. آن حضرت، به اصحاب خود فرمود: «**أَ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يُدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ؟**» «آیا

---

(۱) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

(۲) الکافی ج:۲ ص:۴۶۹ ؛ أَلسَّجَّاد علیه السلام.

می‌خواهید سلاحی را به شما نشان دهم که هم شما را از دشمن حفظ می‌کند و نجات می‌دهد و هم *روزی‌تان را فراوان می‌کند*؟» این، همان خواستن از خدا برای برآورده شدن حاجات است. «**قَالُوا بَلَی یا رسولَ‌اللّه**.» عرض کردند: بلی؛ بفرمائید. فرمود: «**قَالَ تَدْعُونَ رَبَّکُم**.» «خدا را دعا کنید؛ خدا را بخوانید.» «**بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ**.»[۱] «شب و روز.»[۲۱۶]

دستاوردهای دیگر دعا

دفع انگیزه‌های مادّه‌گرایانه

۞ ذکر، فوائد عجیبی دارد که حالا من آنچه را که در اینجا یادداشت کرده‌ام، عرض می‌کنم: «*دفع انگیزه‌های مادّه‌گرایانه* و هوس‌رانیهای گمراه‌کننده»[۲۱۷]

۞ ذکر، مثل مدافعی است که در مقابل هجوم *این هوسها*، ما را و دل ما را محافظت می‌کند. دل خیلی آسیب‌پذیر است. ما دلمان، روحمان خیلی آسیب‌پذیر است. در مقابل چیزهایی تحت تأثیر قرار می‌گیریم؛ دل مجذوب به جاذبه‌های گوناگونی می‌شود. اگر بخواهیم دل- که جای خداست، جایگاه خداست. رفیع‌ترین مرتبه در وجود انسان، دل انسان است؛ یعنی همان باطن و حقیقت وجودی انسان- سالم و پاکیزه بماند، مدافعی لازم است؛ این مدافع ذکر است. ذکر نمی‌گذارد که دل دستخوش تهاجم بی‌امان هوسهای گوناگون شود و از دست برود. ذکر دل را نگه می‌دارد که در فساد و در جاذبه‌های گمراه‌کننده غرق نشود. در همین رابطه من روایتی را دیدم که خیلی پرمعناست؛ می‌فرماید: «**أَلذَّاکِرُ فِی الْغَافِلِینَ کَالْمُقَاتِلِ فِی الْفَارِّین**».[۲] در میدان جنگ، یک رزمنده را می‌بینید که دفاع می‌کند،

---

(۱) الکافی ج:۲ ص:۴۶۸ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

(۲) وسائل‌الشیعة ج:۷ ص:۱۶۵ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

ایستادگی می‌کند و از همه‌ی امکاناتش برای ضربه‌زدن به دشمن و جلوی تهاجم دشمن را گرفتن، استفاده می‌کند؛ اما رزمنده‌ی دیگر هم ممکن است باشد که بگریزد؛ طاقت تحمل از دست بدهد و از مقابل دشمن بگریزد. می‌فرماید: ذاکر در میان جمعِ غافل مثل همان سرباز رزمنده‌ی ایستادگی‌کننده است در میان کسانی که دارند فرار می‌کنند. ببینید این تشبیه و تنظیر به همین لحاظ است؛ چون او دارد در مقابل تهاجم بیگانه دفاع و ایستادگی می‌کند، ذکر شما هم دارد ایستادگی می‌کند.[۲۱۸]

برداشتن موانع درونی

❁ *موانع درونی* را باید با تضرّع به درگاه پروردگار، با دعا، با توجّه، با تربیت و تهذیب نفس، با تقویت اخلاق، با عبادت و با توسّل، از پیش پا بردارید.[۲۱۹]

زدودنِ غفلت

❁ دستاوردهای دعا چیست؟ وقتی ما با خدا سخن می‌گوئیم، او را نزدیک خود احساس می‌کنیم، مخاطب خود می‌دانیم و با او حرف می‌زنیم، این دستاوردها از جمله‌ی فواید و عواید دعاست. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل، غفلت را- که مادر همه‌ی انحراف‌ها و کجی‌ها و فسادهای انسان، غفلت از خداست- می‌زداید. *دعا غفلت را از دل انسان می‌زداید*؛ انسان را به یاد خدا می‌اندازد و یاد خدا را در دل زنده نگه می‌دارد. بزرگترین خسارتی که افراد محروم از دعا مبتلای به آن می‌شوند، این است که یاد خدا از دل آن‌ها می‌رود. نسیان و غفلت از خدای متعال برای بشر بسیار خسارت‌بار است.[۲۲۰]

روشن شدن راه، معنا پیداکردنِ حیات

دفعِ سرگشتگی و درماندگی

❁ دعا، وسیله‌ی مؤمن و ملجأ مضطر و رابطه‌ی انسان ضعیف و جاهل

با منبع فیّاض علم و قدرت است، و بشر بی‌رابطه‌ی روحی با خدا و بدون عرض نیاز به غنی بالـذات، *در عرصـه‌ی زنـدگی سرگـشته و درمانـده و هدر رفته است*؛ «**قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ**»[۱] [۲۲۱]

روشن شدن راه و نجات از سردرگمی و حیرت

دعا بـرای انـسان راه را روشـن مـی‌کنـد، انـسان را از سـردرگمی و حیرت نجات می‌دهد، علاوه بر اینها دعا محتوای ذهن دعا کننده را برای مستمع و مخاطب واضح و آشکار می‌کند. وقتی شما دعای کسی را گوش می‌دهید که با خدا حرف می‌زند می‌توانیـد از دعـای او، از خـواهش او کشف کنید که این چگونه انسانی اسـت، حقیـر اسـت یـا عظـیم اسـت، کوتاه‌بین است یا بلندنظر و بلندهمّت است، مؤمن است یـا مـردد اسـت، دعا چیز عجیبی است. لذا در طول تاریخ صدرو اوّل اسلام همه جـا دعـا هست. پیغمبر در جنگ بدر هم دعا کرد، در جنگ احد هم دعا کـرد؛ یعنی دعا پیروزی و شکست نمی‌شناسد. دعا یعنی ارتباط و اتّکال انسان با خدا، آن وقتی هم که انسان در اوج قدرت و پیروزی است باز هم محتاج دعا است؛ باید با خدا حرف بزند، باید از خدا بخواهد. قرآن بـه پیغمبـر ما دستور داد که «**إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّـهِ وَ الْفَـتْح**» وقتـی یـاری خـدا رسـید و پیروزی نصیب شد «**وَ رَأَیْتَ النَّاسَ یَدْخُلُونَ فِی دِینِ اللَّهِ أَفْواجـاً**» و دیـدی که مردم دسته‌دسته و فوج‌فوج به اسلام وارد می‌شوند، تازه «**فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَ اسْتَغْفِرْهُ**»[۲] تازه اوّل انابه‌ی تو است، اوّل عرض نیاز تو به درگـاه قادر متعال است. ملت ما از وقتی پیروزی را به دست آورد آستانه‌ی دعـا را رها نکرد. ببینید امروز در جامعه‌ی ما چقدر دعـا و توجّـه بـه خـدا زیاد است؛ راز پیروزی ما هم همینهاست.[۲۲۲]

---

(۱) سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۷.

(۲) سوره‌ی نصر، آیات ۱- ۳.

سلوک در صراط مستقیم

بنابراین ذکر موجب می‌شود که ما بتوانیم در آن *صراط مستقیم* *سلوک* کنیم؛ پیش برویم. آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به عنوان مؤمن، به عنوان مسلمان، به عنوان پیرو یک مکتب مترقی، به عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده می‌دهد، احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جادّه حرکت کنیم.[۲۲۳]

جان‌گرفتنِ دوباره‌ی قلب و روح

به مجرّد اینکه کسی از خدا غفلت کند، قلب، زندگی خود را از دست می‌دهد و روح، میرا می‌شود. اگر دوباره ذکر و توجّه به سراغش بیاید، جان می‌گیرد، و الّا خواهد مرد. اگر رویکرد مجدّدش به خدا و معنویات، به طول انجامد، تبدیل به جماد خواهد شد. این را اسلام و آیات قرآن به ما می‌گوید: «**أَ لَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّه.**»(۱) و یا: «**أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوب.**»(۲) این‌ها در اسلام است. یعنی همان اسلامی که می‌گوید «به سراغ کشف منابع طبیعی و ساختن این دنیا بروید؛ ابزار مادّی را به دست بگیرید؛ ذهن را مجهّز به علم کنید؛ دنیا را طبیعت را مادّه را و منابع را بشناسید و کشف کنید و پرورش دهید، چون از آنِ شماست»؛ یادآور می‌شود که «این همه را برای خدا بکنید؛ به یاد خدا باشید؛ ذکر خدا را از دل بیرون نکنید و همه‌ی این حرکات را به صورت عبادت انجام دهید.»[۲۲۴]

---

(۱) سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۶.

(۲) سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۸.

معنا پیدا کردن حیات انسان

۞ می‌گوید که باید به در خانه‌ی خدا بروید: «**قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ**»[۱] باید دعا کنید. «**وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ**»[۲] باید دعا کنید تا از خدا جواب بشنوید. *حیات انسان*، جز در رابطه با خدا، معنا ندارد.[۲۲۵]

تقویت روحِ عبودیت و عشق به خدا

ارتباط با خدا، تقویت روح عبودیت

۞ مهم‌ترین خاصیّت دعا- که من قبلاً هم درباره‌ی آن قدری صحبت کرده‌ام- همین *ارتباط با خدا و احساس عبودیت* در مقابل خداوند، بزرگترین اثر و خاصیّت خداست؛ از خدا خواستن، که آن وقت خدای متعال هم اجابت خواهد کرد.[۲۲۶]

۞ این رابطه‌ی درخواست کردن و گرفتن از خدا، مایه‌ی تعالی روح انسان است و همان تقویت‌کننده‌ی *روح عبودیت* است. «**وَ هُوَ رَحِیمٌ کَرِیمٌ لَمْ یَجْعَلْ بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ مَنْ یَحْجُبْکَ عَنْهُ**»؛[۳] خدای متعال بین خودش و تو، واسطه‌ای، فاصله‌ای و حجابی قرار نداده است. هر وقت با خدا شروع کنید به سخن گفتن و عرض نیاز کردن، خدای متعال صدا و درخواست شما را می‌شنود. با خدا همیشه می‌شود هم‌زبان شد، می‌شود گفتگو کرد، می‌شود مأنوس شد و می‌شود از او درخواست کرد. این برای بشر، فرصت و نعمت خیلی بزرگی است.[۲۲۷]

آشنایی با خدا و پرشدن دل از عشق او

۞ این حالت تضرّع است که دل را از عشق خدا پر می‌کند؛ *انسان را*

---

(۱) سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۷.

(۲) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

(۳) بحارالأنوار ج:۷۴ ص:۲۰۵ ؛ أَلْبَاقِرُ علیه‌السلام.

با خدا آشنا می‌کند؛ انسان را از خودبینی و خودنگری فسادانگیز تهی می‌کند و او را از نور مقدّس پروردگار و لطفِ الهی، سرشار می‌سازد. قدر این را بدانید که از همه چیز بالاتر است.[۲۲۸]

روح دعا و نماز عبارت است از *ارتباط با خدا*، آشنا شدن با خدا.[۲۲۹]

نزدیک شدن انسان به خدا و زنده نگهداشتن یاد خدا در دل

دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند.[۲۳۰]

دستاوردهای دعا چیست؟ وقتی ما با خدا سخن می‌گوئیم، *او را نزدیک خود احساس می‌کنیم*، مخاطب خود می‌دانیم و با او حرف می‌زنیم، این دستاوردها از جمله‌ی فواید و عواید دعاست. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل، غفلت را- که مادر همه‌ی انحراف‌ها و کجی‌ها و فسادهای انسان، غفلت از خداست- می‌زداید. دعا غفلت را از دل انسان می‌زداید؛ انسان را به یاد خدا می‌اندازد و یاد خدا را در دل زنده نگه می‌دارد. بزرگترین خسارتی که افراد محروم از دعا مبتلای به آن می‌شوند، این است که یاد خدا از دل آن‌ها می‌رود. نسیان و غفلت از خدای متعال برای بشر بسیار خسارت‌بار است. در قرآن چند آیه در این باره ذکر شده و بحث مفصّلی دارد.[۲۳۱]

تقویت و استقرار ایمان در دل

یکی از وظایف ما در ماه رمضان، دعا کردن است. دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند؛ معارف را در دل انسان ماندگار و مؤثّر می‌کند؛ *ایمان را قوی می‌کند.*[۲۳۲]

دستاورد دوّم دعا، تقویت و *استقرار ایمان در دل* است. خصوصیت دعا این است که ایمان را در دل پایدار و مستقر می‌کند. ایمان قابل زوال در مواجهه‌ی با حوادث عالم و سختی‌ها، خوشی‌ها، تنعم‌ها و حالات گوناگون انسان، در خطر از بین رفتن است. می‌شناسید کسانی را که

ایمان داشتند؛ اما در مواجههی با مال دنیا، با قدرت دنیا، با لذات جسمی و شهوات قلبی، ایمان از دست آنها رفت. این، ایمان متزلزل و غیر مستقر است. خصوصیت دعا این است که ایمان را در دل انسان مستقر و ثابت میکند و خطر زوال ایمان با دعا و استمرار توجّه به خدای متعال از بین میرود.[۲۳۳]

عشق به خدا

۞ دستاورد پنجم دعا، ایجاد محبّت به خدای متعال است. دعا *عشق به خدای متعال* را در دل زنده میکند. مظهر همهی زیباییها و خوبیها ذات اقدس پروردگار است. دعا و انس و تکلم با خدای متعال، این محبّت را در دل به وجود میآورد.[۲۳۴]

زنده و نورانیشدن دل انسان

احیاء و زنده کردنِ قلوب

۞ این انس با خدای متعال و ذکر خدای متعال و استغفار و دعا خیلی *تأثیرات معجزآسایی بر روی دل انسان دارد*؛ دلهای مرده را زنده میکند.[۲۳۵]

نورانیت، صفا و معنویت

۞ در قرآن، به ما گفته شدهاست: «**أُدْعُونِی أَسْتَجِبْ لَكُمْ**»[۱]؛ مرا بخوانید تا به شما پاسخ دهم. یکجا دارد: «**وَ سْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ**»[۲]؛ از فضل خدا طلب کنید و بخواهید. اینها وعدههای الهی است و وعدههای الهی، صادقترین وعدههاست و حتماً چنانچه از خدا بخواهید، خدا به

(۱) سورهی غافر، آیهی ۶۰.

(۲) سورهی نساء، آیهی ۳۲.

شما پاسخ خواهد داد. اگر انس پیدا کنید، خواهید دید که خیلی از پاسخها همانی است که در همان لحظه به شما داده می‌شود؛ یعنی آدم نباید خیال کند که پاسخ دعا حتماً همان پولی است که از خدا خواسته‌است و باید برسد! گاهی اوقات پاسخ، همانی است که در آن لحظه به شما می‌دهند. آن‌چنان *نورانیّتی* در دل شما به وجود می‌آید که می‌بینید اصلاً پاسختان را همان ساعت گرفته‌اید. آن حالتی را که انسان در دعا پیدا می‌کند، گاهی احساس می‌کند که دیگر غیر از آن، هیچ‌چیز نمی‌خواهد.[۲۳۶]

❁ دعا در عین اینکه دلِ انسان را با خدا متّصل و جان آدمی را سرشار از صفا و معنویت می‌کند، فکر و ذهن او را هم هدایت می‌نماید.[۲۳۷]

❁ اگر کسی خیال کند که می‌توان دل و روح را بدون این‌ها صاف کرد، سخت در اشتباه است. از راه گریه‌ی نیمه‌شب، از راه خواندن قرآن با تدبّر و با دقّت، از راه خواندن ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجّادیه، دل انسان صاف می‌شود؛ و الّا این‌طوری نیست که بگوئیم آقا برو دلت را صاف کن؛ هر کاری هم کردی، کردی.[۲۳۸]

❁ تأثیرات آن علاوه بر تأثیرات فردی و ملی، تأثیرات بین‌المللی خواهد بود. ما دیگر کدام واجب را داریم که این‌طور باشد. این عمل و فریضه، هم دل و روح و باطن خود انسانِ حج‌گزار را تصفیه می‌کند، نورانی می‌کند و به خدا نزدیک می‌کند؛ با استغفار و با تضرّع و مناجات الهی آشنا و معنوی می‌کند.[۲۳۹]

نورانی نگاه داشتن دل انسان

❁ انسان ناامید که چیزی طلب نمی‌کند. پس، دعا یعنی امید، که ملازمِ با امید به اجابت است. این امید به اجابت، *دلها را مُشعل می‌کند و منوّر نگه می‌دارد.*[۲۴۰]

تهذیب نفس و تطهیر روح

تطهیر روح

۞ بهترین اعمال در این شب، دعاست. درباره‌ی دعا هم امروز مطالبی را به شما برادران و خواهران عرض می‌کنم. احیاء هم برای دعا و توسّل و ذکر است. نماز هم- که در شب‌های قدر یکی از مستحبات است- در واقع مظهر دعا و ذکر است. در روایت وارد شده‌است که «**اَلدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَة**»[۱]؛ مغز عبادت، یا به تعبیر رایج ماها، روح عبادت، دعاست. دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن. دعا یا درخواست است، یا تمجید و تحمید است، یا اظهار محبّت و ارادت است؛ همه‌ی این‌ها دعاست. دعا یکی از مهم‌ترین کارهای یک بنده‌ی مؤمن و یک انسان طالب صَلاح و نجات و نجاح است. دعا در *تطهیر روح* چنین نقشی دارد.[۲۴۱]

تزکیه

۞ به قول آن عارف معروف[۲] که می‌گوید: «آب که از برکات الهی است، همه‌ی پلیدیها و ناپاکیها را از بین می‌برد؛ هر جسمی که با آب تماس می‌گیرد، پاک می‌شود؛ ولی خود آب تحت تأثیر تماس با ناپاکها و ناپاکیها، به تصفیه احتیاج پیدا می‌کند و خدای متعال در یک گردش طبیعی، آب را به بخار تبدیل می‌کند؛ به آسمان می‌برد، از بالا مجدّداً به صورت قطرات باران به زمین برمی‌گرداند، پلیدیها را از آن جدا می‌کند، آن را تصفیه می‌کند و باز به صورت ماء طهور در اختیار افراد انسان و سایر موجودات قرار می‌دهد.»

---

(۱) وسائل‌الشیعة ج:۷ ص:۲۷ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

(۲) مقصود «مولانا» است که در مثنوی به این مطلب پرداخته است.

گوینده‌ی این سخن حکمت‌آمیز می‌گوید: «این جان شما، معارف شما، نصایح شما، بلکه خود قلب و روح شما، همان ماء طهوری است که ناپاکیها را از انسانها می‌زداید؛ اما خود این ماء طهور بتدریج به تصفیه و *تزکیه* احتیاج پیدا می‌کند و تزکیه و تصفیه‌ی آن، جز با یک عروج معنوی، جز با یک گردش معنوی به سمت علویّات که آن هم با ذکر و دعا حاصل خواهد شد ممکن نمی‌شود.» با ذکر، با توجّه، با توسّل، با مناجات، با نافله، با تضرّع در مقابل خداوند، با تفکّر در آیات آفاقی و انفسی، این ماء طهور باز همان طهارت خود را به دست می‌آورد.[۲۴۲]

تهذیب نفس، پیراستن روح و پالایش ذهن از وسوسه‌ها

❁ نماز با توجّه، انس با قرآن، دعا و توسّل، تضرّع، روزه‌ی ماه رمضان و عبادات نیمه‌شب، مخصوصاً برای جوانان، که تأثیرپذیریشان زیاد است، می‌تواند *مهذِّب نفس* باشد.[۲۴۳]

❁ روح دعا و نماز عبارت است از ارتباط با خدا، آشنا شدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح، و *پالایش کردن ذهن از وسوسه‌ها*.[۲۴۴]

❁ در دعا هم تعلیم است، هم *تزکیه* هست.[۲۴۵]

رشد فضایل اخلاقی در انسان

❁ دستاورد چهارم دعا، *خودسازی و رشد فضایل اخلاقی در انسان است*. انسان با توجّه به خدا و با حرف زدن با خدای متعال، فضایل اخلاقی را در خود تقویت می‌کند؛ این خاصیّت قهری و طبیعی انس با پروردگار است؛ بنابراین دعا می‌شود پلکان عروج انسان به سمت کمالات. متقابلاً دعا رذایل اخلاقی را از انسان می‌زداید؛ حرص و کبر و خودپرستی و دشمنی با بندگان خدا و ضعف نفس و جبن و بی‌صبری را از انسان دور می‌کند.[۲۴۶]

درس اخلاق

و امام سجّاد علیه‌السلام، دعا کرده و به زبان دعا، همان معارف را بیان فرموده‌است. یا دعای هشتم صحیفه که من بعضی از فقراتش را یادداشت کرده‌ام یک *درس اخلاقی* است. کأنّه خطبه‌ای است که کسی بخواند، یا یک سخنرانی برای مردم بکند و لغزشگاههای اخلاقی را برای آنان بیان نماید.[۲۴۷]

امام سجّاد علیه‌السلام، این دعا را با این زبان بیان کرده‌است: «**أَللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَیَجَانِ الْحِرْصِ ، وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ**.» حرص، افزایش حرص، شدّتِ خشم، غلبه‌ی حسد، ضعف صبر، کمی قناعت، «**شَکَاسَةِ الْخُلُقِ**» بداخلاقی، «**إِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ**» شهوترانی زیاد، «**مَلَکَةِ الْحَمِیَّةِ**» تعصبهای ناحق و جانبداریهای به ناحق، «**اسْتِصْغَارِ الْمَعْصِیَةِ، وَ اسْتِکْبَارِ الطَّاعَةِ**» گناه خود را کوچک دانستن و طاعت خود را بزرگ شمردن، «**سوء الولایة لمن تحت ایدینا**» اداره‌ی بد مجموعه‌ای که در اختیار ما و زیر دست ماست، «**أَنْ نَعْضُدَ ظَالِماً، أَوْ نَخْذُلَ مَلْهُوفا**»[(۱)] به ظالمی کمک کردن و بیچاره‌ای را یاری نرساندن. همه‌ی این مطالب را امام سجّاد علیه‌السلام، در یک دعا، با این زبان بیان می‌کند، که خدایا، من به تو پناه می‌برم از این چیزها. اینها *درسهای اخلاقی* است. دعاهای صحیفه‌ی سجّادیه، دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی، دعای افتتاح، یا بقیه‌ی دعاهای ماه رمضان - شب و روز جمعه و بقیه‌ی اوقات - و تمام این دعاهایی که از أئمّه علیهم‌السلام به ما رسیده‌است، پر است از معارف اسلامی درباره‌ی توحید، درباره‌ی نبوت، درباره‌ی حقوق، درباره‌ی وضع جامعه، درباره‌ی اخلاق، درباره‌ی حکومت و درباره‌ی همه‌ی مسائلی که انسان احتیاج دارد از اسلام بداند. در این دعاها، برای ما مطالبی هست که به زبان دعا، معارف بیان شده‌است و أئمّه‌ی ما علیهم‌السلام،

---

(۱) صحیفه‌ی سجادیه علیه‌السلام، دعای ۸.

در دوران حاکمیت طواغیت، توانسته‌اند این معارف را از این راه به مردم برسانند. این هم یک دیدگاه دیگر در باب دعاست.[۲۴۸]

دمیدن روح اخلاص در انسان

سوّمین دستاورد، *دمیدن روح اخلاص در انسان* است. با خدا سخن گفتن و خود را نزدیک او دیدن، به انسان روح اخلاص می‌دهد. اخلاص یعنی کار را برای خدا انجام دادن. همه‌ی کارها را می‌شود برای خدا انجام داد. بندگان خوب خدا همه‌ی کارهای معمولیِ روزمره‌ی زندگی را هم با نیت تقرّب به خدا انجام می‌دهند و می‌توانند. بعضی هم هستند که حتّی قربی‌ترین و عبادی‌ترین کارها- مثل نماز- را نمی‌توانند برای خدا انجام دهند. بی‌اخلاصی، درد بزرگی برای انسان است. دعا روح اخلاص را در انسان می‌دمد.

دفع آفت فسادپذیریِ انسان، دفع گناهان

دفع آفت فسادپذیریِ انسان

برای پیشگیری و نیز درمان این آفت بزرگ، دین خدا «ذِکر» را به انسان آموخته‌است. ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن، خود را در برابر خدا یافتن، به او گوش سپردن و به او دل دادن.

و نماز با ترکیب هماهنگ دل و زبان و حرکت، نابترین و کامل‌ترین نمونه و وسیله‌ی ذکر است.[۲۴۹]

دفع گناه

خوب، حالا ذکر چیست؟ روایتی از حضرت ابی‌عبدالله علیه‌السلام است. و روایت دیگری هم هست، که آن روایت دوّم بیشتر مورد توجّه من بود؛ اما هر دو روایت را می‌خوانم. روایت اوّل از حضرت ابی جعفر علیه‌السلام است؛ حضرت باقر علیه‌السلام فرمود: «**ثَلَاثٌ مِنْ أَشَدِّ مَا عَمِلَ الْعِبَاد**»؛ سه چیز

هست که جزو تکالیف بسیار مهمّ و دشوار مؤمنین است؛ کارهای سخت...سوّم، «**وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَال**»؛ در همه حال ذاکر خدای متعال باشد. ذکر این است.

آن‌وقت حضرت باقر در همین روایت، «**ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَال**» را معنا کرده‌اند: «**وَ هُوَ أَنْ يَذْكُرَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ يَهُمُّ بِهَا**»؛ وقتی که می‌رود به سمت معصیت، ذکر خدا او را مانع بشود. ذکر؛ یاد کند خدا را و این معصیت را انجام ندهد؛ انواع معاصی را؛ خلاف واقع گفتن، دروغ گفتن، غیبت کردن، حق را پوشاندن، بی‌انصافی کردن، اهانت کردن، مال مردم را، مال بیت‌المال را، مال ضعفا را تصرف کردن یا درباره‌ی آن‌ها بی‌اهتمامی به خرج‌دادن. این‌ها گناهان گوناگون است. در همه‌ی این‌ها، انسان توجّه کند به خدا؛ ذکر خدا مانع بشود از اینکه انسان به سمت این گناه برود.

«**فَيَحُولُ ذِكْرُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّيْطانِ تَذَكَّرُوا**».[1] بعد حضرت می‌فرمایند که این، تفسیر آن آیه است که فرمود: «**إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّيْطانِ**»؛ وقتی شیطان به این‌ها تنه می‌زند، گذرنده‌ی شیطان این‌ها را مس می‌کند؛ یعنی هنوز درست به جانش هم نیفتاده، «**تَذَكَّرُوا**»؛ فوراً این‌ها متذکر می‌شوند. «**فَإِذا هُمْ مُبْصِرُونَ**»[2]؛ این ذکر موجب می‌شود که چشم این‌ها، بصیرت این‌ها باز بشود. معنای «**ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَال**» این است.

در صدر روایت بعدی که مورد توجّه من است، تقریباً عباراتش شبیه همین روایتی است که خواندم و همان سه چیز را ذکر می‌کند. در آن

---

(۱) بحارالأنوار ج:۶۶ ص:۳۷۹ ؛ اَلْبَاقِرُ علیه‌السلام.

(۲) سوره‌ی أعراف، آیه‌ی ۲۰۱.

روایت، «**و ذکر اللّه علی کلّ حال**» را داشت، در اینجا و در روایتی که حضرت ابی‌عبداللّه علیه‌السلام می‌فرماید، آمده‌است: «**وَ ذِکْرُ اللَّهِ فِی کُلِّ مَوْطِنٍ**»؛ انسان در همه جا ذکر خدا کند. اما آن نکته‌ی مورد توجّه این است که می‌فرماید: «**أَمَا إِنِّی لَا أَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَر**»؛ اینی که می‌گویم در همه حال ذکر خدا را بگوئید، مقصودم این نیست که بگوئید سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الّا اللّه و اللّه اکبر. این، ذکر لفظی است. «**وَ إِنْ کَانَ هَذَا مِنْ ذَاک**»؛ اگرچه این هم ذکر است، این هم مطلوب است، این هم شریف است و خیلی باارزش است؛ اما مقصود من فقط این نیست، بلکه «**وَ لَکِنْ ذِکْرُ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ فِی کُلِّ مَوْطِنٍ إِذَا هَجَمْتَ عَلَی طَاعَةٍ أَوْ عَلَی مَعْصِیَة**»[1] - هَجَمْتَ یا هَمَمْتَ. نسخه‌ای که من دیدم، هَجَمْتَ است. احتمال می‌دهم هَمَمْتَ باشد- وقتی به سمت طاعت خدا می‌روی، یا به سمت معصیت خدا می‌روی، یاد خدا باشی. این «یاد خدا بودن» مورد نظر است؛ این ذکر اللّه. البتّه این اذکاری که در روایات ما، در این دعاها، در این اوراد گوناگون، تسبیحات حضرت زهرا و بقیه‌ی اذکاری که هست- این‌ها همه وسائل ذکرند، این‌ها کپسولهای ذکرند- ذکر شده‌است، انسان باید این‌ها را با توجّه به معانی و حقایقشان بر زبان جاری کند؛ توجّه پیدا کند. البتّه این‌ها خیلی باارزش است.[۲۵۰]

دفعِ غفلت

دستاوردهای دعا چیست؟ وقتی ما با خدا سخن می‌گوئیم، او را نزدیک خود احساس می‌کنیم، مخاطب خود می‌دانیم و با او حرف می‌زنیم، این دستاوردها از جمله‌ی فواید و عواید دعاست. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل، غفلت را- که مادر همه‌ی انحراف‌ها و کجی‌ها و فسادهای انسان، غفلت از

(۱) الکافی ج:۲ ص:۱۴۵ ؛ اَلصَّادِقُ علیه‌السلام

خداست- می‌زداید. *دعا غفلت را از دل انسان می‌زداید*؛ انسان را به یاد خدا می‌اندازد و یاد خدا را در دل زنده نگه می‌دارد. بزرگترین خسارتی که افراد محروم از دعا مبتلای به آن می‌شوند، این است که یاد خدا از دل آن‌ها می‌رود. نسیان و غفلت از خدای متعال برای بشر بسیار خسارت‌بار است.[۲۵۱]

تعالی و فلاح

علوّ مقام و مرتبه، عروج

❁ خود حرف زدن با پروردگار، خود تضرّع کردن، با خدای متعال سخن گفتن، نزد خدای متعال عذرخواهی و توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفهاست. این، بالاترین جنبه‌هایی است که در دعا وجود دارد. نفس اینکه انسان در مقابل پروردگار بایستد و اشک بریزد و اظهار کوچکی و حقارت کند، برای انسان یک علوّ مقام و مرتبه است. بشر با تضرّع در پیش خدای متعال است که *عروج* می‌کند و اوج می‌گیرد. بدبختی انسان وقتی است که از خدای متعال غافل شود. سیه‌رویی انسان وقتی است که خود را به خدا محتاج نداند.[۲۵۲]

فلاح

❁ ذکر خدا کنید که این ذکر خدا موجب *فلاح* و کامیابی شماست. ذکر خدا پشتوانه‌ی ثبات قدم است.[۲۵۳]

کسب قدرت قلبی، استواری و ثبات قدم در مقابل دشمن

کسب قدرت قلبی و روحی

❁ دعا علامت ضعف نیست، علامت قوّت است. انسان با دعا کسب قدرت می‌کند، *نیروی قلبی و روحی* خودش را - که پشتوانه‌ی نیروی جسمی است - افزایش می‌دهد.[۲۵۴]

جمهوری اسلامی، آن نظامی که باید با قلدرهای جهان مقابله کند؛ آن ملتی که باید با کوههای فساد دربیفتد؛ آن جامعه و نظامی که در مقابل هیچ قلدری سر خم نمی‌کند و برای نجات انسانیت تلاش می‌نماید، چنین جامعه و نظامی، در درون و در دل افراد خود باید درهایی به سوی دعا و تضرّع باز کرده باشد. بدون این، نمی‌شود. اگر می‌خواهید در مقابل دشمن، استوار باشید، باید باب دعا را به روی خودتان باز کنید. اگر می‌خواهید از کسی و چیزی نترسید، باید رابطه‌ی خود را با خدا قوی کنید. اگر می‌خواهید در مقابل جلوه‌های مادّی تکان نخورید و نلغزید، باید خود را با دعا و تضرّع بیمه کنید. این، دعاست. این، وظیفه‌ی قلبی همه‌ی انسانهاست. راهی است که انسان از درون خود، با خدای متعال باز می‌کند. و لذا شما می‌بینید امیرالمؤمنین علیه السلام، آن انسان شجاع، آن جنگجو، آن مرد بزرگ، آن حاکم قدرتمند و نیرومند؛ آن کسی که فکر و ذهن و عقل و حکمت و درس و معارف او برای فرزانه‌ترین فلاسفه و حکمای عالم درس است و باید زانو بزنند و یاد بگیرند؛ آن انسان نیرومندی که اگر همه‌ی دنیا در مقابلش باشد، پشت نمی‌کند، از همه‌ی مردم زمان خود عابدتر و پیش خدای متعال گریه‌کننده‌تر و متضرّعتر است.[۲۵۵]

دعا به انسان توانایی و قدرت می‌دهد و انسان را در مقابل حوادث مستحکم می‌کند؛ لذا در روایت از «دعا» تعبیر شده‌است به سلاح. از نبی مکرّم نقل شده‌است که فرمود: «**أَ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُم**»؛ اسلحه‌ای را به شما معرفی کنم که مایه‌ی نجات شماست؛ «**تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ**».[۱] در مواجهه‌ی با حوادث، توجّه به

(۱) الکافی ج:۲ ص:۴۶۸ ؛ ألرسول صلی الله علیه و آله.

خدای متعال، مثل سلاح بُرنده‌ای در دست انسان مؤمن است. لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرّم اسلام همه‌ی کارهای لازم را انجام می‌داد؛ سپاه را می‌آراست، سربازان را به صف می‌کرد، امکانات لازم را به آن‌ها می‌داد، توصیه‌های لازم را به آن‌ها می‌کرد، اشراف فرماندهیِ خودش را اعمال می‌کرد؛ اما در همان وقت هم وسط میدان زانو می‌زد، دست به دعا بلند می‌کرد، تضرّع می‌کرد، با خدای متعال حرف می‌زد و از او می‌خواست. این ارتباط با خدا، دل انسان را مستحکم می‌کند.[۲۵۶]

واهمه نداشتن از قدرتها

❁ دلی که از خوف و محبّت خدا و توجّه به پروردگار پر شد، دیگر *از هیچ قدرتی واهمه نخواهد داشت*. فایده‌ی دعا این است.[۲۵۷]

استواری در مقابل دشمن

❁ اگر می‌خواهید در مقابل دشمن، *استوار باشید*، باید باب دعا را به روی خودتان باز کنید. اگر می‌خواهید از کسی و چیزی نترسید، باید رابطه‌ی خود را با خدا قوی کنید. اگر می‌خواهید در مقابل جلوه‌های مادّی تکان نخورید و نلغزید، باید خود را با دعا و تضرّع بیمه کنید. این، دعاست. این، وظیفه‌ی قلبی همه‌ی انسانهاست. راهی است که انسان از درون خود، با خدای متعال باز می‌کند. و لذا شما می‌بینید امیرالمؤمنین علیه السلام، آن انسان شجاع، آن جنگجو، آن مرد بزرگ، آن حاکم قدرتمند و نیرومند؛ آن کسی که فکر و ذهن و عقل و حکمت و درس و معارف او برای فرزانه‌ترین فلاسفه و حکمای عالم درس است و باید زانو بزنند و یاد بگیرند؛ آن انسان نیرومندی که اگر همه‌ی دنیا در مقابلش باشد، پشت نمی‌کند، از همه‌ی مردم زمان خود عابدتر و پیش خدای متعال گریه‌کننده‌تر و متضرّعتر است.[۲۵۸]

ثبات قدم

ذکر خدا پشتوانه‌ی *ثبات قدم* است. بنابراین ذکر موجب می‌شود که ما بتوانیم در آن صراط مستقیم سلوک کنیم؛ پیش برویم. آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به عنوان مؤمن، به عنوان مسلمان، به عنوان پیرو یک مکتب مترقی، به عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده می‌دهد، احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جادّه حرکت کنیم.[۲۵۹]

امید و نشاط

دستاورد ششم دعا، دمیدن روح *امید* در انسان است. دعا به انسان قدرت مقاومت در مقابل چالشهای زندگی را می‌دهد. هرکس در دوران زندگی خود با حوادثی مواجه می‌شود و چالش‌هایی پیدا می‌کند. دعا به انسان توانایی و قدرت می‌دهد و انسان را در مقابل حوادث مستحکم می‌کند؛ لذا در روایت از «دعا» تعبیر شده‌است به سلاح. از نبی مکرّم نقل شده‌است که فرمود: «**أَ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ**»؛ اسلحه‌ای را به شما معرفی کنم که مایه‌ی نجات شماست؛ «**تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ**».[۱] در مواجهه‌ی با حوادث، توجّه به خدای متعال، مثل سلاح بُرنده‌ای در دست انسان مؤمن است. لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرّم اسلام همه‌ی کارهای لازم را انجام می‌داد؛ سپاه را می‌آراست، سربازان را به صف می‌کرد، امکانات لازم را به آن‌ها می‌داد، توصیه‌های لازم را به آن‌ها می‌کرد، اشراف فرماندهیِ خودش را

---

(۱) الکافی ج:۲ ص:۴۶۸ ؛ ألرسول ﷺ.

اعمال می‌کرد؛ اما در همان وقت هم وسط میدان زانو مـی‌زد، دسـت بـه دعا بلند می‌کرد، تضرّع می‌کرد، بـا خـدای متعـال حـرف مـی‌زد و از او می‌خواست. این ارتباط با خدا، دل انسان را مستحکم می‌کند.[۲۶۰]

انسان ناامید که چیزی طلب نمی‌کند. پس، دعا یعنی امید، که ملازمِ با امید به اجابت است. این امید به اجابت، دلها را مُشعل می‌کند و منوّر نگه می‌دارد. به برکت دعا، جامعه *بانشاط* و اهل حرکت می‌شود.[۲۶۱]

فصل پنجم:
در دعا از خدا چه بخواهیم؟ نمونه‌هایی از کتابها و دعاهای برجسته

در دعاها از خدا چه بخواهیم؟

همه چیز را

۞ دعاها را رها نکنید ، *همه چیز را با دعا بخواهید*.[۲۶۲]

پیشوایان دین به ما یاد می‌دهند چه بخواهیم - چیزهای اصلی

۞ دعاهایی که ما می‌خوانیم، پر از حکمت است. در دعاهای مأثور از ائمّه علیهم‌السلام که به ما می‌رسد، نکاتی عاید از معارف وجود دارد که حقیقتاً مورد احتیاج انسان است. آن بزرگواران با آوردن این نکات در دعاها به ما یاد می‌دهند که از خدا چه بخواهیم.[۲۶۳]

۞ معصومین علیهم‌السلام، یاد می‌دهند که چه باید از خدا بخواهیم. چیزهایی که باید از خدا خواست، همانهاست که آن بزرگواران در ادعیه مطرح می‌کنند. بعضی در دنیا، به سراغ زیادیهای زندگی می‌روند. می‌گویند: فلان معامله برای من جور شود. فلان سفر درست شود. فلان شغل گیرم بیاید. و... چرا انسان *چیزهای اصلی* را از خدا نخواهد؟! پیشوایان دین به ما یاد می‌دهند: «این گونه دعا کنید و این چیزها را از خدا بخواهید.» البتّه نوع دعاهایی که آنان به ما یاد می‌دهند، یک فصلِ طولانی را به خود اختصاص می‌دهد.[۲۶۴]

درخواستهای بزرگ

۞ در دعا همّت *بلند* داشته باشید؛ درخواست‌های بزرگ بکنید؛ سعادت دنیا و آخرت را بخواهید و نگوئید این‌ها بزرگ است، این‌ها زیاد است؛ نه، برای خدای متعال این‌ها چیزی نیست. عمده این است که شما به معنای حقیقی کلمه و با همین شرایط، طلب کنید؛ خدای متعال این طلب را اجابت خواهد کرد.[۲۶۵]

حتّی چیزهای کوچک

۞ ضمناً، از کوچک *بودن خواسته* هم ابا نداشته باشید. خواسته‌های کوچکِ کوچک را هم از خدا بخواهید. در روایت است که حتّی بندِ کفش خود را - که چیز خیلی حقیری است - از خدا بخواهید. روایتی است از امام باقر علیه‌السلام که می‌فرماید: «**لَا تُحَقِّرُوا صَغِيراً مِنْ حَوَائِجِكُمْ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَسْأَلُهُم**»[۱]؛ «حاجتهای کوچک را حقیر نشمارید و از خدا بخواهید». خوب؛ انسان به بند کفش احتیاج دارد؛ به در مغازه می‌رود و می‌خرد. این هم دعا لازم دارد؟! بله! تا احساس کردید که به بند کفش و یا هر چیز دیگر به این کوچکی نیاز دارید، دل را متوجّه خدا کنید و بگوئید: «پروردگارا! این را هم به من برسان.» رساندنش به چه ترتیب است؟ به این ترتیب است که پول در جیبم بگذارم، سرِ کوچه بروم، از مغازه بخرم و بعد هم آن را مورد استفاده قرار دهم. به‌هرحال، باید از خدا بخواهید. اگرچه به در مغازه رفتید، پول دادید و بند کفش خریدید؛ اما بازهم آن را خدا به شما داد. از غیر طریق خدا که چیزی به دست انسان نمی‌رسد. هرچه به ما می‌رسد خدا به ما می‌دهد.

---

(۱) مستدرک‌الوسائل ج:۵ ص:۱۷۲ ؛ اَلْبَاقِرُ علیه‌السلام.

چیزی را که خدا می‌دهد، قبلاً باید از خدا بخواهیم. چرا بخواهیم؟ یکی از علل اینکه گفته‌اند *حاجات* کوچک را هم از خدا بخواهید، این است که به حوائج و عجز و حقارت و تهی‌دستی خودمان توجّه پیدا کنیم تا ببینیم که چقدر تهی‌دستیم. اگر خدای متعال کمک نکند، امکان ندهد، نیرو ندهد، فکر ندهد، ابتکار ندهد و وسایل را جور نیاورد، همان بندِ کفش هم به دست ما نخواهد رسید. اگر شما به قصد خریدنِ بند کفش از خانه بیرون آمدید، در راه، جیبتان را زدند یا پولتان گم شد و یا مغازه‌ی مورد نظر، بسته بود و یا در بین راه، حادثه‌ی مهمّی پیش آمد که مجبور شدید برگردید، بند کفش گیرتان نیامده‌است. بنابراین، هر چیز را از خدا بخواهید؛ حتّی بند کفش را، حتّی کوچک‌ترین اشیا را و حتّی قوت روزانه‌ی خود را. بگذارید این منِ دروغینِ عظمت یافته در سینه‌ی ما- که می‌گوئیم «من» و خیال می‌کنیم مجمع نیروها ما هستیم- بشکند. این «من» انسانها را بیچاره می‌کند. این هم مطلبی در باب دعا که انسان خواسته‌های خود را از طریق دعا به دست آورد.[۲۶۶]

۞ گفته‌اند: حتّی چیزهای *کوچکت* را هم از خدا بخواه تا بفهمی که حقیری. بدانی که گاهی اوقات، یک پشه یا مگس، انسان را از کار می‌اندازد، و آسایش وی را می‌گیرد: «**إِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبابُ شَيْئاً لا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ.**»[۱] [۲۶۷]

حاجات همه‌ی انسانهایی که روی کره‌ی خاک هستند

۞ حال نگاه کنید به حاجات خودتان، *حاجات* مسلمانان، حاجات کشورتان، حاجات برادران مؤمنتان؛ به مریضها، به مریض‌دارها، به

(۱) سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷۳.

جانبازان، به غم دیده‌ها، به دلهای غمگین، به چشمهای نگران، به نیازهای فراوانِ انسانهایی که حول و حوش شما، زیر سقف شما و در کشور شما هستند، در دنیای اسلام هستند، روی کره‌ی خاک هستند. همه‌ی این حاجات را در این شبهای قدر، یکی یکی از خدای متعال بخواهید.[۲۶۸]

۞ شما در هر روز از ماه رمضان- بنا بر مأثور- بعد از هر نماز می‌گوئید: «**أَللَّهُمَّ أَدْخِلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ. اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ.**» از خدا می‌خواهید همه‌ی فقرا را غنی کند. فقط فقرای ایران را نمی‌گوئید. «**أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ**» یعنی همه‌ی فقرای اسلام غنی شوند. این‌ها، خیلی مهمّ است. در ادامه‌ی این دعا می‌گوئید: «**أَللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ.**»(۱) انسان حاجتی به این کلانی از خدا می‌خواهد![۲۶۹]

برای همه‌ی مسلمین

۞ *بعضی چیزها را برای همه‌ی مسلمین بخواهید.* در همین دعا، عبارتِ «**أَللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ**»(۲)، از آنِ مسلمانان است.[۲۷۰]

اول دیگران، بعد خودِ ما

۞ امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌گوید: شب جمعه‌ای مادرم به عبادت ایستاد و تا صبح عبادت کرد. «**حَتَّى انْفَجَرَ عَمُودُ الصُّبْحِ**» تا وقتی‌که طلوع فجر شد. مادر من از سر شب تا صبح مشغول عبادت بود و دعا و تضرّع کرد. امام حسن علیه‌السلام می‌گوید شنیدم که دائم مؤمنین و مؤمنات را دعا کرد؛ مردم را دعا کرد؛ برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: «**يَا أُمَّاهْ!**»؛ «مادرم!» «**لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكِ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكِ؟**»؛ «یک دعا برای

---

(۱) مستدرک‌الوسائل ج:۷ ص:۴۴۷ ؛ ألرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله.

(۲) همان.

خودت نکردی! یک شب تا صبح دعـا، همـه *بـرای دیگـران*!؟» در جـواب فرمود: «**يَا بُنَيَّ أَلْجَارُ ثُـمَّ الـدَّارُ**»[۱]؛ «اوّل دیگـران بعـد خـودِ مـا!» ایـن، آن روحیه‌ی والاست.[۲۷۱]

کتاب نمونه

صحیفه‌ی سجّادیه

۞ با *صحیفه‌ی سجّادیه* مأنوس شوید. کتاب بسیار عظیمی است. اینکـه گفته‌اند زبور آل محمّد، واقعاً همین‌طور است؛ پُر از نغمـه‌هـای معنـوی است، دعا و درس است.[۲۷۲]

۞ به نظر من *صحیفه‌ی سجّادیه‌ی* مبارکه یکی از بهترین ذخایر معنوی ماست، اگر بتوانیم از این استفاده کنیم.[۲۷۳]

نمونه‌هایی از بهترین دعاها

۞ دعاهایی که از أئمّه رسیده‌است، بهترین دعاهاست. اوّلاً خواسته‌هایی در این دعاها گنجانده شده‌است که بـه ذهـن امثـال ماهـا اصـلاً خطـور نمی‌کند و انسان از زبان أئمّه علیهم‌السلام آن‌ها را از خدا طلب می‌کند. در دعای ابوحمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه بهترین مطالبات و خواسته‌ها بـرای انسان مطرح می‌شود؛ که اگر انسان این‌ها را از خـدا بخواهـد و بگیـرد، می‌تواند برای او سرمایه باشد.[۲۷۴]

دعای هشتم صحیفه‌ی سجّادیه

۞ و امام سجّاد علیه‌السلام، دعا کرده و به زبان دعـا، همـان معـارف را بیـان فرموده‌است. یا *دعای هشتم صحیفه* که من بعضی از فقراتش را یادداشـت

---

(۱) بحارالأنوار ج:۸۶ ص:۳۱۳ ؛ أَلْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه‌السلام

کرده‌ام یک درس اخلاقی است. کأنّه خطبه‌ای است که کسی بخواند، یا یک سخنرانی برای مردم بکند و لغزشگاههای اخلاقی را برای آنان بیان نماید.[۲۷۵]

دعاهای مأثور از جمله دعای ابی‌حمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه

نکته‌ی آخر در باب دعا، *دعاهای مأثور* است. دعاهایی که از أئمّه رسیده‌است، بهترین دعاهاست. اوّلاً خواسته‌هایی در این دعاها گنجانده شده‌است که به ذهن امثال ماها اصلاً خطور نمی‌کند و انسان از زبان أئمّه علیهم‌السلام آن‌ها را از خدا طلب می‌کند. در دعای ابوحمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه بهترین مطالبات و خواسته‌ها برای انسان مطرح می‌شود؛ که اگر انسان این‌ها را از خدا بخواهد و بگیرد، می‌تواند برای او سرمایه باشد. ثانیاً در این دعاها مایه‌های خشوع و تضرّع وجود دارد. مطلب، با زبان و لحن و بیانی ادا شده‌است که دل را خاشع و نرم می‌کند. با عبارات فصیح و بلیغ، عشق و شیفتگی و شوق در این دعاها موج می‌زند. انسان باید این دعاها را قدر بداند و از آن‌ها استفاده کند.

البتّه باید معنای این دعاها را بفهمیم. خوشبختانه الآن ترجمه‌های خوب وجود دارد و مفاتیح الجنان و دعاهای گوناگون ترجمه شده‌است. با توجّه به ترجمه‌ها، دقّت کنند و بخوانند. البتّه تا آنجایی که ما دیده‌ایم، هیچ ترجمه‌ای نتوانسته زیبایی‌های الفاظ این دعاها را منعکس کند؛ ولی بالاخره مضمون دعا معلوم است. با توجّه به این ترجمه‌ها دعاها را بخوانند. کسانی که می‌خوانند و با آن‌ها عدّه‌ای هم‌صدا می‌شوند، بعضی از فقرات دعا را لااقل ترجمه کنند. البتّه مرتبه‌ی پائین‌ترش هم این است که اگر انسان معنای دعا را نمی‌فهمد، همین‌قدر احساس کند که با یک زبانِ شیفته‌ی حاکی از سوز دل دارد با خدای متعال حرف می‌زند.[۲۷۶]

اگر کسی معنای دعا، مثلاً دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی، یا دعای امام حسین علیه‌السلام

در روز عرفه را بفهمد و توجّه کند که هر دو خیلی طولانی هستند و چون گاهی انسان معنا را هم می‌داند، اما توجّه نمی‌کند، ذهنش جاهای دیگر می‌رود امکان ندارد از این دعای به این بلندی خسته شود. یعنی این گفتگویی که در این دعا انجام گرفته، بین آن بنده‌ی برگزیده و شایسته و بامعرفت و خدا، این‌قدر پُرجاذبه و نافذ و حقیقی است یعنی بیان‌کننده‌ی آن خواستهای فطری انسان است که امکان ندارد کسی هیچ‌وقت از آن خسته شود.[۲۷۷]

❁ *دعای شریف ابی‌حمزه‌ی ثمالی*، این دعای طولانی، حالت مناجاتی عجیب دارد . و اما لابه‌لای این مناجاتها، نیازهای واقعی انسان نهفته‌است. نیازهای واقعی آنهایی است که این بزرگوار از خدای متعال می‌خواهد.[۲۷۸]

❁ دعاهای مأثور از أئمّه علیهم‌السلام بهترین مضامین در زیباترین الفاظ و سرشار از معارف الهی است که قدر آن‌ها را باید دانست و بایستی به آن‌ها متوسّل شد.[۲۷۹]

❁ بهترین دعا آن است که از سر معرفتی عاشقانه به خدا و بصیرتی عارفانه به نیازهای انسان انشا شده باشد، و این را فقط در مکتب پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت طاهرین او- که *اوعیه‌ی علم پیامبر* صلی‌الله‌علیه‌وآله و وراث حکمت و معرفت اویند- می‌توان جست.[۲۸۰]

❁ این دعاها را در اختیار ما گذاشته‌اند. کیفیت حرف زدن و مناجات کردن با خدا را به ما یاد داده‌اند. معین کرده‌اند که چه حرفهایی را می‌شود با خدا زد. بعضی از این جملاتِ *ادعیه‌ی مأثوره* از أئمّه علیهم‌السلام هست که اگر این‌ها نبود، آدم نمی‌توانست خودش تشخیص بدهد که می‌شود با خدا با این زبان حرف زد و این‌طور از خدا خواست و التماس کرد.[۲۸۱]

درخواستهای نمونه

هدایت به صراط مستقیم

❁ و در هر نمازی هم اقلّاً در دو رکعتش می‌گوئیم: «**إِهْدِنَا الصِّرَاطَ**

الْمُسْتَقِيمَ»... شما هفده رکعت نماز واجب می‌خوانید. از این هفده رکعت باید در ده رکعتش «**إِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ**» بگوئید.[۲۸۲]

۞ معمولاً انسان یک‌بار دعا می‌کند. اینکه دائم صراط مستقیم را از خدا می‌خواهیم، همان استجابت «**إِسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ**»[(۱)] است.[۲۸۳]

درخواست مغفرت

۞ وقتی اصحاب و حواریّون پیامبران، در جنگها و حوادث گوناگون، دچار مصیبتی می‌شدند، روی دعا به جانب پروردگار می‌نمودند و عرض می‌کردند: «**رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ إِسْرافَنا فِي أَمْرِنا**»[(۲)]؛ خدایا! گناهان و زیاده‌روی‌ها و بی‌توجّهی‌هایی را که در کار خودمان کردیم، بیامرز.[۲۸۴]

نمونه‌ای از درخواستهای ذکرشده در دعای ابی‌حمزه

زندگی گوارا

۞ من از دعای شریف ابی‌حمزه‌ی ثمالی چند فقره برایتان عرض می‌کنم. این دعای طولانی، حالت مناجاتی عجیب دارد که در بخش سوّم عرض خواهم کرد. و اما لابه‌لای این مناجاتها، نیازهای واقعی انسان نهفته‌است. نیازهای واقعی آنهایی است که این بزرگوار از خدای متعال می‌خواهد. مثلاً در فرازی از دعا، خطاب به قادر متعال، عرض می‌کند: «**أَرْغِدْ عَيْشِي**»[(۳)]؛ «زندگی مرا *زندگی گوارایی* قرار بده.» گوارا بودن زندگی، نه با پول، نه با قدرت و نه با داشتن زر و زور است. زیرا یک فرد، در عین برخورداری از همه‌ی این امکانات، ممکن است زندگی برایش گوارا نباشد. نگرانی‌ای دارد که زندگی برایش گوارا نیست. مشکل خانوادگی‌ای دارد که زندگی برایش گوارا نیست.

---

(۱) سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۱۵.

(۲) سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۴۷.

(۳) بحارالأنوار ج:۹۵ ص:۹۱ ؛ أَلسَّجَّاد علیه‌السلام.

اولادش مشکلی پیدا می‌کنند - العیاذُ باللّه، نستجیر باللّه، یکی از فرزندان وی، اخلاق بدی دارد - دیگر زندگی برایش گوارا نیست. خبر بدی به انسان می‌رسد؛ زندگی بر او تلخ و ناگوار می‌شود. این انسان، هم پول دارد، هم قدرت دارد، هم امکانات دارد؛ همه چیز دارد؛ اما زندگی گوارا ندارد. ممکن است انسان فقیری که زندگی خیلی ساده‌ای دارد و در اتاقی محقّر، با عیال و فرزندش در عین تنگدستی گذران زندگی می‌کند، زندگی‌اش گواراتر از آن فردِ همه چیزدارِ ثروتمند و قدرتمند باشد.[۲۸۵]

بروز و ظهور جوانمردی

۞ ببینید حضرت سجّاد علیه السلام، چگونه نقطه‌ی اصلی را مورد توجّه قرار می‌دهد. می‌گوید: «**أَرْغِدْ عَيْشِي وَ أَظْهِرْ مُرُوَّتِي**»[۱]؛ «*زندگی‌ام را گوارا و جوانمردی‌ام را آشکار کن.*» ظاهراً معنای عبارت دوّم این است که «میدانی به وجود آید، تا من در آن، صفت جوانمردی را به منصه‌ی بروز درآورم.» نه این‌که «مردم ببینند من جوانمردم؛» نه. برای این‌که، اگر بخواهیم جوانمردی بروز پیدا کند، باید جوانمردی کنیم. صرف این‌که جوانمردی در درون انسان وجود داشته باشد، کافی نیست. انسان باید جوانمردی را به مرحله‌ی عمل برساند و نسبت به کسانی جوانمردی کند. این می‌شود «**أَظْهِرْ مُرُوَّتِي**».[۲۸۶]

اصلاح همه‌ی کارها

۞ در ادامه می‌فرماید: «**وَ اَصْلِحْ جَمِيعَ اَحْوالِي**»؛ «*همه‌ی کارهای من و احوال مرا اصلاح کن.* حال دعای مرا اصلاح کن. حال زندگی معمولی من و خانواده‌ام را اصلاح کن. حال شغلی را که دارم، اصلاح کن. همه‌ی خصوصیات مرا اصلاح کن.» اصلاح هر امری، به حسب خودش، یک

---

(۱) بحارالأنوار ج:۹۵ ص:۹۱ ؛ اَلسَّجّاد علیه السلام.

دعای کامل و جامع است. «**وَ اجْعَلنی مِمّن اَطَلْتَ عُمْرَهُ وَ حَسَّنْتَ عَمَلَهُ وَ اَتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ وَ رَضیتَ عَنْهُ وَ اَحْیَیْتَهُ حَیوةً طَیِّبَةً.**»[۱] می‌گوید: «مرا از کسانی قرار بده که عمری طولانی توأم با عمل نیکو و همراه با نعمتِ کامل الهی و همراه با رضای پروردگار و حیات طیّبه دارند.» آیا چیزی از این بهتر، وجود دارد؟! معصومین علیهم‌السلام، یاد می‌دهند که چه باید از خدا بخواهیم. چیزهایی که باید از خدا خواست، همانهاست که آن بزرگواران در ادعیه مطرح می‌کنند. بعضی در دنیا، به سراغ زیادیهای زندگی می‌روند. می‌گویند: فلان معامله برای من جور شود. فلان سفر درست شود. فلان شغل گیرم بیاید. و... چرا انسان چیزهای اصلی را از خدا نخواهد؟! پیشوایان دین به ما یاد می‌دهند: «این گونه دعا کنید و این چیزها را از خدا بخواهید.» البتّه نوع دعاهایی که آنان به ما یاد می‌دهند، یک فصلِ طولانی را به خود اختصاص می‌دهد.[۲۸۷]

دفع نقطه‌های ضربه‌پذیر معنوی

نکته‌ی دیگر این‌که، آنان در خلال دعاهای مذکور، *نقطه‌های ضربه‌پذیر معنوی* را به یادِ ما می‌آورند و هشدار می‌دهند که «ممکن است از این نقاط ضربه بخورید و آسیب ببینید.» در همین دعای شریفِ أبوحمزه، در عبارتی می‌فرماید: «**أللّهم خُصّنی مِنْکَ بخاصَّة ذِکْرِکَ وَ لاتَجْعَل شَیئاً مِمَّا اَتَقَرَّبُ بِهِ فی آناءِ اللَّیلِ وَ اَطْرافِ النَّهارِ ریاءً وَلا سُمْعَةً وَلا اَشَراً و لابَطَرا**»[۲]؛ «خداوندا! کاری کن که کارهای انجام شده از طرف من، ریا و سمعه نباشد. برای این‌که این و آن ببینند، نباشد. برای این‌که دهن به دهن بگردد، و مردم به هم بگویند خبر دارید فلان کس چه کار خوبی کرد و چه عبادات خوبی انجام داد، نباشد. از روی ناز و غرور،

(۱) همان.

(۲) همان.

نباشد» آخر بعضی مواقع انسان کارهایی را از روی ناز و غرور انجام می‌دهد و به خود می‌بالد و می‌گوید: «آری! ما بودیم که این کار را انجام دادیم.» اینها نباشد. اینها، آن نقاطِ ضربه‌پذیر است. انسان خیلی کارهای خوب انجام می‌دهد؛ اما با اندکی ریا و سمعه، آن کارها را «**هباءً منثورا**» می‌کند. دود می‌کند و به هوا می‌فرستد. معصومین علیهم‌السلام به ما توجّه می‌دهند و می‌فرمایند: «**مواظب باشید این طور نشود!**» «**و اجْعَلْنی لَکَ مِنَ الْخاشِعینَ**» تا آخر.[۲۸۸]

نمونه‌ای از درخواستهای ذکرشده در دعای ماه رمضان

أَللّهُمَّ أَغْنِ کُلَّ فَقِیر

۞ شما در هر روز از ماه رمضان - بنابر مأثور - بعد از هر نماز می‌گوئید: «**أَللّهُمَّ أَدْخِلْ عَلَی أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ، أَللّهُمَّ أَغْنِ کُلَّ فَقِیر.**» از خدا می‌خواهید همه‌ی فقرا را غنی کند. فقط فقرای ایران را نمی‌گوئید. «**أَغْنِ کُلَّ فَقِیر**»[۱] یعنی همه‌ی فقرای اسلام غنی شوند. اینها، خیلی مهمّ است. خواسته و حاجت بزرگی است، وقتی می‌گوئید «خدایا، همه‌ی فقرا را غنی کن.» خوب؛ از خدا می‌خواهیم. چرا نشود خواست؟! اگر موانع بر سر راه غنی شدن برطرف گردد، چرا نشود؟! پدیده‌ی فقر که یک امر ذاتی در جامعه نیست. فقر در جوامع بشری، یک امر تحمیلی است. فقر را قدرتهای ستمگر و زورگو و زیاده‌طلب عالم، بر افراد و بر ملتها تحمیل می‌کنند. اگر این قدرتها از میان بروند، چرا دعای «**أَللّهُمَّ أَغْنِ کُلَّ فَقِیر**» مستجاب نشود؟! ممکن است چنین حاجتی برآورده شود.[۲۸۹]

أَللّهُمَّ أَشْبِعْ کُلَّ جَائِع

۞ در ادامه‌ی این دعا می‌گوئید: «**أَللّهُمَّ أَشْبِعْ کُلَّ جَائِعٍ، اللّهُمَّ اکْسُ کُلَّ**

---

(۱) مستدرک‌الوسائل ج:۷ ص:۴۴۷ ؛ ألرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله.

عُرْيَـان.»[۱] انسان حاجتی به این کلانی از خدا می‌خواهد! در دعای سـحر روز جمعه – که مستحبّ است – دعایی کوتاه، اما بـسیار خـوب اسـت. اگر توفیق پیدا کردید، حتماً ایـن دعـا را بخوانیـد. اوّل درخواسـتهایی از خدا می‌شود و بعد این عبارت می‌آید: «**إِلَهِی طُمُـوحُ الْآمَـالِ قَـدْ خَابَـتْ إِلَّـا لَدَيْکَ وَ مَعَاکِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَيْکَ**»[۲] «خدایا! آرزوهای سـرکش و بزرگ و خواسته‌های عظیم، محکوم به نومیدی هستند؛ مگر وقتی که با تو مطرح شوند.» کـاروان طلبهـای مـا، از راه رفـتن، محکـوم بـه بـاز ماندنند؛ مگر وقتی که در خانه تو بیایند.[۲۹۰]

أَللَّهُمَّ أَصْلِحْ کُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ

خداوند از حاجت بزرگ انسان که هراسی ندارد! از خدا، هر چـه بزرگتر بخواهید. مبادا یک وقت انسان با خود بگوید: «خوب؛ مـن ایـن چیزی را که می‌خواهم، اگر برای خودم بخواهم، قابل شدن است. اما طلب عافیت برای همه‌ی انـسانها، خیلـی بـزرگ اسـت. چطـور ایـن را از خـدا بخـواهم؟!» نـه؛ بخواهیـد. بـرای بـشریّت بخواهیـد. بـرای همـه‌ی انـسانها بخواهید. بعضی چیزها را برای همـه‌ی مـسلمین بخواهیـد. در همـین دعـا، عبارتِ «**اللَّهُمَّ أَصْلِحْ کُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ**»[۳]، از آن مـسلمانان اسـت. مخصوص دعایی است که مخصوص اهل اسلام اسـت. البتّـه، آن هـم عللـی دارد که چرا؟ شـاید در غیـر اهـل اسـلام، امکـانش نیـست و شـاید بـدون حاکمیت اسلام، ممکن نیست که خدای متعال همـه‌ی مفاسـد را برطـرف کند. اصلاً نمی‌شود. شرطش، اسلام است.[۲۹۱]

---

(۱) همان.

(۲) بحارالأنوار ج:۸۶ ص:۳۰۶ ؛ أَلصَّادِقُ علیه‌السلام.

(۳) مستدرک‌الوسائل ج:۷ ص:۴۴۷ ؛ أَلرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله.

ارجاعات

۱. ۶۹/۱/۱۰
۲. ۸۴/۲/۱۹
۳. ۶۴/۷/۱۵
۴. ۸۸/۵/۱۸
۵. ۸۴/۷/۲۹
۶. ۸۴/۷/۲۹
۷. ۷۱/۱۲/۷
۸. ۸۵/۷/۲۱
۹. ۸۴/۷/۲۹
۱۰. ۷۱/۱۲/۷
۱۱. ۸۵/۷/۲۱
۱۲. ۶۹/۱/۱۸
۱۳. ۸۷/۴/۲۶
۱۴. ۸۵/۷/۲۱
۱۵. ۶۹/۱/۱۰
۱۶. ۷۶/۱۱/۱۴
۱۷. ۶۹/۱/۱۰
۱۸. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۹. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۰. ۸۴/۷/۲۹
۲۱. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۲. ۸۵/۷/۲۱
۲۳. ۸۵/۷/۲۱
۲۴. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۵. ۷۱/۱۲/۷
۲۶. ۷۱/۱۲/۷
۲۷. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۸. ۷۱/۱۲/۷
۲۹. ۷۱/۱۲/۷
۳۰. ۷۳/۱۱/۲۸
۳۱. ۷۳/۱۱/۲۸
۳۲. ۷۵/۱۱/۱۲
۳۳. ۷۱/۱۲/۷
۳۴. ۸۴/۷/۲۹
۳۵. ۸۵/۷/۲۱
۳۶. ۸۴/۱۲/۱۹
۳۷. ۷۱/۴/۲۲
۳۸. ۸۰/۶/۱۵
۳۹. ۸۸/۳/۲۹
۴۰. ۷۹/۴/۱۹
۴۱. ۷۶/۱۱/۱۴
۴۲. ۷۳/۱۱/۱۴
۴۳. ۷۷/۱۰/۴
۴۴. ۷۷/۱۰/۴
۴۵. ۷۳/۱۱/۲۸
۴۶. ۷۳/۱۱/۲۸
۴۷. ۷۷/۱۰/۴
۴۸. ۸۰/۶/۱۵
۴۹. ۸۶/۶/۳۱
۵۰. ۸۲/۲/۲۲
۵۱. ۸۵/۶/۳۱
۵۲. ۷۳/۱/۱
۵۳. ۸۰/۹/۲۱
۵۴. ۸۰/۶/۱۵
۵۵. ۷۳/۱/۱
۵۶. ۷۸/۴/۱۰
۵۷. ۸۶/۶/۳۱
۵۸. ۷۱/۱۲/۷
۵۹. ۸۷/۷/۱۰
۶۰. ۷۱/۱۲/۷
۶۱. ۸۴/۷/۲۹
۶۲. ۸۵/۷/۲۱
۶۳. ۸۷/۶/۳۰
۶۴. ۷۵/۲/۲۶
۶۵. ۸۴/۷/۲۹
۶۶. ۷۳/۱۱/۲۸
۶۷. ۶۴/۷/۱۵
۶۸. ۷۳/۲/۲۸

۶۹. ۸۵/۷/۲۱
۷۰. ۶۴/۷/۱۵
۷۱. ۶۹/۸/۱۳
۷۲. ۶۸/۳/۱۹
۷۳. ۸۵/۶/۳۱
۷۴. ۷۰/۵/۲۳
۷۵. ۷۳/۱/۱
۷۶. ۷۳/۱/۱
۷۷. ۷۰/۱۲/۱۳
۷۸. ۸۶/۶/۳۱
۷۹. ۸۶/۶/۳۱
۸۰. ۷۶/۹/۱۳
۸۱. ۸۷/۳/۲۱
۸۲. ۷۶/۱۱/۱۴
۸۳. ۷۲/۱۱/۱۷
۸۴. ۷۱/۱۲/۷
۸۵. ۷۳/۲/۲۸
۸۶. ۷۰/۱۲/۱
۸۷. ۷۱/۱۲/۷
۸۸. ۸۸/۳/۲۹
۸۹. ۷۷/۱۰/۴
۹۰. ۷۳/۱۱/۱۴
۹۱. ۷۳/۱۱/۲۸
۹۲. ۷۰/۵/۲۳
۹۳. ۸۴/۷/۲۹
۹۴. ۸۵/۷/۲۱
۹۵. ۸۷/۶/۳۰
۹۶. ۷۳/۱۱/۲۸
۹۷. ۸۷/۶/۱۹
۹۸. ۷۰/۷/۵
۹۹. ۷۳/۲/۲۸
۱۰۰. ۷۷/۱۰/۴
۱۰۱. ۸۴/۷/۲۹
۱۰۲. ۷۵/۱۰/۲۸
۱۰۳. ۶۸/۳/۱۹
۱۰۴. ۷۷/۱۰/۴
۱۰۵. ۸۵/۷/۲۱
۱۰۶. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۰۷. ۸۷/۷/۱۰
۱۰۸. ۷۱/۱۲/۷
۱۰۹. ۶۹/۱/۱۰
۱۱۰. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۱۱. ۸۵/۳/۲۹
۱۱۲. ۷۱/۱۲/۷
۱۱۳. ۸۴/۷/۲۹
۱۱۴. ۸۴/۷/۲۹
۱۱۵. ۷۹/۴/۱۹
۱۱۶. ۷۱/۱۲/۷
۱۱۷. ۸۵/۷/۲۱
۱۱۸. ۷۷/۱۰/۴
۱۱۹. ۷۱/۱۲/۷
۱۲۰. ۸۴/۷/۲۹
۱۲۱. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۲۲. ۷۷/۱۰/۴
۱۲۳. ۷۱/۱۲/۷
۱۲۴. ۷۷/۱۰/۴
۱۲۵. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۲۶. ۶۹/۱/۱۸
۱۲۷. ۶۹/۱/۱۸
۱۲۸. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۲۹. ۶۹/۱/۱۸
۱۳۰. ۸۵/۷/۲۱
۱۳۱. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۳۲. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۳۳. ۷۳/۱۱/۱۴
۱۳۴. ۸۴/۷/۲۹
۱۳۵. ۷۶/۱۱/۱۴
۱۳۶. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۳۷. ۷۱/۱۲/۷
۱۳۸. ۷۱/۱۲/۷
۱۳۹. ۶۹/۱/۱۰
۱۴۰. ۷۱/۱۲/۷
۱۴۱. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۴۲. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۴۳. ۷۷/۷/۲۹
۱۴۴. ۷۰/۱۲/۱۳
۱۴۵. ۷۶/۱۱/۱۴
۱۴۶. ۸۴/۷/۲۹
۱۴۷. ۷۱/۱۲/۷
۱۴۸. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۴۹. ۷۶/۱۱/۱۴
۱۵۰. ۷۱/۱۲/۷
۱۵۱. ۸۴/۷/۲۹
۱۵۲. ۷۱/۱۲/۷
۱۵۳. ۸۵/۷/۲۱
۱۵۴. ۷۷/۱۰/۴
۱۵۵. ۸۴/۷/۲۹
۱۵۶. ۸۸/۵/۱۸
۱۵۷. ۷۱/۱۲/۷
۱۵۸. ۷۱/۱۰/۲۳
۱۵۹. ۸۴/۷/۲۹
۱۶۰. ۷۹/۴/۱۹
۱۶۱. ۷۱/۱۲/۷
۱۶۲. ۸۴/۷/۲۹
۱۶۳. ۸۴/۷/۲۹
۱۶۴. ۸۴/۷/۲۹
۱۶۵. ۸۴/۷/۲۹
۱۶۶. ۸۴/۷/۲۹
۱۶۷. ۸۴/۷/۲۹
۱۶۸. ۷۱/۱۲/۷
۱۶۹. ۷۳/۲/۲۸
۱۷۰. ۷۳/۱۱/۲۸

۱۷۱. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۷۲. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۷۳. ۶۸/۷/۲۸
۱۷۴. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۷۵. ۷۱/۱/۱۹
۱۷۶. ۷۱/۱۰/۲۳
۱۷۷. ۷۰/۱/۱۶
۱۷۸. ۶۹/۱/۱
۱۷۹. ۶۹/۱/۱۰
۱۸۰. ۶۹/۲/۶
۱۸۱. ۶۹/۴/۷
۱۸۲. ۶۴/۷/۱۵
۱۸۳. ۶۹/۱۱/۱۹
۱۸۴. ۷۵/۱۰/۲۸
۱۸۵. ۷۷/۱۰/۴
۱۸۶. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۸۷. ۸۵/۷/۲۱
۱۸۸. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۸۹. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۹۰. ۸۷/۸/۲۹
۱۹۱. ۷۰/۱۲/۷
۱۹۲. ۷۳/۱۱/۲۸
۱۹۳. ۷۷/۷/۲۹
۱۹۴. ۸۴/۷/۲۹
۱۹۵. ۸۵/۷/۲۱
۱۹۶. ۸۵/۷/۲۱
۱۹۷. ۸۷/۴/۲۶
۱۹۸. ۸۸/۳/۲۹
۱۹۹. ۷۱/۱۲/۷
۲۰۰. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۰۱. ۷۷/۱۰/۴
۲۰۲. ۷۱/۱۲/۷
۲۰۳. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۰۴. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۰۵. ۷۷/۱۰/۴
۲۰۶. ۷۷/۱۰/۴
۲۰۷. ۸۴/۷/۲۹
۲۰۸. ۷۳/۱۱/۱۴
۲۰۹. ۷۹/۴/۱۹
۲۱۰. ۷۱/۱۲/۷
۲۱۱. ۷۱/۱۲/۷
۲۱۲. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۱۳. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۱۴. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۱۵. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۱۶. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۱۷. ۸۶/۶/۳۱
۲۱۸. ۸۶/۶/۳۱
۲۱۹. ۷۱/۱/۱۵
۲۲۰. ۸۴/۷/۲۹
۲۲۱. ۸۸/۵/۱۸
۲۲۲. ۶۴/۷/۱۵
۲۲۳. ۸۶/۶/۳۱
۲۲۴. ۷۵/۲/۲۶
۲۲۵. ۷۵/۲/۲۶
۲۲۶. ۸۵/۷/۲۱
۲۲۷. ۸۵/۷/۲۱
۲۲۸. ۷۳/۱۱/۲۸
۲۲۹. ۸۴/۲/۱۹
۲۳۰. ۷۷/۱۰/۴
۲۳۱. ۸۴/۷/۲۹
۲۳۲. ۷۷/۱۰/۴
۲۳۳. ۸۴/۷/۲۹
۲۳۴. ۸۴/۷/۲۹
۲۳۵. ۸۷/۶/۳۰
۲۳۶. ۷۶/۱۱/۱۴
۲۳۷. ۷۷/۷/۲۹
۲۳۸. ۷۵/۱۱/۱۲
۲۳۹. ۸۵/۹/۱
۲۴۰. ۶۹/۱/۱۰
۲۴۱. ۸۴/۷/۲۹
۲۴۲. ۷۶/۱۰/۳
۲۴۳. ۷۱/۱/۱۵
۲۴۴. ۸۴/۲/۱۹
۲۴۵. ۸۸/۳/۲۹
۲۴۶. ۸۴/۷/۲۹
۲۴۷. ۷۱/۱۲/۷
۲۴۸. ۷۱/۱۲/۷
۲۴۹. ۸۰/۶/۱۵
۲۵۰. ۸۶/۶/۳۱
۲۵۱. ۸۴/۷/۲۹
۲۵۲. ۷۱/۱۲/۷
۲۵۳. ۸۶/۶/۳۱
۲۵۴. ۶۴/۷/۱۵
۲۵۵. ۷۱/۱۲/۷
۲۵۶. ۸۴/۷/۲۹
۲۵۷. ۷۳/۲/۲۸
۲۵۸. ۷۱/۱۲/۷
۲۵۹. ۸۶/۶/۳۱
۲۶۰. ۸۴/۷/۲۹
۲۶۱. ۶۹/۱/۱۰
۲۶۲. ۷۱/۸/۲۷
۲۶۳. ۷۳/۱۱/۲۸

۷۳/۱۱/۲۸ .۲۶۴
۸۴/۷/۲۹ .۲۶۵
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۶۶
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۶۷
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۶۸
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۶۹
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۷۰
۷۱/۹/۲۵ .۲۷۱
۷۶/۹/۱۳ .۲۷۲
۸۷/۳/۲۱ .۲۷۳
۸۴/۷/۲۹ .۲۷۴
۷۱/۱۲/۷ .۲۷۵
۸۴/۷/۲۹ .۲۷۶
۷۶/۱۱/۱۴ .۲۷۷
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۷۸
۸۵/۷/۲۱ .۲۷۹
۸۸/۵/۱۸ .۲۸۰
۶۹/۱/۱۸ .۲۸۱
۶۹/۸/۱۳ .۲۸۲
۶۹/۹/۱۴ .۲۸۳
۷۵/۱۰/۲۸ .۲۸۴
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۸۵
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۸۶
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۸۷
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۸۸
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۸۹
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۹۰
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۹۱

نمایه

ابزارهای مادّی، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۸۶
اجابت، ۱۸، ۲۱، ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۴۵، ۴۹، ۵۵، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۳۲
اخلاص، ۵۹، ۱۲۱
ادعیه‌ی مأثوره، ۲۵، ۱۳۷
ارادت، ۳۱، ۵۶، ۱۱۸
ارتباط با خدا، ۲۳، ۴۷، ۸۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۲۸
ارتباط و اتّکال، ۲۳، ۹۰، ۱۱۲
استجابت، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۶۶، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۳۸
استعلا، ۲۸، ۷۵
استغفار، ۲۵، ۲۸، ۴۶، ۴۸، ۵۷، ۵۸، ۷۶، ۸۴، ۸۶، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۴
استکبار، ۲۸، ۷۵، ۹۶، ۱۲۰
استکثار دعا، ۷۶
التماس، ۲۵، ۵۵، ۶۵، ۱۳۷
امام باقر(ع)، ۴۰، ۵۲، ۷۸، ۹۳، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۲
امام حسن(ع)، ۴۸، ۶۴، ۱۳۴
امام حسین(ع)، ۲۶، ۴۱، ۷۸، ۱۲۳، ۱۳۶
امام خمینی(ره)، ۵۰، ۵۹
امام سجّاد(ع)، ۳۶، ۶۳، ۶۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۳۹
امام صادق(ع)، ۷۴
امام علی(ع)، ۲۴، ۳۱، ۳۸، ۴۷، ۴۸، ۵۶، ۵۸، ۶۴، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۸۱، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۲۶
اُمّ‌سَلَمَه، ۵۷
انابه، ۲۴، ۴۸، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۸۴، ۸۶، ۹۰، ۱۱۲
انانیّت، ۲۸، ۷۵، ۹۶
انبیای الهی، ۲۷، ۴۶، ۵۸، ۹۰
انس، ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۳۳، ۴۵، ۴۶، ۵۴، ۶۵، ۷۴، ۸۹، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹
انس با خدا، ۲۵

انفاق، ۳۲
ایّام معلومات، ۸۹
ایمان، ۳۷، ۴۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۵

بندگی، ۲۷، ۴۵، ۵۸
بنی اسرائیل، ۶۷، ۷۷
بهشت، ۳۲

پلکان عروج، ۱۱۹
پیامبر اکرم(ص)، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۷، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۵۸، ۷۱، ۷۵، ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۹۰، ۹۵، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷

تحمید، ۳۱، ۵۶، ۱۰۰، ۱۱۸
ترک دعا، ۵۵
تزکیه، ۱۰۰، ۱۱۸، ۱۱۹
تضرّع، ۱۸، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۵، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۸۰، ۸۱، ۸۶، ۸۹، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۳۶
تطهیر روح، ۱۱۸
تعالی، ۱۲۴
تقرّب، ۲۴، ۲۵
تمجید، ۳۱، ۵۶، ۱۱۸
تمنّیات، ۲۵، ۸۱
تنبلی، ۳۰، ۳۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸
تواضع، ۲۷، ۵۶، ۹۵، ۹۶
توبه، ۲۵، ۲۸، ۷۶، ۸۴، ۸۵، ۱۲۴
توسّل، ۳۱، ۴۸، ۵۰، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۸۸، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۱۹
توفیق إلهی، ۶۵
توفیق دعا، ۴۵، ۶۵
تهذیب نفس، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۱۹

ثبات قدم، ۱۲۴، ۱۲۷

جسمانیّت، ۳۸
جلب رزق، ۱۰۹
جمال مطلق، ۲۷، ۵۶، ۹۵، ۹۷
جمهوری اسلامی، ۱۲۵
جهاد، ۳۲

حج، ۸۹
حُسن مطلق، ۲۷، ۵۶، ۹۵
حضور قلب، ۵۴، ۷۶، ۸۱
حقارت، ۲۸، ۷۶، ۹۳، ۹۴، ۹۷، ۱۲۴، ۱۳۳
حوائج، ۲۹، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۳۳

خاکساری، ۲۷، ۲۸، ۷۵، ۹۳، ۹۶
خزائن الهی، ۴۷
خشوع، ۲۷، ۲۸، ۵۶، ۵۷، ۷۵، ۸۱، ۹۵، ۹۸، ۱۳۶
خضوع، ۲۷، ۵۶، ۹۰، ۹۵
خلقت، ۳۶، ۷۱، ۱۰۳
خمس، ۵۲
خواستهای فطری، ۲۶، ۷۹، ۱۳۷
خودبینی، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۱۵
خودسازی، ۸۹، ۱۱۹

خودنگری، ۹۷، ۱۱۵
خیر مطلق، ۲۷، ۵۶، ۹۵

درخواست، ۲۶، ۳۱، ۴۹، ۵۰، ۵۶، ۶۵، ۷۴، ۷۶، ۸۳، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۳۲
درماندگی، ۱۱۱
دعای ابی‌حمزه ثمالی، ۲۶، ۳۶، ۶۶، ۷۸، ۹۸، ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸
دعای افتتاح، ۹۸، ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۳۶
دعای سحر، ۵۶، ۱۰۷، ۱۴۲
دعای عرفه، ۱۳۶
دفع بلاء، ۱۰۹

ذخایر معنوی، ۵۳، ۱۳۵
ذکر، ۲۱، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۶، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۵، ۸۱، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷
ذکر کثیر، ۳۹، ۵۱

رجب، ۸۸
رحمت الهی، ۳۶، ۶۳، ۶۸، ۱۰۴
رقّت قلب، ۸۳
رمضان، ۱۷، ۳۶، ۵۲، ۵۴، ۸۹، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۳۴، ۱۴۱
روز عرفه، ۲۶، ۷۸، ۱۳۷

زبور آل محمّد، ۵۳، ۱۳۵

سازندگی، ۴۸، ۵۷
سرخوشی، ۳۲
سرگشتگی، ۱۱۱
سلب توفیق، ۵۵
سوز دل، ۷۹، ۸۳، ۹۹، ۱۳۶

شب قدر، ۳۱
شعبان، ۸۲، ۸۸
شکر، ۶۵
شهوات، ۲۵، ۸۱، ۸۴، ۱۱۶

صبر و صلاة، ۵۷
صحیفه‌ی سجّادیه، ۵۳، ۹۷، ۱۰۰، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۳۵
صراط مستقیم، ۱۱۳، ۱۲۷، ۱۳۷، ۱۳۸
صله‌ی رحم، ۵۲

طباطبایی، محمدحسین، ۴۹
طراوت دل، ۸۳

عبادت، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۷۵، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۳۴
عبودیت، ۱۸، ۲۷، ۴۵، ۴۹، ۵۸، ۸۱، ۱۱۴
عرفان، ۵۱
عروج، ۱۲۴
عشق به خدا، ۱۱۴، ۱۱۶
علوّ مقام، ۲۸، ۷۶، ۱۲۴
عید فطر، ۸۹

عیش‌بارگی، ۳۲

غرور، ۲۸، ۷۵، ۱۴۰
غفلت، ۱۸، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۸۴، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۳

فرعون، ۳۴، ۶۷، ۷۷
فضایل اخلاقی، ۱۱۹
فضل مطلق، ۲۷، ۵۶، ۹۵
فلاح، ۱۲۴

قانون الهی، ۳۳، ۶۹، ۷۰
قدرت محیطه‌ی الهی، ۳۶، ۶۳، ۶۸، ۱۰۴
قرآن کریم، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۸، ۷۱، ۸۰، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹
قلب غافل، ۷۳
قوانین طبیعی، ۳۳، ۶۹، ۱۰۴

کرم الهی، ۳۶، ۶۳، ۶۸، ۱۰۴

گناه، ۴۰، ۷۲، ۸۴، ۸۵، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲

لطف الهی، ۴۵، ۶۵، ۹۷، ۱۱۵
لقلقه‌ی لسان، ۲۴، ۸۱

محبّت، ۳۱، ۵۶، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۶
مستجاب، ۲۵، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۶۵، ۶۷، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۴۱
مسجد کوفه، ۹۹
معارف الهی، ۳۱، ۴۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۳۷
مفاتیح الجنان، ۷۹، ۹۹، ۱۳۶
ملکوت، ۳۸، ۴۹، ۶۴
مناجات *با خدا*، ۸۲، ۸۸
منبع فیّاض، ۲۴، ۱۱۲
موسی، ۳۴، ۵۸، ۷۷، ۸۳، ۸۵، ۹۰
مهار نفس، ۹۷

نسیان، ۳۸، ۵۰، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۲۴
نماز جمعه، ۱۷، ۳۲، ۵۴
نماز، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۳۱، ۳۲، ۵۰، ۵۴، ۵۷، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۱
نوح، ۵۸، ۹۰
نهج‌البلاغه، ۶۶، ۱۰۰، ۱۰۵

وعده‌ی الهی، ۳۳، ۳۷، ۶۳، ۶۸، ۷۰، ۱۰۴

همّت *بلند*، ۱۳۲